

کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۱

# پیکار

مقرن پیکر در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰

## در صفحات دیگر این شماره:

- وضعیت زندگی کارگران کوره یزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه صفحه ۳
- پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته‌اند! صفحه ۱۳
- چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟ صفحه ۱۴
- چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟! صفحه ۲۰

## منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

بسی جامعه‌ای بی طبقه ما نفع گردد و حرکت انقلابی کارگران و زحمتکشان را بسوی نابودی سرمایه - داری به تاخیر اندازد. یکی از وسائلی که رژیم جمهوری اسلامی، بخصوص از آن استفاده فراوان می‌کند، اعتقاد مذهب است. رژیم‌هاست. رژیم هر چه را که بقیه در صفحه ۱۹

رژیم جمهوری اسلامی براساس ما هیت سرما به دارا نه و ارتجاعی خود، بر ضد کارگران و زحمتکشان و آگاهی آنان عمل می‌کند و این امری طبیعی است. او می‌کوشد با هر وسیله ممکن، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران را از ادامه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی و از پیشرفت تاریخی طبقه کارگر

بد نیال تظاهرات چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی قزوین و ساعت‌ها درگیری با مزدوران:

## دهها کارگر زحمتکش توسط پاسداران جمهوری اسلامی بخاک و خون کشیده شدند

صفحه ۲۶

## بازهم میلیونها تومان برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی!

پیکار میکند، "سودویزه"، "فوق العاده شغل" و اضافه کاری کارگران را که بخشی از مزد آنهاست قطع می‌کند و... اما سرکوب رژیم برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی که بدفاع از منافع شما مبارزه میکنند با است: بقیه در صفحه ۲۸

کارگران، زحمتکشان و خلقهای مبارز ایران! اگر رژیم جمهوری اسلامی به بهانه شرایط جنگی، کمبود بودجه و هزاران حيله و فریب دیگر از پرداخت دستمزد ناچیز زحمتکشان جنگ زده خودداری میکند، هزاران کارگر را از کار

## اسلام سر مقاله

## دفاع از آزادیهای دمکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری رابه اهرمی در جهت گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

سیر تحولات سیاسی حاضر و سمت و سوی حرکت آن بیش از پیش صحت این تحلیل ما را که ائتلاف حکومتی در کشاکش انقلاب و غذا انقلاب از یکسو در مسیر شدت‌دهای درونی و جناح رژیم از سوی دیگر، به بین بست رسیده و این بست می بایست به نفع این یا آن جناح، یعنی به نفع یک سیاست واحد و جاری از تعرض شکسته شود، تا شاید نمود. ما در یادداشت‌های سیاسی پیکار ۱۰۷۲، در سرمقاله و یادداشت‌های سیاسی پیکار ۱۰۸۰، به توضیح این نکته پرداختیم و دلایل ایجاد این بست تناقض آفرین و فلج کننده برای بورژوازی را توضیح دادیم. و ضرورت شکستن آن از نقطه نظر منافع بورژوازی را به نفع یک جناح معین، مورد اشاره قرار دادیم. حوادث روزهای اخیر، که در آن جناح حزب جمهوری اسلامی، به تمغیه کامل قدرت سیاسی از لیبرالها حرکت نموده و در این بست آفرین قدمها را می بینیم، یاد این مسئله را بوضوح تا شید نمود. در حال حاضر، حزب آخرین پرده نمایش تسلط کامل خویش را بر حکومت و حذف کامل لیبرالها را از آن، به اجرا گذاشته است: طرح "بررسی عدم کفایت بنی صدر" در مقام ریاست جمهوری در مجلس، در واقع سناریوی این نمایش آفرین است! بقیه در صفحه ۲

## تظاهرات عظیم ۱۰۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!

صفحه ۲۵

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## بقیه از صفحه ۱ سرمقاله

بی تردید، همانطور که در گذشته نیز یاد آور کردیم، هجوم حزب به لیبرالها در بسال برای کسب کامل مواضع قدرت، تلاشی است برای ایجاد یک صف فشرده ضد انقلاب در بسال، بمنظور مقابله هر چه بیشتر با بحران سیاسی موجود و روند گسترش انقلاب. حرکت حزب در این مسیر که به موازات حرکتش در جهت تشدید جو خفقان و سرکوب در جامعه بوده است، علیرغم اینکه از تفا دعینی وی با لیبرالها، در نحوه سرکوب انقلاب، بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و مقابله با بحران درونی آن حکایت می کند، اما اساساً از ضدیت وی با انقلاب و توده ها و نیروهای انقلابی حکایت می کند. چرا که در واقع حزب و لیبرالها، به مثابه دو جناح از بورژوازی ضد انقلابی، دارای وحدت طبقاتی هستند و تعارض آنها با یکدیگر تعارض میان دو قشر معین از بورژوازی بر سر کسب هژمونی و تسلط بر قدرت سیاسی حاکم است. به همین جهت، تعرض حزب به لیبرالها، ضد انقلابی، که اکنون عوام فریبانه در لباس "دموکراسی" ظاهر شده اند، بنوبه خود، سرآغاز تشدید تعرض حزب به انقلاب است. او می خواهد قدرت در بالا را یکپارچه کند و از تعرض و بحران بگریزد، تا زود، تا هجوم خویش به انقلاب را بهتر از زمان دهد. لیبرالها نیز خواهان چنین چیزی بودند، آنها نیز طالع به وجود آمدن آن چنان کیفیتی از قدرت در بالا بودند که سرکوب انقلاب و مقابله با بحران را به شیوه خاصی آنها سازمان دهد. لیکن تناسب قوا در میان نیروهای حاکم بگونه ای بود که حزب امکان یافتن این کساکش را به نفع خویش خاتمه دهد.

در بستر این تحولات، که از مدت ها پیش آغاز گشت و حوادث اخیر تنها مراحل تکاملی آن بود، لیبرالها، از یک جریان و حزب سیاسی حکومتی، بتدریج به یک اپوزیسیون در برابر حکومت تبدیل گشتند و در متن این تغییر کارکرد سیاسی، در همسویی ظاهری با انقلاب قرار گرفته اند و عوام فریبانه می گویند، ای همسوئی را در منافع و مضمون خواست های مرحله ای کنونی انقلاب در دفاع از آزادیهای دموکراتیک، جلوه دهند. حال آنکه این همسوئی، در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی نقش سرکوب انقلاب، و جنبش انقلابی را ایفا می کند، بیگ همسوئی در شکل است که در رابطه با کیفیت آرایش سیاسی نیروها در شرایط حاضر شکل گرفته است. این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر، وجهت گیری تضادها و نقش و کارکرد سیاسی متفاوت و جناح حزب و لیبرالها (طبیعی است که ما خمینی را در جبهه حزب می دانیم و وقتی سخن از حزب می گوئیم، این مجموعه متحد

را مورد نظر داریم). اینجا بی می کند که پرولتاریا و دموکراسی انقلابی نیز روش سیاسی و تاکتیک معینی را از نقطه نظر مقابله با این اوضاع و گسترش امر انقلاب و مبارزه طبقاتی در پیش گیرند. در اینجا نیز، این تاکتیک معین را به اختصار و در خطوط اساسی آن توضیح دادیم. در این جا می گوئیم که نکاتی چند را پیرامون این تاکتیک مورد اشاره قرار دهیم.

شکی نیست که پرولتاریا، دموکراسی انقلابی در مرحله حاضر انقلاب ایران، خواهان سرنگونی رژیم سیاسی حاکم به مفهوم طبقاتی آن است، یعنی سرنگونی سلطه امپریالیسم و بورژوازی (که در ایران بورژوازی وابسته است) و این خواستی است که حتی یک لحظه نباید از آن غفلت نمود اما ما باید لوحا نخواهد بود اگر تصور کنیم که "انقلاب بروی خطی مستقیم ما مانند پرواز یک تیرتکا مل خواهد یافت". (۱) اگر مناسبات اساسی طبقاتی در هر مرحله انقلاب، تعیین کننده هضمیون و استراتژی انقلاب در آن مرحله معین است، بهمان ترتیب آرایش سیاسی نیروها و تناسب قوای طبقاتی در هر مقطعی از روند مبارزه طبقاتی، تعیین کننده تاکتیک و روش سیاسی پرولتاریا در این مقطع می باشد. اشتباه است تصور شود که تاکتیک های حزب انقلابی نه بر اساس مناسبات نیروهای طبقاتی آنطور که هستند، بلکه بر اساس مناسباتی که ما می خواهیم وجود داشته باشند، پایه ریزی شوند. (۲) این آرایش سیاسی در شرایط حاضر چگونه است؟ ما اکنون در دوران کساکش انقلاب و ضد انقلاب از یک سو و کساکش درونی ضد انقلاب بورژوازی، بر سر سلطه این با آن جناح معین در قدرت سیاسی هستیم. در جبهه انقلاب، شاهد توسعه و گسترش روز افزون مبارزه توده ها هستیم. لیکن توده ها، در وسیعترین بخش خود، دارای توهم نسبت به لیبرالیسم ضد انقلابی بورژوازی لیبرال هستند. بعلاوه اینکه کیفیت جنبش در این شرایط بگونه ای است که توده ها در سطح نسبتاً وسیعی، نسبت به حزب جمهوری، در تعارض قرار گرفته و از آن بریده اند، لیکن بورژوازی لیبرال، با نفوذ و اشتهار لیبرالیسم ضد انقلابی خویش در بین توده ها، بطور عمده نقش یک ارتجاع ایدئولوژیک را در میان توده ها ایفا می کند. و به همین لحاظ به مهمترین مانع در برابر پرورش و رسوخ ایده سرنگونی کل قدرت سیاسی بورژوازی (وابسته)، که طبعا سرنگونی

(۱) - از سخنرانی ما نوشلیسکی، عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک در هفتمین کنفرانس کمینترن تحت عنوان "تاکتیک پرولتاریا از انگلس بیا موزیم".  
(۲) - همانجا

همه جناح های بورژوازی را در بردارد تبدیل شده است. نیروهای بورژوا دموکرات به نوا و کشان این لیبرالیسم ضد انقلابی در درون اردوی انقلاب تبدیل شده اند و از همین لحاظ نقش مهمی در پاره کردن لیبرالیسم ضد انقلابی در درون جنبش ایفا می کنند.

از طرف دیگر در اردوی ضد انقلاب شکاف افتاده است حزب جمهوری اسلامی. در هیئت سرکوب بورژوازی (جناح معینی از آن)، در شکل خاصی شاهد آن هستیم، عرض اندام می کند و لیبرالها، بنا بر تضاد که با جناح حزب داشته و موقعیتی که کل حکومت از یک سو در آرایش نیروهای سیاسی از سوی دیگر بر یافته اند، کارکرد سیاسی کاملاً متفاوتی با حزب در پیش گرفته اند. وضعیت آنها، اکنون موقعیت یک اپوزیسیون کامل در برابر هیئت حاکمه را ترسیم می کند و نه یک نیروی مخالف دولتی که صرف نظر از وحدت طبقاتی، از لحاظ سیاسی نیز عمدتاً در وحدت با جناح دیگر قرار داشته باشند.

سیاست کاملاً متفاوت حزب و لیبرالها، در رویا روشی با انقلاب و بحران حاضر، آنها را بطور کامل در برابر یکدیگر قرار داده و بیشتر بین حدت و ویراکنندگی را تاکنون در صفوف ضد انقلاب بورژوازی بوجود آورده است. تاکتیک پرولتاریا صحیح، اکنون در گرو آن است که این سیمای سیاسی، و این آرایش سیاسی نیروها، هم در جبهه انقلاب و هم در اردوی ضد انقلاب بروشنی بازشناخته شود. عسارت برداری و کلی گویی در مورد "گسترش انقلاب" در شرایط حاضر، هیچ کمکی به دست یابی به تاکتیک صحیح نمی کند. آنچه مهم است این است که اکنون چگونه می توان انقلاب را گسترش داد، چگونه می توان، آنچنان تاکتیک و روشی در پیش گرفت که به بهترین وجهی از یک سو ما را در بستر استراتژی انقلابی مان به سرنگونی کل رژیم سیاسی حاکم رهنمون سازد و مبارزه توده ها را در این بستر به پیش رانده و ارتقاء و تکامل دهد، و از سوی دیگر، توده ها را از زیر نفوذ لیبرالیسم ضد انقلابی لیبرالها و توهما تخریده بورژوازی خارج ساخته و به زیر پرچم دموکراسی انقلابی سازماندهی نماید. عبارت دیگر جذب توده ها را به سمت دموکراسی لیبرالها و نیروهای متضاد آن تسهیل نماید.

اگر این درست است که حلقه اصلی زنجیر تکامل مبارزه توده ها و جنبش انقلابی، بسا توجه به کیفیت تعرض حزب و کارکرد لیبرالها، (که در بنای سازمان توضیح داده شده است)،

دفاع از آزادیهای دموکراتیک و گسترش آن در شرایط حاضر تشکیل می دهد، و اگر این درست است که حزب جمهوری، با غلبه بر حکومت، نیروی اصلی به حرکت در آورنده زنجیر سرکوب

## رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

# جنبش کارگری



## نوطه‌ها خراج کارگران راختنی کنیم!

با گسترش نوطه‌های رنگارنگ رژیم برای خراج کارگران، موج مقاومت و اعتراض آنها نیز گسترش یافته است که تنها در صورت تعمیق این مبارزات و تلفیق آنها با آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد شوراهای واقعی می‌توان نوطه‌های رژیم را خنثی نمود. برای آشنایی بیشتر با این نوطه‌ها نمونه‌های زیر را آوریم:

### ۱- خانه‌سازی تبریز:

موج اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران ایران بوسیله رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. اخیراً رژیم قصد دارد حدود ۱۰۰۰ تن کارگران و همچنین کارکنان کارخانه‌سازی تبریز را به بهانه "آب‌ان" کار "اخراج و بازخرید" نماید. استاندار مرتجع ماه گذشته در مقامی تسلیم اعتراض کارگران و کارکنان گفته بود:

"اکنون موقع جنگ است. چون کارمان تمام شده و پول هم نداریم، مجبور هستیم کارخانه را تعطیل کنیم."

کارگران با اینکه حقوق اردیبهشت را دریافت نکرده و در نسیمه اول خرداد ماه هم علی‌الحساب گرفته و سخت در مضیقه هستند هر روز به کارخانه رفته و سعی دارند نوطه رژیم را خنثی نمایند.

به نقل از "پشچلر شماره ۶" با تغییر

### ۲- صنایع الکترونیک شیراز:

از مدتی پیش انجمن اسلامی صنایع الکترونیک شیراز که وابسته به ارتش می‌باشد، در پی دستگیری سه تن از کارکنان مبارز که هوادار سازمان مجاهدین هستند به نوطه‌های گوناگون زده و سرانجام در تاریخ ۶۰/۳/۱۹ دادگاه انقلاب اسلامی از طریق دژبان اقدام به جلب سه تن نامبرده می‌کند. کارکنان مجتمع که بالغ بر ۱۲۰۰ نفر هستند یکپارچه جلوی ساختمان امور اداری اجتماع کرده و مخالفت خود را ابراز می‌دارند. عناصر مترقی شورای کارخانه هم حمایت خود را از خواست انقلابی کارکنان اعلام می‌کنند. بهر حال عوامل رژیم موفق نمی‌شوند کارکنان مبارز را دستگیر نمایند. مزدوران انجمن اسلامی در شرایط حاضر، تحلل شورا را خواستارند، اما کارکنان در مقابل انحلال شورا و دستگیری سه تن از کارکنان صنایع مقاومت میکنند.

به نقل از خبرنامه محلی تشکلات شراز شماره ۷ - با تلخیص و تغییر

## وضعیت زندگی کارگران کوره‌پزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه!

خرداد، هیچ سخنی از آنان به میان نیاورده و بر مبارزات کنونی آنان پرده ساطر می‌کشد. برای درک بهتر شرایط عینی کارگران کوره‌پزخانه‌ها و استعمار وحشیانه آنان توسط سرما به دارانی که با تکیه بر رژیم - سرما به داری جمهوری اسلامی خون کارگران را می‌مکند، نگاهی به وضعیت دستمزدها، وضعیت مسکونی کارگران، بیمه، بهداشت و... کوره‌پزخانه‌های تهران می‌اندازیم:

کوره‌پزخانه‌های تهران در مناطق زیر واقع شده‌اند:

- ۱- قرچک ورامین
- ۲- خاتون آباد
- ۳- فرون آباد
- ۴- محمودآباد
- ۵- بافت آباد
- ۶- اسماعیل آباد
- ۷- شمس آباد
- ۸- چهار دانگه

بقیه در صفحه ۴

رشد بحران اقتصادی - اجتماعی سیستم سرما به داری وابسته ایران، شرایط را هر چه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان سخت و طاقت فرسا نموده است. کارگران کوره‌پزخانه‌ها که در شرایط نیمه بردگی استعمار قرار دارند نیز از این گل مستثنی نمی‌باشند. این کارگران اکنون می‌بینند که نه تنها شرایط زندگی‌شان نسبت به قبل فرقی نکرده بلکه با تشدید تورم و گرگان شدن کالاهای مورد نیازشان، به مراتب بدتر شده و فشار زندگی را بدوشان چند برابر کرده است. می‌بینند که در حالیکه اعتصاب ۴۰

هزار نفری و پرتشوّه آنان در سال ۱۳۳۸ زمینه ساز قیام پانزده خرداد بوده و ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره‌پزخانه‌ها به دست جلاد رژیم پهلوی به خون کشیده شدند، رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی در به اصطلاح بزرگداشت قیام بوده‌ای

## اجبای روابط "استاد-شاگردی": طرحی از تجاعی بر علیه کارگران

کارگران، خلاصه نمود، که هدف "حل" بحران اقتصادی بسود طبقه سرما به داران است. انتقال هر چه بیشتر بار بحران بر دوش کارگران و زحمت - کسان را دنبال می‌نماید. برای روشنتر شدن ماهیت این طرح و اهداف ضدکارگری طراحان به بررسی آن می‌پردازیم:

یکی از محورهای توجیه طرح مذکور این است که گویا موجب حرکت جامعه در جهت "عدم وابستگی" شده و زمینه رشد صنایع ملی را بوجود خواهد آورد!! معاون وزارت کار در این باره می‌گوید:

"در شرایط کنونی کشور ما از نظر صنعتی آنچنان فقیر است که جز سیر بودن در جنگال تکنولوژی وارداتی چاره‌ای ندارد مگر اینکه در زمینه تربیت و آموزش متخصص

بقیه در صفحه ۷

مدتی است که مسئله اجبای روابط فرتوت استاد - شاگردی از جانب عوامل وابسته به حزب جمهوری اسلامی طرح می‌شود و اخیراً وزارت کار با ارائه طرحی در این مورد، به دفاع از آن پر - داخته است. آنچه که از برای کلیه عوام مغربیه - های مدافعین این طرح نظیر حرکت در جهت عدم وابستگی، تا بودی استعمار زویر قرار ی روابط پدران (؟) میان کارگر و کارفرما، ... میتوان استنباط نمود، تلاشی است که سردمداران حزب جمهوری اسلامی برای خارج کردن سیستم سرما به داری وابسته، از بحران حاد اقتصادی موجود، بعمل می‌آورند.

ویژه‌گیهای کلی این طرح را می‌توان در برقراری آشتی طبقاتی میان کارگر و کارفرما، سازماندهی تولید بر طبق سیاستهای ویژه حزب جمهوری اسلامی و افزایش استثمار

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳ وضعیت ...

- ۹- خانلق
- ۱۰- ولی عمر
- ۱۱- شهریار
- ۱۲- زلف آباد
- ۱۳- خمارآباد
- ۱۴- فتح آباد

سن کاروساعت کار:

بنا بر شیوه تولید و کارمزدی بودن کارگران، کوره پزخانه‌ها ساعت کار خصوصی ندارند و شیوه پرداخت دستمزد بمورثی است که کارگران را از ابتدای ترین حقوق محروم نموده و بشدت استثمار میشوند.

سن کار، گاهی از زمانیکه بچه قادر باشد غشت‌ها را حمل نماید شروع میگردد و ساعات کار برای کارگر پنا بر نوع کارشان از ۸ الی ۱۶ ساعت در ۲۴ ساعت میباشد و اگر مباح باشد در آمد کارگران کوره پزخانه‌ها در بعضی موارد نسبت به کارگران دیگر بیشتر به نظر میرسد به علت شدت استثمار، کارشان فرساون و ساعات کار طولانی است. کارگران کوره پزخانه‌ها به علت اینکه از بیمه‌آزکارافتادگی، بیمه عسوداتی ناشی از کار، بازنشستگی و... محروم میباشند تا سرحد توان کار کرده و بشدت استثمار میشوند. ساعت کار کارگران دائم (آتشکار) از ۱۲ شب شروع شده و تا ۴ الی ۶ بعد از ظهر ادامه میابد (حدود ۱۶ ساعت). ساعت کار کارگران فعلی از حدود ۴ صبح شروع شده و تا جانشیکه توان داشته و قادر باشدند در وقت فراستند ادامه میدهد.

این استثمار روحشانه و طاقت فرسا بصورت خانوادگی با فامیلی از طفولیت شروع شده و گاهی تا مرگ ادامه میابد. ضمن آنکه میانه‌نگین سن کارگران کوره پزخانه‌ها بسیار پایین میباشد.

چگونگی برخورداری از مزایا:

کارگران دائم (آتشکار) غالباً از مزایای نظیر حق مسکن، بخور و بار و... استفاده میکنند و در مورد بیمه فقط بیمه درمانی میباشد. استفاده از این مزایا برافشار کارگران و سابقه کار آنها میباشد.

کارگران فعلی، بطور کلی از این حقوق محروم میباشند. کارفرمایان با این دلیل، عدم پرداخت این مزایا را فعلی بودن و کارمزدی بودن آنها دانسته و از اینکه این دسته از کارگران بنا بر نوع کارشان ممکنست هر سال در یک کوره کار کنند، از پرداختن بخشی از دستمزد واقعی آنان بفرجه میروند.

وضعیت مسکونی:

کارگران فعلی عموماً با خانواده‌های خود و کارگران دائم ندرتاً، در اطراف آنها ۱۲ تا

۲۰ متر مربع که ارتفاع آن حتی به ۲ متر هم نمیرسد زندگی میکنند. گاهی دوباره خانه‌ها ده که املا قرامتی با یکدیگر ندارند اماکن این سلولها هستند که ده‌آنان بین ۷ تا ۱۲ نفر در اختیار میباشند. کارفرمایان آنها را بنا بر سابقه کار، تعداد افراد خانواده و... به کارگران اجاره و حق تعیین افراد ساکن پسگ اتاق به عهده‌آنان میباشد.

کارگران زحمتکش در همین اتاقهای محقر میخواهند، آشپزی می کنند و زنان بچه بدنیا می آورند و به اصطلاح زندگی میکنند. این اتاقها از کمترین امکانات نیز برخوردار نمیباشند. از آنجا شیکه تفاوتی در شرایط کار کارگرسان نسبت به قبیل از قبیل موجودتیا مدها اخیراً در اثر فشار کارگران، وزارت کار مجبور به صدور دستورالعملهایی به کارفرمایان مانشد: بقیه کردن اتاقها، موزاشیک با سیمان کردن کف و جلوی اتاقها، ایجاد حمام، ساختن چندتوالت چنددوش (عمومی یا خصوصی)، ایجاد دسکوی رختشویی و ظرفشویی یا چندشیرآب، احداث فروشگاه‌های شهروروستا در مناطق اصلی، تنبیه پنجره در اتاقهای بدون پنجره، گشته است.

کارفرمایان خونخوار ریشمی از حق مسکن کارگران را با بت کرایه همین سلولها به جیب می زنند.

در محوطه کوره‌ها از بیمه رستان و درمانگاه آمبولانس و داروخانه و... اصلاحی نیست. یکی از کارگران منطقه محمودآباد می گفت که اگر زن کارگری بخواد هود وضع حمل نماید و توسط غروب یا شب بوده و کامیونی رفت و آمد نکنند، با بدزن حامله را توسط فرقان تا کننا رجا ده حمل نمودتا وسیله دیگری پیدا شود و جان زن و بچه هر دودر خطر است.

آلودگی محیط کار و زیست:

محیط کار کارگران کوره پزخانه‌ها بشدت آلوده بوده و امراض جلدی و ریوی معمول رواج است. علاوه بر آنها بیماریهایی چون یرقان، انواع انگل و چشم درد در کارگران خانسوادها بایشان را تهدید می کند.

در کوره پزخانه‌ها بطور کلی دودسته کارگر مشغول بکار هستند:

الف) کارگران دائم (آتشکار) که بر طبق نرخ سال ۵۹ که به ازاء هر هزار رخت ۱۰۰۰ ریال پرداخت میشود، بصورت زیر مزد میگيرند: کارگران گل ساز، قالب زن و قالب کش هر کدام ۲۵۰ ریال. غشت جمع کن ۱۰۰ ریال و استاد کار که ممکن است یکی از کارگران باشد، ۱۰۰ ریال حق استادکاری میگيرد. ۵۰ ریال باقی مانده بین گل ساز، قالب زن و قالب کش تقسیم میگردد. میزان متوسط کار این گروه در روز بین ۶ تا ۷ هزار رخت است.

بقیه در صفحه ۳۰

### کارگران مبارز کفش ملی دروغگوئی مدیران دولتی را افشامی کند

"کوره کارگری کفش ملی" سازمان اعلامیه‌ای انتشار داده است که هیئت مدیره دولتی کارخانه را افشاء مینماید. خلاصه این اعلامیه را با اندکی تغییر در زیر می آوریم:

کارگران زحمتکش و مبارز کفش ملی ما به خوبی بیاد داریم هر بار که خواستهای به حق خود نظیر افزایش دستمزد، حق تولید، سود، ویژه، عیدی، پاداش و... را مطرح کرده و دست به مبارزه زده ایم، هیئت مدیره دولتی کفش ملی آه و ناله سردا ده و قسم! خورده است که: "وضع مالی ما پاک خراب شده، دیگر آهای در بیساط نداریم، تولیدات زسلهای گذشته بسیار پایین - ترا مده است، جنگ و بحران اقتصادی بقیه مان را گرفته و..."

اما دروغگو همیشه کم حافظه است. اطلاعیه زیر که افزایش تولیدات سال کفش ملی را نسبت به سالهای ۵۸ و ۵۹ نشان میدهد، گویای دغلیکاری و خیانت رژیم جمهوری اسلامی نسبت به کارگران است:

**فروش کارتنی**

بسته‌های مختلف کفش ملی را با قیمت بسیار مناسب و با کیفیت عالی عرضه می‌کنیم. برای اطلاع بیشتر و خرید، با ما تماس بگیرید.

● انواع تولیدات کفش ملی و ورزشی  
● انواع تولیدات کفشهای لاستیکی  
● انواع تولیدات کفشهای چرمی

سایر واحد فروش کارتنی:  
خیابان خاتم، چهارراه گلرود، ساختمان استاندارد، تلفن: ۵۲۲۲۲۲

انقلاب اسلامی ۱۰ خرداد  
طبق گفته خود ایشان تولید و سود کارخانه چندین برابر سالهای قبل شده است. اما بسول آن به جیب چه کسی رفته؟ ما کارگران که هیچ نصیبی از این سود سرسام آورنده و هر روز کمترمان بیشتر زیر فشار زندگی و مخارج کمترین آن خم میگردد. پس مسلم است که این میلیونها تومان سود کارخانه که از یکیدن شیره جان و خون ما کارگران بدست آمده است، به جیب کشتاد دولت سرما به داری جمهوری اسلامی سرازیر شده است.

بیشتر می‌اینان حدی ندارند، ما با رها و با رها با گوشت و پوست خود لمس کرده ایم که بالا رفتن تولید کارخانه به ما میل و همکاری کارگران بقیه در صفحه ۲۹

## شوراهای واقعی ایجاد باید گردد! شوراهای قلبی منحل باید گردد!

# خلق‌ها و مسئله ملی



## حزب دمکرات از کدام دموکراسی دم میزند؟

حزب دمکرات با ردیگر در ادامه دشمنی خود با کمونیستها، ۶ نفر از رفقای مادر بوکان را دستگیر و سپس آزاد نمود. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بوکان بتاريخ ۶۰/۳/۱۶ اعلامیه‌ای در این مورد منتشر کرده که ما قسمتی از آنرا در اینجا می آوریم:

خلق رزمنده کرد!  
مردم مبارز بوکان و حومه!  
سرانجام پس از ۵۴ روز، رفقای ما که در زندان حزب دمکرات اسیر بودند آزاد گردیدند. تشکیلات بوکان حزب دمکرات که در این زمینه از سوی نیروهای انقلابی، نهادهای دمکراتیک، خانواده رفقا و... تحت فشار بوده است به دنبال آزادی رفقای دربند ما، با ردیگری اعلامیه‌ای، عوام فریبانه همان اکاذیبی را که در اعلامیه مورخه ۲۲ فروردین خود منتشر نموده بودند تکرار کرده و بدنبال آن با واهشی درباره دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک سرداده است. ما و لا یبکبا ردیگر تحریفاتی را که تشکیلات بوکان حزب دمکرات در رابطه با واقعه شب ۲۱ فروردین انتشار داده زد کرده و آنرا توطئه دیگری بر علیه خود ارضایی مینامیم که خود جدا از خط مشی کلی حزب در رابطه با نیروهای انقلابی نمیتواند باشد و لذا آن دمکراسی را نیز که حزب از آن دم میزند کاذب و بورژوازی میدانیم، چرا که این دمکراسی ادعایش ماهیت خود را صرف نظر از مورد اخیر که جلوه‌ای بارز از آنرا مشاهده نمودیم با رها و به دفعات مکرر نشان داده است.

حزب دمکرات به دنبال تیراندازی افراد مسلحش به دونفر از هواداران ما، که در شب ۶۰/۱/۲۱ عازم خانه یکی از رفقای ما بودند، (آنهم درست در داخل کوچه‌ای که خانه این رفیق در آن واقع است) بطور حساب شده ای پس از یک ساعت تیراندازی هوایی بیهوده و زمینه ساز برای لازم خانه مذکور را محاصره کرده، بخشی از اموال آنجا را با بارت برد و رفیق صاحب خانه و چند تن از رفقای ما را دستگیر مینماید، رفقای دستگیر شده را مورد ضرب و شتم و توهین قرار میدهد سپس آنها را با مزدوران رژیم، جاسها و... در یک بند قرار میدهد و حداقل حقوق آنها را بعنوان زندانیان سیاسی از آنان سلب مینماید و در اعلامیه‌ای سراها تحریف و دروغ از رفقای ما بعنوان عناصر متشکک با دمیکند و... بدینسان حزب گوشه‌ای از "دمکراسی غد" -

## "شورای مرکزی سنت": توطئه‌ای علیه خلقهای کرد، بلوچ و ترکمن! و سکوت خائنانه فدائیان (اکثریت) در قبال سابقه سردمداران آن

طبقاتی رژیمهای ارتجاعی را وحشیانه سرکوب می کردند. و اکنون که در روند قبضه شدن تمام مواضع قدرت در دست حزب جمهوری اسلامی از یکسو مواضع خود در قدرت سیاسی را درمناظره می بیند و از سوی دیگر ناظر شد جنبشهای انقلابی بوده‌های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران هستند پرچم عوام فریبی را برافراشته و با "خودمختاری" خواهی و عنوان کردن "رفع ستم ملی - مذهبی - طبقاتی" در صدد تحمیل و سوار شدن بر جنبش توده‌ها برآمدند.

شورای مرکزی سنت "وتشکلات ارتجاعی و ضد خلقی نظیر آن از جمله "وحدت اسلامی بلوچستان" می گویند بمواضع تلاشهای لیبرالها در جهت سوار شدن بر جنبش توده‌ای و همسوئی صوری و عوام فریبانه آنها با توده‌ها، و منحرف کردن مبارزات زحمتکشان و خلقهای ستمدیده در جهت تأمین منافع طبقاتی خود بر علیه حزب جمهوری اسلامی، برانقلاب توده‌ای مهار زده و سیستم سرمایه داری وابسته را از آسیب توده‌ها مومن نگهدارند. در شرایطی که هر روز بیش از پیش توده‌های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ما که در اثر فشار طاقت فرسای بحران اقتصادی گران، بیکاری و گرسنگی و عوارض فلاکتبار ناشی از جنگ از یکسو و سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده از سوی رژیم و افشاکری و کارگاه - گرانه کمونیستها و نیروهای انقلابی از سوی دیگر، به ما هیت ضد خلقی حزب جمهوری ستمنا به جناح کا ملا مسلط در هیئت حاکمه پی برده و در مقیاسی وسیع به مهار زده بر علیه آن کشته می شوند، "شورای مرکزی سنت" و بقیه در صفحه ۶

اخیرا ارتجاع محلی کردستان، ترکمن و بلوچستان، در بلوچستان تشکیلاتی بنام "شورای مرکزی سنت" (شمس) ایجاد کرده و مفاد اساسنامه موقت خود را بشرح زیر اعلام کرده اند: "احیای امت واحد اسلامی و زدودن مظالم تفرقه از قبایقه امت، فعالیت پیگیر برای رفع ستمهای مذهبی، ملی و طبقاتی، اصلاح اصول قانون بخصوص اصل دوازده، در تعیین ائمه جمعه و حاکم شرع در مناطق سنی نشین باید بانظر مردم محل و تأییدین شورا باشد". (تلخیص از انقلاب اسلامی ۲۲ فروردین ۶۰).

سردمداران این شکل ارتجاعی، احمد مفتی زاده از کردستان و مولوی عبدالعزیز از بلوچستان می باشند. تشکیل شمس از طرف این عناصر مورد حمایت لیبرالها نیز قرار گرفته است. همچنانکه از مفاد اساسنامه شمس برمی آید، شورای مرکزی سنت قبل از هر چیز، تحمیل توده‌ها و خلقهای ستمدیده و مهار زدن بر جنبش انقلابی و منحرف نمودن آن در جهت منافع خود را وظیفه خود قرار داده است.

رهبران این جریان از رفیق ستم مذهبی ملی - طبقاتی دم می زنند و با مستمک قرار دادن این خواسته‌های برحق خلقهای ستمدیده کرد، ترکمن و بلوچ می خواهند دستهای آلوده بخون خود در کشتار خلقهای ایران، طی دوسال حاکمیت جمهوری اسلامی را پوشیده نگه دارند. حال آنکه کیست که نداند همین عناصر ارتجاعی تشکیل دهنده شورای مرکزی سنت همانها می هستند که بهنگام کشتار خلقها و انقلابیون کرد و ترکمن و بلوچ، با بیبای تمام جناحهای رژیم و ارگانهای سرکوبگران، مبارزات انقلابی و خلقهای ستمدیده بر علیه آنها ستم ملی -

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



انقلابی خود را انعکاس میدهد و آنگاه که بر اثر افشاکاری و فشار نیروهای انقلابی و... مجبور به آزادی آنان میگردد به "دمکرات نمائی" یا "شگرد مسموم خود میپردازد."

### اشغال انقلابی قسمتهائی از مهاباد و ضربات پیشمرگان کومله بردشمن

۶۰/۳/۱۳ در این روز ۵ دسته از پیشمرگان کومله: از پل شهید محمد حسین کریمی پل شهید خانه و دسته که به جوار چا و وارد شهر مهاباد شدند. در ساعت ۷ بعد از ظهر محله های جامجم - سه آسیاب - باغ سیسه - بفرادش - خیابان پهلوی سابق و خیابان حافظ را به کنترل کامل خود درآوردند و به کین نیروهای دشمن نشستند.

در همین اشغال مزدوران رژیم که سوار بر ماشین در داخل شهر به گشت زنی می پرداختند، به کین پیشمرگان انقلابی کومله می افتند و زیر آتش سلاحهای آنان قرار میگیرند. این نبرد از ساعت ۷ تا ۹ شب ادامه پیدا میکند.

در جریان درگیری، مواضع پیشمرگان توسط ارتشیان مستقر در تپه "دانش مجید" بشدت با سلاحهای سبک و سنگین کوبیده میشود و لوسی پیشمرگان با شجاعت کم نظیری در حالیکه مردم شهر آنها را پاری میدادند و برایشان غذا، شیرینی، نوشابه می آوردند، سرخاسته به نبرد ادامه میدادند.

نظم انقلابی پیشمرگان و تهو روحی آنها در همان حال که تحسین مردم شهر را برانگیخته بود، رعب و هراس در دل نیروهای دشمن افکنده بود.

در این نبرد - بیش از ۱۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین پیشمرگان توانستند یک دستگاه ماشین سیمرغ، یک دستگاه ماشین لندرور، ۴ قیغه ژ-۳ و مقدار قابل توجهی مهمات را از دشمن به غنیمت بگیرند و به همراه یک افسر ارتشی که در جریان درگیری به اسارت درآمده بود، از شهر خارج نمایند. در این عملیات به هیچیک از پیشمرگان آسیبی وارد دنیا موهنگی سالم به پایتگاههای خود بازگشتند. در جریان این عملیات پیشمرگان مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند. (خبرنامه ۱۲۷ کومله)

### بقیه از صفحه ۵ شورا...

و دستجات ارتجاعی نظیر آن، به تبعیت از تکاپوی لیبرالها جهت سوار شدن بر امواج مبارزات توده ها در هیئت مخالفت با حزب جمهوری اسلامی خود را "مذافع" خواستهای سر حق خلقهای ستمدیده قلمداد می کنند. حال آنکه با اندکی تأمل در ماهیت و سوابق خیانت با روچنا باقی که سردمداران این تشکیلات تا کنون مرتکب شده اند، می توان اهداف خائنه آنها را با شناخت "شورای مرکزی سنت" چه از نظر ترکیب درونی و چه از نظر برنا مه سیاسی آن اشتقاقی است از ارتجاع عیون محلی کردستان.



ترکمن صحرا و بلوچستان که قبل از آنکه مخالف جناح حزب جمهوری اسلامی باشد، برای سرکوب کمونیستهای و انقلابیون و خلقهای ستمدیده، بهیچا غسته و در مقابل انقلاب صف آرای کرده اند. این دارو دسته در پی آنستند که حرکت انقلابی توده ها را پلکان رسیدن به منافع خود از طریق شرکت در قدرت و بهره وری از استثمار زحمتکشان قرار دهند. از سوی دیگر "شورای مرکزی سنت" بخوبی بر این مسئله واقف است که اگر جنبش انقلابی خلقهای ستمدیده و توده های زحمتکش ایران که اکنون عمدتاً حزب جمهوری را هدف قرار داده اند در روند روبه تکامل خود و در صورت شکل توده ها حول سیاست کمونیستها کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار خواهد داد و این چیزی است که نمی تواند وحشت ارتجاع اپوزیسیون محلی و فئودالها، خوانین و مولویها و مفتی های مرتجع را بر نیبا نگیزد. بر مبنای همین واقعیت شورای مرکزی سنت خواهان تجدید نظر در اصل ۱۲ قانون اساسی و تنظیم قانونی می باشد که ضمن مجاز شمردن هرگونه ستم ملی - طبقاتی برخلقهای ستمدیده کرد و ترکمن و بلوچ، مذهب سنی را نیز جزو مذهب رسمی کشور محسوب نموده و تحت همین پوشش، ارتجاع سنی مذهب را در اجرا و بهره گیری از ستم و استثمار و کشتار و جنایت شرکت دهد. تگاهی به بخشی از مفاد اساسنامه موقت "سمن" جای هیچگونه تردید در ماهیت ارتجاعی این تشکیلات باقی نمی گذارد: "اشعه جماعت و حاکم شرع در مناطقی سنی نشین باید با نظر مردم محل و تا بید این شورا باشد در تحلیلی

این خواسته روشن است که این دارو دسته، خواهان کسب امتیازاتی از رژیم در جهت بسط و تحکیم قدرت اجرایی ارتجاع محلی در کردستان و ترکمن صحرا بویژه در مناطق سنی نشین آن می باشد. فاذا این طریق با انتخاب "اشعه جماعت و حاکم شرع" خود، بجای حاکمان و جلادان شرع وابسته به حزب جمهوری اسلامی، دستگیری، شکنجه و اعدام کمونیستها و انقلابیون و سرکوب و کشتار خلقهای ستمدیده را پیش ببرند. البته مرتجعین شورای مرکزی سنت در کشتن کمونیستها و انقلابیون و توده های زحمتکش کرد، ترکمن و بلوچ چندان هم بسی تجربه نیستند. مثلاً رکت فعال مفتی زاده در کشتار خلق کرد و حمایت او از اعدام انقلابیون کردستان در سال ۵۸ و اریل ۵۹، شرکت روحانیون سنی و شبی ترکمن صحرا در کشتار خلق ترکمن و مبارزین و انقلابیون ترکمن - صحرا در جریان دو جنگ خلق ترکمن با رژیم و رهبری مولویهای مرتجع در جریان آنها جم و حشیا نه به دانگاه و دستگیری و شکنجه و ترور و اعدام کمونیستها در بلوچستان، از جمله جنایاتی است که سردمداران "شورای مرکزی سنت" در گذشته انجام داده و تجربیاتی در این زمینه کسب کرده اند!

تشکیل "شورای مرکزی سنت" با مخالفت حزب جمهوری اسلامی و کاسه لیبسان آن، رویز بیونستهای خاش اکثریتی نیز مواجه شده است. برای اینکه ما مرز بین موضع انقلابی خود با موضع ارتجاعی و ضد انقلابی رویز بیونستهای خاش اکثریتی در مقابل "شورای مرکزی سنت" را روشن کنیم، افشای اهداف این سازمان در برخورد به شورای مرکزی سنت را ضروری میدانیم چه این دارو دسته خاش، در برخورد به جریاناتی نظیر شورای اهل سنت، همسان لاطا ثلاثی را نشخوار میکنند که حزب جمهوری اسلامی مطرح میکند. سازمان فدائیان اکثریت "شورای مرکزی سنت" را عامل امیربالیسم که قصد ایجاد آشوب در مناطق سنی نشین دارد معرفی میکنند (کا اکثریت ۱۱۰)

آنها میگویند: "مهراه اصلی در این میان (در تشکیل شورای مرکزی سنت - پیکار) احمد مفتی زاده است... که پس از آنکه برده از جنایاتش در کردستان برداشته شد به پاکستان گریخت... همکار مفتی زاده مولوی عبدالعزیز است که در نزد مردم بلوچستان سابقه شناخته شده ای دارد... مدتی در اروپا بسر برده و اخیراً به ایران بازگشته است" (همانجا) رویز بیونستهای اکثریتی خاش به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده کرد، ترک و بلوچ و... از گفتن حقایق گذشته به توده ها وحشت دارند. آنها ماهیت مفتی زاده، مولوی عبدالعزیز و روحانیون سنی مذهب ترکمن صحرا تغیر کرده که آنها اینچنین مغضوب حزب جمهوری اسلامی و به تبع آن فدائیان اکثریت گشته اند

بقیه در صفحه ۱۰



## بقیه از صفحه ۲ احیای روابط ...

**صنعتی** کام اساسی بردارد. " همچنین: " مسئولان وزارت کار می گویند ما ابتدا باید در کشور صنعتگری داشته باشیم تا از طریق صنعتگران بتوانیم صنایع خود را رشد دهیم. بنابراین از نظر وزارت کار احیای سیستم "استاد-شاگردی" کامی در جهت تبدیل سیستم کارخانه داری به سیستم صنعتگری است. " بدین ترتیب طراحان طرح مذکور با ولا و ابستگی سیستم سرمایه داری کشور به کل سیستم سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) را تاحد "اسیر بودن در چنگال تکنولوژی وارداتی" با معبارت دیگر تا حد اوابستگی تکنیکی کشور، تنزل می دهند. ثانیاً و ابستگی را صرفاً معلول فقر صنعتی جلوه میدهند، درحالیکه جامعه سوری دمکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر علی رغم وجود همین فقر صنعتی می تواند و ابستگی را از زمین ببرد. بدین ترتیب از طرفی اعمال خود را در جهت تحکیم و ابستگی (بستن قرارداد های متعدد با امپریالیستها و...) تطهیر کرده و از طرف دیگر با خاک پا شدن در چشم توده ها، تلاش می نمایند تا از طریق پیشبرد طرح خود به اصطلاح "تربیت و آموزش متخصص صنعتی" نهم بشیوه مورد نظر خود، کل سیستم سرمایه داری وابسته ایران را از تعرض انقلابی توده ها مصون نگهدارند.

اما شیوه ای که طرح "استاد-شاگردی" برای رسیدن به هدف مذکور، پیشنهاد میکنند چیزی نیست جز بازگشت به اشکال ابتدائی و سنتی صنعتگری که در آن صنعت محدود و عمدتاً دستی در کارگاهها رایج بود و صاحب کارگاه (استادکار) تجربیات و کارگاه خود را به شاگردانش منتقل می نمود، ویژه گی طرح وزارت کار، نفی تمرکز صنایع کارخانه ای و پراکنده کردن آنها می باشد. ارتجاعی بودن این طرح بقدری واضح بوده که طراحان آنرا بفکر "توجه" آن انداخته است. در همین رابطه معاون وزیر کار می گوید:

" ما اول باید یک ظرفیت صنعتگری داشته باشیم و بعد صنعتگران باید صنایع سنگین بسازند... بنابراین احیای سیستم استاد-شاگردی را بمعنی احیای صنایع ملی که الزاماً ما عقب افتاده باشیم نباید تلقی کرد. ما به هیچ وجه معتقد نیستیم که ابزارهای ابتدائی را باید در صنایع سنتی بکار گرفت. "

— کیهان ۶۰/۳/۴ صفحه "گزارش" - تاکید -  
ها از پیکار راست .

از این گفته چند مطلب روشن می شود: نخست آنکه هدف طراحان حزبی "نظام استاد-شاگردی" از احیای صنعتگری سنتی و روابط مربوطه آن، نفی کامل صنایع سنگین نیست بلکه آنها در شرایط فعلی که از طرفی صنایع کشور دچار رکود، تعطیلی، با زده گی کم و...، ناشی از بحران هستند و از طرف دیگر مبارزات روز افزون کارگران بخصوص در بخشهای متمرکز صنایع همچون غازی در چشم رژیم بیشتر فرومی رود، راه نجات سیستم رژیم خود را در از هم پاشاندن صنایع متمرکز که نتیجه اش تلاشی طبقه کارگران و سازماندهی صنعتگری سنتی (البته نه با ابزارهای ابتدائی!) به جای آن، می بینند. طراحان طرح مذکور بر این باورند که در آینده بتوانند صنایع سنگین

گذشتگان، اصولاً در بخش صنایع سنتی اخلاق و وجدان کارمورد توجه است و همین علت کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شافل نسبت به بخش صنایع مدرن رغابت بخش تر میباشد... در سیستم اقتصادی و اجتماعی سنتی، استثمار بر مبنای کم تر از سیستم وارداتی است. " در این جا است که لقب کلام مدافعان احیای "نظام استاد-شاگردی"، از پی همین سار ت برداریهای عوام فریبانه رخ می نماید. آنها اولاً با دریاغ سیز نشان دادن به کارگران زحمتکشی که زیر فشار رشد بحران اقتصادی، در آستانه فقر و فلاکت قرار دارند، وعده "توزیع عادلانه تر درآمد" میدهند. گویی در نظام مهیای استثمارگر و طبقاتی میتوان از توزیع عادلانه



درآمد، سخن گفت که آنها با ن وعده توزیع عادلانه تر آنرا توسط احیای روابط پوسیده گذشته میدهند! توزیع عادلانه درآمد زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که بساط متستی استثمارگرانگ از جا مع بر چیده شده و کارگران و زحمتکشان بزیر پرچم راستین خودتاما می قدرت را در دست گرفته و بسوی محو طبقات گام بردارند.

ثانیاً - علت این "عادلانه تر" تقسیم شدن درآمد را یکسری سنتهای مقبول برجیا مانده از فرهنگ گذشتگان "برمی شمارند که مقبولیت آنها در "اخلاق و وجدان کار" است که موجب افزایش کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شافل "می گردد. آری، لقب کلام اینچنانست! اگر کارگران در شرایط کنونی بسادگی تن به استثمار روحشانه نمی دهند، اگر برای بهبود شرایط زندگیشان در بخش های صنعتی، می توانند متحداً در مقابل سرمایه داران بایستند و اگر تمام این عوامل موجب کاهش کارآیی و قدرت تولیدی "صنایع و در نتیجه کاهش سودآوری سرمایه داران می گردد

و متمرکز را بشیوه خود ایجاد نکنند، آنها برای فریب توده ها نام صنایع را که بدین شیوه بوجود می آید "صنایع ملی" می گذارند، که گویا الزاماً "عقب افتاده" نیستند. معبارت دیگر برای آنکه مبادا بورژوازی از این بازگشت به اشکال فئودالی صنعتگری، ترسی بدل راه دهد، مبلغین طرح مذکور، با آ و ر می شوند که آنها به هیچ وجه در صد نفی صنایع مدرن و متمرکز بطور کلی نیستند و تنها در صد استفاده موقتی از اشکال صنعتگری سنتی برای مقابله با بحران، می باشند. در رابطه با توجه "این طرح و دفاع از آن، مسئولان وزارت کار می گویند:

" معمولاً در بخش صنایع سنتی کالاهایی تولید میشود که اغلب مورد نیاز ضروری افراد جامعه است. اما در بخش مدرن و وارداتی کالاهایی ساخته می شود که چندان ضروری نیست. در بخش سنتی تولید صنعتی، توزیع درآمد عادلانه تر از بخش مدرن انجام میشود زیرا در بخش سنتی آنچه که تولید می شود، به مصرف می رسد. و در توضیح چگونگی این "توزیع درآمدها عادلانه تر" میافزایند: " معمولاً بر اثر یکسری سنتهای مقبول برجیا مانده از فرهنگ



در عوض مدافعان احیای صنعتگری سنتی، به سرمایه‌داران این نوید را می‌دهند که در صورت اجرای طرحان، سنتهای مقبول گذشته یعنی اطاعت بی چون و چرای کارگران از کارفرما و تن دادن به هرگونه استثماری و بی‌تحت عنوان "اخلاق و وجدان کار" احیای خواهد شد.

از سوی دیگر مدافعین طرح مذکور برای فریب کارگران، از "استثمار بر مبنای کمتر" آنها در صنعتگری سنتی دم می‌زنند در حالی که کارلا روشن است که تحت حاکمیت طبقات استثمارگر، با لافتن سود سرمایه‌داران بقیمت پایین آمدن سطح زندگی کارگران و افزایش درجه استثمارشان می‌باشد نتیجه "اخلاق و وجدان کار" کارگران (یعنی کار بیشتر کردن و مزد کمتر خواستن آنها) نیز چیزی جز این نیست.

این مسئله زمانی مشخص می‌شود که معان و وزارت کار در دفاع از چگونگی پرداخت دستمزد در طرح مذکور "می‌گوید:

"قرار داد کارآموزی با توافق و تراغیبی طرفین منعقد میشود. بنا بر این عالیترین حق شخص را برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش رعایت میکند. همچنین شاگرد بطور کامل بعهده خواهد شد و دستمزدی به توافق طرفین دریافت خواهد کرد. بدین ترتیب می‌بینیم که اولاً کارگر به "ناگرد" و سپس به "کارآموز" تبدیل می‌شود. با توجه به آنکه کارفرما با بخش بزرگی از مزد کارآموزان را (که به‌سایمانندیک کارگر رسمی کار می‌کنند) به‌بهانه عدم پایان دوره کارآموزیشان که برطبق تصمیم وزارت کار تا سال میتوانست طول بکشد، به‌جیب خود میریزند، روشن میشود که چه شرایط مساعدی برای بهره‌کشی هرچه بیشتر سرمایه‌داران فراهم می‌گردد.

ثانیاً تا کنید معاون وزیر کار بر "توافق طرفین" در تعیین دستمزد که حتی آنرا بعنوان عالیترین حق شخص برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش "قلمداد می‌نماید، عوام فریبی بیشتر مانع از پیش‌نیست. چرا که زمانی میتوان از حق تصمیم‌گیری آزادانه در توافق طرفین صحبت به‌میان آورد که شرایط یکسانی بر طرفین حاکم باشد. در صورتیکه در این "توافقی" که معاون وزارت کار از آن نام می‌برد یکطرف کارگران قرار دارند که در اثر بحران حاد اقتصادی جامعه در آستانه فلاکت و تلاشی بسر می‌برند و در طرف دیگر سرمایه‌داران هستند که حاکمیت اقتصادی و سیاسی را با تمام دستگا‌های عریض و طولیش در دست دارند. در یکطرف کارگران و زحمتکشان برای ادامه حیات

خود، بدنبال کاروانا مین لقمه نانی هستند و در طرف دیگر سرمایه‌داران سود هر چه بیشتر خود را در گرو استثماری هر چه وحشیانه‌تر کارگران می‌بینند. با در چنین شرایطی می‌توان از حق تصمیم‌گیری آزادانه کارگران برای انعقاد، قرارداد کار با سرمایه‌داران، صحبت کرد؟ آیا این آزادی همان نیست که بقول آموزگار کبیر طبقه کارگر، مارکس، "آزادی کارگران برای فروش نیروی کار و آزادیشان در استثمار شدن است؟!"

البته اجرای این طرح از جانب وزارت کار رژیم نیز بدون اشکال نیست در اطلاعیه‌ای که روابط عمومی وزارت کار برای "توجیه" طرح مذکور صادر کرده است، یکی از این اشکالات بدین صورت آورده شده است:

"در صورتیکه الزامات و تعهدات یکسان و یکپارچه نسبت به کارگر و کارآموز وجود داشته باشد، از لحاظ منطقی کارفرما چنین شرایط و روابطی برای استخدام فرد بعنوان شاگرد و یا کارآموز، فاقد توجیه است."

بنا بر این وزارت کار که خود معترف به ناپایداری کارگر و کارآموز در دریافت دستمزد است قصد خود را از تبدیل کارگران به شاگرد (با کارآموز) که چیزی جز پاپین آوردن دستمزد - شان نیست، آشکارا ساخته و مهمتر از آن با دفاع از منطقی کارفرما می‌خواهد، اهمیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی را که خود وابسته به آن است عریان می‌سازد. به عبارت دیگر بر طبق اطلاعیه وزارت کار، از آنجا که "منطق کارفرما می‌کند که به کارآموز (ولوا) بکنه به اندازه کارگر از وی کار بکشند)، کمتر از کارگر دستمزد بدهند، و از آنجا که بر طبق طرح "استاد-شاگردی" وزارت کار، بسیاری از کارگران به شاگرد یا کارآموز تبدیل می‌شوند و با اینگونه کارفرما می‌بایست بجای کارگر، کارآموز استخدام کند، "مشکلی" بوجود می‌آید که عبارت است از وجود شاگردان (با کارآموزان) جدید با حقوق کارگران! طبعاً راه حل این مشکل نیز بر طبق "منطق کارفرما می‌کند" وزارت کار بصورت پاپین آوردن دستمزد آنها تا سطح کارآموز خواهد بود و بدین ترتیب است که هدف اصلی رژیم یعنی پاپین آوردن سطح زندگی کارگران و استثمار هر چه بیشتر آنها، عملی خواهد شد.

بر طبق گفته مدافعان طرح مذکور یکی از هدفهای عمده‌ای که این طرح دارد این است که استادان را، اگر شاگرد گرفت، شاگرد ادعای مالکیت کارگاه را نخواهد کرد. "

بدین طریق است که به کارفرما امکان اطمینان داده می‌شود که برخلاف نظام استاد-شاگردی "در جوامع ما قبل سرمایه‌داری که شاگرد هم تجربه و هم کارگاه استاد خود را به

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۶: تا کنید از بیچارگی راست.

ارث میبرد، در این طرح، کوچکترین خطری مالکیت کارفرما را تهدید نخواهد کرد و "شاگرد" اگر چه چنین نامی گرفته است در واقع همان کارگر است به عبارت دیگر آن قسمت از روابط استاد-شاگردی که حقوق شاگرد را محدود کرده و او را وادار به اطاعت از استاد خود می‌نماید، در طرح وزارت کار رخنه شده است و بالعکس آن قسمت از حقوق شاگرد که مربوط است به جانشینی وی بجای استاد، در طرح مذکور جای ندارد!

واقعتاً این است که تنها راه حل بحران عمیق کنونی از نظر سرمایه‌داران، انتقال هر چه بیشتر فشار آن بردوش کارگران و زحمتکشان می‌باشد و این امر با اهداف مختلف بورژوازی نیز دریاخته‌اند. منتها هر یک بر طبق منافع ویژه خود، شیوه‌های متفاوتی برای رسیدن به این راه در پیش گرفته‌اند و هر گونه در اساس راه‌ها یکدیگر اختلافی ندارند. بنا بر این طراحی احیای نظام استاد-شاگردی "و نیز همانطور که دیدیم هدفی جز افزایش استثمار کارگران و غنچه کردن مبارزات حق طلبانه‌شان ندارند! لیکن رشد سرمایه‌داری در ایران از طریق گسترش مبارزات طبقه کارگر از طرف دیگر، اجازه نخواهند داد که این روابط بنفایت عقب مانده سنتی در صنایع احیا شوند. از این رو این طرح ارتجاعی که مزه‌های اجرائی آن آغاز شده است، از هم اکنون محکوم به شکست بوده و تلاش در جهت بسط آن شمرای جز تسریع انحطاط رژیم حاکم را در بر نخواهد داشت.

بقیه از صفحه ۲۶ دهها

نا بر این بر مبنای کارگران و پاپین ادا می‌شود میباید بدو مزدوران سرمایه، دهها تن از کارگران مبارزان دستگیری نماید. بطوریکه مرتجعین حاکم خود در ارگان خویش خیر از دستگیری ۱۵۰ کارگر امید دهند، این جنایتکاران پس از آنکه با یورش به مطبوعات و آزادیهای دمکراتیک، تنها امکانات تبلیغاتی و خبررسانی را در جنگ خود میگیرند، بیشتر مانع از میکنند که تظاهرات چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی را "عده‌ای وابسته به گروهکها" بوده و تنها یک کارگر انهم بدست "گروهکها" کشته شده است!! زهی وقاحت و بشیرمی!! اما توده‌های زحمتکش ایران بیش از این به ما هیت دار و دسته مرتجع حاکم‌پسین برده‌اند که اینگونه نعل وارونه زدند و تلاشهای مذبحخانه موشرواقع شوند.

تنگ و نفرت بر جناحیتکاران و سرکوبگران طبقه کارگر!

با تمام قوا از مبارزات کارگران برای کسب آزادیهای دمکراتیک حمایت کنیم! پیش بسوی ایجاد طبقه کارگر! برقرار با دجمه‌پسین دمکراتیک خلق!



# اخبار مبارزات توده‌ها



## زحمتکشان شاطرآباد: "برق توایم، نان توایم، آب توایم"

( برق می‌خواهیم، نان می‌خواهیم، آب می‌خواهیم )

نسبت به رژیم می بود که حاضر نیست ابتدائی ترین امکانات زندگی را در اختیار آنها بگذارد و در عوض میلیاردها تومان از حاصل رنج و زحمت همین مردم را صرف خرید اسلحه میکند و جنگی را به مردم ما تحمیل کرده است که با رتوانفرسای آن بردوش زحمتکشان میهن ما سنگینی میکند. زحمتکشان شاطرآباد:

اجرای واقعی مطالبات شما از عهده چنین رژیمی بر نمی آید. تنها رژیمی که کارگران و زحمتکشان و خلقهای محروم ایران خود تشکیل دهنده آن باشند، میتوانند در جهت تحقق خواسته های خلقهای ستمدیده ایران که بیک کلام "نان، مسکن، آزادی" است قدم بردارد.

به نقل از: اعلامیه تشکلات قهرمان شهر با اندکی تغییر و تلخیص

۶۰/۳/۲۲

کارگران و زحمتکشان قهرمان شهر!  
روزشنبه ۱۶ خرداد ۶۰، صدها تن از مردم شاطرآباد برای بدست آوردن خواسته های ابتدائی و اولیه شان، یعنی آب، برق و نان، دست به تظاهرات زده و یکمدا فریاد بر می آوردند: "برق توایم، نان توایم، آب توایم". در این تظاهرات که زنان و کودکان نیز شرکت داشتند، در طی مسیر خود با استقبال مردم روبرو شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که طبق معمول تاب تحمل هیچ اعتراضی را نداشتند، به صف تظاهرکنندگان حمله کردند که با مقابله زحمتکشان شاطرآباد مواجه شده و چندین نفر مجروح گردیدند. شاطرآباد از محلات فقیرنشین قهرمان شهر است که ساکنان آن حتی از ابتدائی ترین وسایل زندگی محروم میباشند. تظاهرات روز شنبه، نشان خشم و کینه زحمتکشان شاطرآباد

## بار دیگر، سرکوب دکه داران!

روزیکشنبه ۶۰/۳/۱۰ با داران سرما به با ردیگر به دکه داران و نوار فروشان خیابان صدق حمله نموده و چند نفر را دستگیر کردند. مردمی که شا هدرجیان بودند به هو کردن پاسداران و اعتراض به این عمل آنها پرداختند و با وجود تیراندازی هوایی پاسداران، حاضر نشدند برانگیز شوند. سپس دکه داران بعنوان اعتراض به این عمل پاسداران، دست به یک راهپیمایی زدند که در طی آن شعارهای "پاسدار، راهپیمایی، حامی سرما به دار"، "کار، کار، حق مسلم ما است"، "مرگ بر جفا دار، نوکیر سرمایه دار"... را میدادند. دکه داران زحمتکش علیه سرکوب رژیم و یورشهای وحشیانه پاسداران که در جابجایی سرما به داران صورت میگیرند با اتحاد مبارزاتی به مقاومت در برابر توطئه های رژیم ادامه میدهند. مبارزه آنان برای حق کار و فعالیت شغلی بخشی از مبارزات دمکراتیک توده های زحمتکش علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

## اخباری از جنبش معلمین - بروجرد

۶۰/۳/۸ - بنا به دعوت شورای هماهنگی موقت معلمان اخراجی - آماده بخدمت و فارغ التحصیلان اخراجی دانشراهای بروجرد، معلمین در اداره آموزش و پرورش گرد آمدند. در طی این گردهمایی، علاوه بر صحبتهای یکی از معلمین اخراجی مبنی بر ضرورت تداوم حرکت گذشته و تاکید بر پشتیبانی همکاران شاغل، سندی دال بر استخفای بی رویه اسرارد "مکتبی" بجای معلمان پاکسازی شده و نیز تبعیضات مادی ساواک گونه، افشاء گردید.

۶۰/۳/۱۸ - در این روز با ردیگر معلمین و فارغ التحصیلان به همراه خانواده های خود و عده ای از معلمان شاغل در اداره آموزش و پرورش اجتماع کرده و خواستار حضور رئیس اداره در جمع خود میشوند. وی برای فرار از پاسخ گوئی به سئوالات اجتماع کنندگان، خواهان مذاکره با نماینده آنان میگردد؛ اما مورد قبول جمع قرار نمی گیرد. در این فاصله ستان از مادران اخراجی ها در رابطه با اخراج فرزندان نشان صحبت مینمایند که مورد استقبال حاضرین قرار میگیرد. پس از آن عده ای از او با شان رژیم بدستور رئیس مرتجع اداره اجتماع کنندگان که حدود ۲۰۰ نفر بودند، با سنگ و کلت حمله ور میشوند. در تمام مدت درگیری شهربانی هم حضور داشته و عملاً با عدم ممانعت از درگیری، همکاری

## دستگیری و شکنجه، بجرم کوهنوردی!

ما با بدن خونین او که در اثر ضربات متعدد کابل کیبوده بود، روبرو گشتیم... از آنروز تا بحال، از کار روزنگی افتاده ایم و در بستر زندانها شده ایم... خبر آخری که داداشتیم خیر شکنجه آنها و انتقال عده ای از آنها به قزل - حصار بود. طبق گفته مسئولین دادستانی انقلاب آنها هیچ مدرکی بر علیه فرزندان ما ندارند.

همشهریان مبارز!

دادستانی انقلاب حرف از محاکمه فرزندان ما می زند. حرف ما اینست که وقتی که هیچ مدرکی بر علیه آنها ندارند و حتی آنها می هم به آنها نمیتوانند سببند محاکمه آنها چه معنای دارد؟... تا آزادی آنان، ما به تحمیل خود در مقابل دادستانی انقلاب ادامه خواهیم داد و چشم امید به همشهریان مبارزمان دوخته ایم تا با حمایت خویش و اعتراض علیه دستگیری و زندانی کردن فرزندانمان ما را یاری رسانند. خانواده های ۲۳ نفر زندانیا نسیگناه زندانهای دادستانی انقلاب عظیمیه و قزل حصار

۶۰/۳/۲۰

خانواده های ۲۳ نفر از کسانی که در تاریخ ۱۵ خرداد بجرم کوهنوردی دستگیر شده اند اخیراً اعلامیه ای داده اند که در زیر به نقل قسمتهای آن می بردازیم:  
"روز جمعه ۱۵ خرداد، فرزندان ما که پس از یک هفته کار مداوم و خستگی به کوهنوردی در اطراف کرج رفته بودند، هنگام بازگشت به شهر، توسط سپاه پاسداران، همگی آنها که ۲۴ نفر بودند دستگیر و به زندانهای دادستانی انقلاب و عظیمیه برده میشوند. جمعی شب مانگران از شبنا مدن آنها با سپاه پاسداران و شهربانی تماس گرفته که هر دو به جای گفتن حقیقت و رفع نگرانی ما، از این موضوع اظهار بی اطلاعی کردند. بعد از بیگیری فهمیدیم که فرزندانمان در زندان دادستانی انقلاب و عظیمیه زندانی هستند و به دادستانی انقلاب رفتیم. در جواب سئوالات و اعتراضات ما، پاسداران یکی از مادرها را زیر مشت و لگد گرفته و وارد داخل جوی آب انداختند.  
روزشنبه یکی از فرزندان ما که ۱۱ سال بیشتر ندارد در اثر فشار رخا نواده اش آزاد گردید.

## به استقبال جنبش او جگیرنده توده ها بشتابیم

## وقایع اخیر "زرین شهر" را بیش از پیش افشا و رسوا می کند!

بخشهای آن از اعلامیه تشکیلات اصفاها ن در مورد

وقایع اخیر زرین شهر:

● مدتی پیش رئیس داکاه "زرین شهر" که فردی دزد، باج بگیر و رشوه خوار و با لایحه نوکر و سرسپرده سرما به داران بود، بدستی مورد نفرت و انزجار رتوده های زحمتکش "زرین شهر" قرار میگیرد. رژیم وقتی می بیند گندگارد آژامه و دیگر نمینوا اندفا در رئیس "دادگا هت" (بخوان بیدادگا هت) را لاپوشانی کند تحت فشار توده ها تصمیم میگیرند تا میرده را دستگیر و بازداشت نماید. بوبدین طریق میگوشتا برای خود تبلیغ کرده و ذهن زحمتکشان را نسبت به ماهیت خود منحرف نماید. اما پس از چند روز که این شخص فاسد را آزاد میکنند، دست برای مردم رتوده و رسوا میگذرد.

● مدتی پیش در یکی از خانه های زرین شهر بمبسی منفجر شد که منجر به خراب شدن و کشته شدن شخصی بنام حمددا من پاک که فرزند یکی از سرما به داران "زرین شهر" است میگردد. بمبدا معلوم شد که در این خانه ۶ - ۵ نفر از افراد بسیج مشغول ساختن بمب و نارنجک بوده اند و یکی از همین بمبها بوده که منفجر شده و سبب کشته شدن یکی از آنها گردیده است. کارگران و زحمتکشان زرین شهر سوال میگردند که این بمبها و نارنجکها برای چه کاری ساخته شده است؟ و اقمیت اینست که این بمبها و نارنجکها برای مقابله با فک رگسگران و زحمتکشان معترض و اعتماد کننده و بسوای کمیونیستهای واقعی و دیگر انقلابیون ساخته میشوند تا به میان آنها پرتاب شده و آنها را به خاک و خون بکشد.

تا کید بیروحدت مبارزاتی خلقهای ستمدیده، ماسک عوامفریبانه این شکل رادریده و ماهیت ارتجاعی آنرا برای توده ها نشان دهند. کمیونیستها و نیروهای انقلابی باید بروسه شکل گیری، اهداف و برنامه گذشته جنا پتکارانه و خبیانت با رعنا مرتشکیل دهند "شمس" و همسوئی دروغین و فریبکارانه آن با خواستهای انقلابی خلقهای کرد، ترکمن و بلوچ را افشا نمایند. کمیونیستها باید ضمن تبلیغ و ترویج دمکراتیسم بیگرب طبقه کارگر و لزوم تشکل و وحدت آگاهان خلیقا در مبارزه با ارتجاع حاکم، مرز خود با این دوردسته های ارتجاعی را روشن نموده و جنبشهای ملی سر علیه رژیم جمهوری اسلامی را از زیر چتر رهبری و دامی که شورای مرکزی سنت و نظ بر آن در راه آنها گسترده اند، خارج سازند و آبرابرستر همبستگی آگاهان خلیقا و در پیوند با جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران، در مسیر مبارزه ای بی امان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی اهدافت نماید. در پرتو انجام وظایف فوق است که میتوان آلترناتیو کمیونیستی را در برابر جریانهای ارتجاعی ای نظیر "شورای مرکزی سنت" (شمس) قرارداد.

بسیاری بخش شد که مردم اطراف با استقبال از پیکهای انقلاب، آنها را میخواندند و سایر شمارها عبارت بودند از: "زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها از ادبا بدگردد"، "زحمتکش بلوردی، آواره - گان جنگی بیژویبا دعتما ن، بیروز بادرمتان" "جنگزده قهرمان، توهم به ما بپیوند". تظا هرات نزدیک سینما پارامونت در صفوف منظم ادامه داشت که مزدوران رژیم سرما به داری حاکم، با سنگ به تظا هرکنندگان حمله بردند، اما توسط آنها به عقب رانده شدند. "حزب الهی ها" وحشانه بطرف ما شینها و مغازه ها و مردم سنگ پرتاب میگردند. علیرغم این حملات، تظا هرات با مقاومت دلیرانه رفقای هواداران حوالی فلکه ستاد ادامه داشت و در آنجا با ن یافت... (نقل با تلخیص از خبرنا مه محلی پیکار - تشکیلات شیراز زمان).

## تظاهرات مشترک هواداران سازمان پیکار و کومه له در آلمان

روزشنبه ۱۶ خرداد تا دهمه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی (هواداران سازمان پیکار) و هواداران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، تظاهرات مشترکی بدفاع از زندانیان سیاسی انقلابی ایران در شهر فرانتفور آلمان غربی برگزار کردند. در این تظاهرات ۷۰۰ نفر شرکت داشتند.

ستمدیده با رژیم، از هیچ جنایت و خبیانتی فروگذار نکردند حال چگونه است که این مرتجعین اکنون بزعم رویونیستهای خائن اکثریتی مزدوران امپریالیسم آژامه و با تشکل شورای مرکزی سنت به توطئه مشغول شده اند؟ و اقمیت این است که در جریان رشد تضادهای درونی رژیم و جناح - بندیهای آن، دوردسته های مذکور در صف لیبرالها قرار گرفته و به مخالفت خوانی با حزب جمهوری پرداخته اند و رویونیستهای اکثریت نیز از موضع حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ضمن استتار حقایق گذشته در مقابل شورای مرکزی سنت موضع گرفته است.

"شورای مرکزی سنت" (شمس) از جمله تشکلهای ارتجاعی و ضد خلقی است که با ماسک فریبنده آزادی و خودمختاری خواهی و رفیع ستمدهی ملی و طبقاتی برای انحراف جنبش - های ملی خلقهای ستمدیده از مسیر اهداف واقعی و خواستهای برحق آنها و در جهت تامین منافع طبقاتی ارتجاع محلی، خوانیمن، فئودالها و بورژوازی لیبرال تشکل شده است. کمیونیستها و نیروهای انقلابی با بدضم

هوردا با فالانژها با ردیگر نشان میداد. این عمله منجر به زخمی شدن چند نفر از مملکان میشود. ولی زنان و خانواده ها علیرغم این ضرب و شتم، همچنان در مقابل مزدوران رژیم مقاومت کرده و حاضر به ترک محل نمیکردند. این عمل مزدوران، شدیداً مورد تنفر مردمی که در اطراف جمع شده بودند قرار میگیرد. جالب اینجاست که بیکروز پس از این تجمع و درگیری، عمال رژیم نرده های اداره را برداشته و بجای آن دیوار و ورقه آهنین میزنند تا اگر چنانچه با زهم معلمین در اداره اجتماع کردند، مردم از حضور آنها مطلع نشوند و در ضمن با فراغ بال به سرکوب آنان بپردازند.

## تظاهرات موضعی هواداران سازمان در شیراز

در تاریخ ۱۴/۳/۶۰ ساعت ۲ عصر یک تظاهرات موضعی از طرف تشکیلات شیراز سازمان پیکار، به مناسبت اعتراض به سیاست سرکوب و غفلان رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از زحمتکشان بلوردی و آوارگان جنگ که اخیراً مورد حمله نیروهای ارتجاع قرار گرفته و مقاومت قهرمانانه ای کردند، صورت گرفت. تظاهرات با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" از چهار راه غیرت شروع شد. آنها ضمن دادن شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" مردم را به صفوف خود دعوت میگردند. اعلامیه ها و تراکتهای افشاگرانه

بقیه از صفحه ۶ **شورا...**  
با ماهیت اکثریت "که برای دیویزی و کاسه - لیبسی هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و بیویزه حزب جمهوری اسلامی، واقعیتهای گذشته را از توده ها پنهان میکنند؟ جنایات مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز و روحانیون مرتجع ترکمن صفا، آماج در خدمت رژیم جمهوری اسلامی بوده است؟ مفتی زاده در جنگهای اول و دوم کردستان محبوب رژیم بود، و در سرکوب و کشتار خلق کرد مشارکت فعال داشت. این عنصر منفور بعد از شکست رژیم در جنگ دوم کردستان بواسطه وحشت از مجازات توسط خلق کرد از کردستان فرار کرد. "مولوی عبدالعزیز" از همفکران و همدستان رژیم در بلوچستان بوده و در تمحیق و سرکوب خلق بلوچ و حمایت از خوانیمن و فئودالها در جهت تثبیت حاکمیت رژیم در منطقه، فعالانه تلاش میکرد. مولوی عبدالعزیز و سایر مولویهای مرتجع بلوچستان، در بسیج و تحریک توده های نا آگاه برای آنها چشم و حشانه به دنبال نگاه بلوچستان در اول اذیت بهشت ۵۹ نقش فعالی داشتند. همچنین است وضع روحانیون مرتجع ترکمن صفا که در جریان کشتار خلق ترکمن در طی دو جنگ این خلق

(قسمت آخر)

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

در شرایطی که برای پیشین پیکار، راجع به مفهوم و مضمون بودجه دولت، نحوه نامین درآمدهای آن، ترکیب این درآمدها و تا شیر آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان صحبت نمودیم. اما فایده برای نشان دادیم که چگونه این بودجه و ترکیب درآمدهای آن صحت مدعی ما را در باره خلصت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تلاش روز افزون آن را برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته به پیشانیات می نماید. تلاش برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته به تمامی ملزومات آن که دقیقاً معادل تشدید استثمار پرولتاریا و فقر و فلاکت بیشتر توده هاست، سنگ بنای بودجه رژیم جمهوری اسلامی است. حال به بحث ادامه داده و ببینیم که این بودجه چگونه مصرف میشود. نحوه مصرف بودجه در ستون هزینه ها آورده میشود.

## هزینه ها:

در جامعه سرمایه داری، بودجه دولت در جهت تامین وسایل حفظ سلطه طبقاتی بورژوازی بکار میرود. مثلاً در مورد مالیات ها که بخشی از درآمد دولت را تشکیل میدهد، ما رکن معلم کبیر پرولتاریا میگوید: "منظور از مالیات ها این است که برای بورژوازی وسایلی بیا فریبند تا بعنوان طبقه حاکمه بر سر کار بمانند. "بودجه دولت بورژوازی در واقعیت امر چیزی نیست مگر بولی که صرف نگاهداری ماشین دولتی مورد لزوم برای سرکوب مبارزه و قیام کارگران و تهی دستان بر علیه سلطه سرمایه میشود و در عین حال برخی شرایط لازم را برای سودآوری بیشتر و سهل تر سرمایه داری هم میسازد. با افزایش روز افزون نقش دولت در اقتصاد و افزایش سرمایه ای از کارگران بورژوازی و فریبتهای می کوشند خرافاتی از قبیل "دولت رفاه عامه" و "دولت فوق طبقاتی" را بخورد توده ها بدهند. آنها با این تصور و نمود میکنند که اختتامی دادن بودجه های هنگفت برای آموزش عمومی، بیمه، بهداشت و نیز اقدامات عمرانی توسط دولت آنها نشاندهنده پیدایش نوع جدیدی از دولت است. این کارگران بورژوازی این تصور تبلیغ میکنند که گویا این دولتها بطور مشخص نماینده طبقاتی خاصی نبوده

بلکه ما فوق طبقات قرار دارند و "دولت رفاه" هستند. ولی برخلاف باور و گویی های این خائنین به طبقه کارگر، دخالتها می که امروزه بطور اجتناب ناپذیر توسط دولت های سرمایه داری انجام میگیرد، تنها در جهت حفظ سلطه طبقه سرمایه داری و منافع عمومی آنست. تشدید تضادهای ذاتی سرمایه داری و فشار عینی ناشی از آن، منافع سرمایه داران و بالاخره مبارزات طبقه کارگر چنین دخالتها می را الزامی و ضروری میسازد. مثلاً دولت های سرمایه داری غرب از سدسال پیش به این طرف از طرفی زیر فشار تشدید تضادهای اجتماعی که با زتاب تضادهای سرمایه داری است و مبارزات طبقه کارگر و طرف دیگر برای حفاظت و آموزش نیروی کار بمنظور استثمار بیشتر و سهل تر آن بوسیله سرمایه اقداماتی از قبیل محدود کردن روزانه کار، تامین آموزش ابتدائی عمومی، بیمه و بهداشت و غیره را معمول داشته اند. طبیعی است که این اقدامات بهیچوجه متناسب با نیازهای کارگران و زحمتکشان نبوده و تا زه سهم عمده آن نیز در اختیار طبقه با لاولایه های متوسط اجتماع می قرار میگیرد. نازل بودن سطح خدمات آموزشی و بهداشتی و غیره و توزیع بسیار نامعادل آن در کشورهای وابسته و عقب مانده نیز احتیاجی به اثبات ندارد.

دولت های سرمایه داری در رشته هایی که به سرمایه های کلان احتیاج داشته و طبیعت آنها طوریت که بخش خصوصی در آن سرمایه گذاری نکرده و یا قادر به سرمایه گذاری نیست و از سوئی کنترل آن بوسیله کل طبقه سرمایه داران میسازد میانجیگری دولت ضروریست، مثل بنادر، راهها، انرژی اتمی و... با درآمدهای که حاصل کار اکثریت اهالی است سرمایه گذاری کرده و آنرا به رایگان و یا به بهای بسیار نازل در اختیار طبقه سرمایه دار قرار میدهد. این تا سیما برای سرمایه داری اهمیت حیاتی دارد و سرمایه گذاری در آنها برای تامین وسایل تولیدی برای بنا می برای سرمایه دارانست.

دولت های سرمایه داری در هنگام جنگ، قحطی و بحران برای جلوگیری از تشدید تضادهای اجتماعی و انقلاب و تطبیق دادن اقتصاد با شرایط جنگی به اعمال نوعی کنترل بر تولید و توزیع پرداخته و با راهی از اقدام مهم برای معارف جنگی و تولیدی مثل مواد سوختی و نیز

با راهی از از رزاق عمومی را جیره بندی میکنند. این اعمال کنترل از جانب دولت های ارتجاعی سرمایه داری به شیوه ای ارتجاعی و بوروکراتیک انجام گرفته و هدف آن ابقاء سلطه ارتجاعی طبقه ستیگر، حفظ وضعیت موجود و خفه کردن انقلاب است. در کشورهای وابسته که سرمایه داری خصوصی در آنها ضعیف و ناقص سرمایه کافی برای سرمایه گذاری های کلان در صنایع بزرگست، دامنه دخالت های دولت در اقتصاد بطور نسبی ابعاد عظیمتری دارد. دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ بخش بزرگی از اقتصاد را کنترل کرده و آنرا عمدتاً در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و بورژوازی داخلی وابسته سوق میدهد و شرایط لازم برای تامین سودهای کلان انحصاری برای امپریالیست ها را فراهم میسازد. بعنوان مثال در این کشورها به علت رشدنا موزون تولیدات داخلی، تولید پارای از وسایل ضروری معیشت کارگران مثل کتند (نان) و گوشت در سطح نازلی قرار دارد. وجود این کالاها در بازار برای تبدیل دستمزد کارگران به وسایل معیشت و باز تولید نیروی کار آنان ضروری است. کمبود این مواد سبب افزایش قیمت آنها و بطور اجتناب ناپذیری - بخاطر مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد - سبب افزایش دستمزد اسمی کارگران میشود، چون در واقع دستمزد چیزی جز مجموع قیمت حداقل وسایل معیشت لازم برای باز تولید نیروی کار نیست. اما افزایش دستمزد به معنی کاهش سود سرمایه داران است. بنا بر این دولت برای حفظ منافع سرمایه داران و جلوگیری از طغیان طبقه کارگر ناچار میشود که با صرف قسمتی از بودجه معیشت دیگر دولت با پرداخت قسمتی از بودجه کالاهای ضروری مثل کتند را از انترز قیمت خریداری شده میفرشد، دولت به این وسیله باعث میشود که قیمت مهمترین وسایل معیشت کارگران زیاده نشود و در نتیجه دستمزد کارگران افزایش پیدا نکند. در حقیقت دولت با استفاده از بودجه سبب جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران و کاهش سود سرمایه داران میشود و به عبارت دیگر بخارج کارگران و زحمتکشان مانع کاهش سود سرمایه داران میشود. زیرا بودجه چیزی جز حاصل استثمار کارگران و زحمتکشان نیست. باری - معارف دولتی بطور کلی

## فنان، مسکن، آزادی

مخارج دیگر جنگ ارتجاعی میگردد. ریزان سن ارقام به ترتیب عبارت بود از ۱۵۶/۷ میلیارد ریال برای حفظ "نظم و امنیت داخلی" ۳۳۱/۱۴ میلیارد ریال بودجه وزارت دفاع "۳۲۷/۴ میلیارد ریال دیگر جهت خرید سلاح و تجهیزات وزارت دفاع و سپاه از محل ۵۵۲ میلیارد ریال اعتبار جهت مخارج جنگ ارتجاعی ۲۱۵۴ میلیارد ریال دیگر که از این اعتباری می ماند.

دیدیم که کل بودجه جاری ۲۰۵۲ ریال است که اگر ۲۷۵ میلیارد ریالی که قرار است از بودجه عمرانی صرفه جویی و به مخارج جنگی برسد بدان اضافه شود این رقم به ۲۳۲۷ میلیارد ریال میرسد. حال اگر رقم ۱۱۷۳/۶ میلیارد ریال که هزینه "اداره عمومی کشور" و ارتش و امور جنگی است از آن کسر کنیم، تنها ۱۱۵۲/۴ میلیارد ریال برای کلیه مخارج جاری، دیگر دولت یعنی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تغذیه، پرداخت از محل بودجه جاری به صنایع و شرکتها و وابسته به دولت و دولتی و سایر هزینه های جاری باقی میماند. یعنی تقریباً چیزی معادل مخارج "امنیت داخلی، ارتش و مورچگی" این مقایسه به تنهایی برای نشان دادن ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و بودجه آن کافی است. این بودجه ای است که برای گسترش سرکوب، تقویت ارتش و ادغام جنگ ارتجاعی طراحی شده است. در شرایط فترت و فلاتک توده ها رژیم ضد مردمی حدود ۱۰ بودجه عمومی و ۱۰ بودجه کل را فقط صرف تقویت نهاد های سرکوبگر، ارتش و جنگ ارتجاعی می نماید. این مخارج به افزایش تورم، کاهش واقعی دستمزدها و حقوقها به میزانی بیش از پیش و گسترش فقر و فلاکت توده های مردم خواهد انجامید.

#### اعتبارات عمرانی

سهم اعتبارات عمرانی (سرما به گنگذاری ثابت) در بودجه دولت در سال جاری ۰۹/۳ ۱۱ میلیارد ریال است که اگر صرفه جویی ۲۵ درصدی بخاطر نا مین مخارج جنگی را از آن کسر کنیم، ۸۳۲ میلیارد ریالی باقی خواهد ماند. بعبارت دیگر کل اعتباراتی را که رژیم برای امور زیر بنائی و تولیدی در زمینه کما ورزی و صنایع و معادن، انرژی (برق، نفت، گاز) مخبرات، راه سازی و عمران و غیره پیش بینی نموده، تنها ۲۵/۲ درصد بودجه عمومی را تشکیل داده و از هزینه - ای که صرف ارگانهای سرکوب و جنگ میشود ۲۰۸ میلیارد ریال کمتر است. حتی امکان جذب همین اعتبار ر نیز وجود نداشته و گمانگان چون سال گذشته قسمت زیادی از آن سرکشت شده و یا صرف هزینه های جاری مورچگی خواهد شد. طرح هائی که توسط رژیم در زمینه "امور عمرانی" اجرا میگردد نیز بیش از پیش حرکت رژیم را در جهت بازسازی سرما به داری و وابسته نشان میدهد و صحت گفتار ما را در باره اینکه این بودجه، چیزی جز بودجه وابستگی نیست اثبات می نماید. ۹۰ درصد اعتبارات عمرانی بقیه در صفحه ۲۲

صرف نگاهداری بوروکراسی دولتی و وزارتخانه ها، دستگاه های سرکوب، هزینه های جنگی، تسلیحات و غیره میگردد.

پس روی هزینه های جاری دولت نمیتوان مانده منتقدان بورژوا - لیبرال بطوریکه آنچه اظهار نظر نمودند، نقد بورژواشی از بودجه سال ۶۰ که در مطبوعات بورژواشی با زنا ب میباید و بطور کلی وبدون ارزیابی فستهای مختلف هزینه های جاری افزایش آن را مورد حمله قرار داده و عامل تورم میشمرد، از خواست بورژوازی در جهت انتقال بار بحران بدوش توده ها، کاهش سطح دستمزدها و حقوق و مصرف توده ها و مصارف آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و غیره سرچشمه میگردد. اتفاقاً این بورژواها دقیقاً بخشهایی از هزینه های جاری را که صرف دستگاه های سرکوب (ارتش و...) و نیز صرف تسلیحات و هزینه های جنگ ارتجاعی میگردد مورد تائید قرار داده و تنها را برای حفظ سلطه طبقاتی خود سرکوب توده ها و جنگ ارتجاعی ضروری میدانند.

گفتیم که هزینه های جاری در بودجه عمومی دولت ۲۰۵۲ میلیارد ریالی پیش بینی شده است. ۱- از این مبلغ ۲۹۰/۵ میلیارد ریالی که بیش از ۱۴ درصد هزینه های جاری و حدود ۹ درصد بودجه کل را تشکیل میدهد، صرف با صلاح اداره عمومی کشور میگردد.

از مبلغ بالا ۱۵۶ میلیارد ریال در هفتصد میلیون ریال یعنی حدود ۵۴ درصد صرف حفظ "نظم" و "امنیت"، مطلوب بورژوازی میگردد. این رقم نسبت به سهم تصویب شده سال قبل ۱۶ میلیارد ریال افزایش نشان میدهد.

۲۲/۰۶ میلیارد ریال نیز صرف دستگاه قضائی، آموزشی و استخدام پلیس قضائی و کارآموزان قضائی اختصاص یافته که نسبت به سال قبل ۴۰٪ افزایش نشان میدهد.

۲- مبلغ ۳۳۱/۱ میلیارد ریالی یعنی بیش از ۱۶ درصد هزینه های جاری و ده درصد بودجه کل به ارتش اختصاص میباید ولی مبلغ ۳۳۷ میلیارد ریالی دیگر جهت تجهیزات نظامی وزارت دفاع و خرید تسلیحات سپاه پاسداران منظور گشته که از محل صرفه جویی در بودجه عمرانی و جاری اختصاص میباید لذا سهم ارتش و تسلیحات به حدود ۳/۳۰ درصد بودجه عمومی بالغ میگردد.

۳- گذشته از این بقیه اعتباری که برای مخارج جنگ ارتجاعی اختصاص یافته یعنی ۲۱۵ میلیارد ریالی دیگر نیز در رابطه با مورچگی و خسارات و ویرانیهای آن مصرف میگردد.

برای تامین مخارج جنگ ارتجاعی ۲۵٪ از اعتبارات عمرانی صرفه جویی میگردد. اگر این مبلغ را نیز به هزینه های جاری افزوده کنیم رقم بودجه جاری به ۲۳۲۷ میلیارد ریالی یعنی بیش از ۷۰ درصد بودجه کل بالغ خواهد شد و همانطور که ارقام بالا نشان میدهد ۴۴/۶ درصد یعنی نزدیک به نیمی از این مبلغ یا ۳۱/۵ درصد بودجه عمومی صرف حفظ "نظم و امنیت داخلی" مخارج ارتش و سپاه، خرید تسلیحات نظامی و

چارجو تا مین کار کرد مطلوب سیستم بوده و با شکل مختلف چه از طریق نگاهداری دستگاه های بوروکراتیک و نیروی قهریه، چه از طریق اقدامات رپرینائی که توسط طبقه سرما به دار مورد بهره برداری قرار میگردد، چه از طریق بهداشت، بیمه و درمان و آموزش که مخارج تربیت و نگاهداری نیروی کار راست وجه کمک به معاش کارگران و غیره به منافع بورژوازی خدمت میکند. البته همانطور که دستمزدها میسازد کارگران نیز بستگی دارد، ترکیب بودجه دولت و معارف آن و اهمیت بخشی از آن که به اقدامات باصلاح اجتماعی و رفاهی میرسد نیز از وضعیت اجتماعی، قدرت مبارزاتی طبقه کارگر نیز تاثیر میپذیرد. اینک به بررسی هزینه های دولت در لایحه بودجه ۱۳۶۰ میپردازیم:

#### ۱- هزینه های جاری:

اعتبارات جاری در بودجه سال ۶۰ بمبلغ ۲۰۵۲ میلیارد ریال بوده و ۶۵٪ بودجه عمومی کشور را تشکیل میدهد. سهم هزینه های جاری از بودجه عمومی در سال ۶۰ نسبت به سال ۵۹ حدود ۲٪ افزایش نشان میدهد. ولی ما نشان خواهیم داد که عملاً این افزایش بیشتر بوده و بخش مهمی از بودجه عمرانی نیز صرف هزینه های جاری خواهد رسید. بخشی از این اعتبارات جاری صرف پرداخت دستمزدها و حقوق در بخش دولتی تولید و بازرگانی (که بخش عمده ای از منابع مالی آن از محل هزینه های جاری و عمرانی تامین میگردد) و نیز لوازم و وسایل، سوخت، روشنائی و غیره میگردد. این بخش از هزینه ها با در تولید ضروری هستند و برای گردش (با زرگانی) ضروری بوده و در نتیجه برای تجدید تولید لازم اند و در بخش تولید مادی قرار میگیرند. بخش دیگری از این اعتبارات در امور غیر تولیدی که متوجه نیازهای ضروری اجتماعی و فردی است مثل آموزش و پرورش، بهداشت، بیمه و خدماتی از این قبیل مصرف میشود. حقوق معلمان و پزشکان و کارکنان موسسات ضروری هنری و غیره از این قبیل است. این کارکنان بگری گزیده در تولید مادی شرکت ندارند ولی کار آنها برای برآوردن نیازهای فرهنگی، بهداشتی و... ضروری است. البته این فعالیتها علمی و فرهنگی و غیره در جامعه طبقاتی تحت کنترل بوروکراتیک و معنوی طبقات حاکمه بوده و در جهت منافع این طبقات سازمان میباید. این هزینه ها از محل تولید مادی صورت میگیرد و در صورت رکود تولید مادی افزایش این هزینه ها تنها اثری تورمزا خواهد داشت. مثلاً در جامعه خودمان میبینیم که چگونه تورم کنونی در شرایط بحران اقتصادی و رکود موجود و عدم گسترش تولید، قدرت خرید این قشر را مثل معلمان و کارکنان زحمتکش و غیره را بطور روزافزونی کاهش داده و حقوق واقعی آنان تنزل یافته و این افراد تحت فشار اقتصادی شدید قرار میگیرند.

ولی قسمت اعظم هزینه های جاری دولت،

### شکنجه و سرکوب در زندان عادل آباد را افشاء کنیم!

اخبار رسیده از درون زندان عادل آباد حاکی از اینست که گارد زندان به همراهی سپاه پاسداران جهل و سوراخه، رفقای زندانی سیاسی را بجرم سرود خواندن، تحت شکنجه قرار داده و سپس آنها را دربندهای انفرادی حبس کرده اند.

گاردیها این مزدوران شهربانی و بازمانده عوامل ساواک که پس از قیام "اسلام آورده و در خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، اخیراً فشا روخفا را در زندان افزایش داده اند و بیگانه زندانیان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. رفقای زندانی به عنوان اعتراض درقبال این سرکوبگریها، با صدای بلند شروع بخواندن سرودهای انقلابی نموده اند و گاردکها از آنها دو مبارزه رفقا بیه و حشت افتاده اعلام کرده که در صورتیکه زندانیان سیاسی دست از سرود خواندن بردارند، آنان را از بندهای انفرادی به بند عمومی منتقل خواهد کرد. ولی زهی خیال باطل! زیرا زندانیان سیاسی اعلام کرده اند که با توجه به اینکه سرود انقلابی مظهر موجودیت زندانیان سیاسی است، تا زمانیکه زندانی سیاسی انقلابی وجود دارد، سرود خواندن هم ادامه خواهد داشت. هم اکنون ۱۳ نفر از زندانیان سیاسی در بند - های انفرادی حبس میباشند و زندانیان سیاسی برای رسیدن به خواستههای زیر مبارزه را ادامه میدهند: آزادی سرود خواندن، بهبود وضع تغذیه و بهداشت، در اختیار گذاشتن کتاب و روزنامه، افزایش وقت هوا خوری و ملاقات...

به نقل از خبرنامه مجلسی (۷)  
شکایات شیراز با اندکی تلخیص

## پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای پی که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته اند!

زمان جاری است و ما لبان دراز است که برچشم بر افتخار ما رکبیم لنینیسم بر فراز آن در اهتزاز است و افق تابناک جامعه کمونیستی را در انتهای خط پیرومندان نشان میدهد.

رفقا! شما رهروان استوار این راهید!  
رفقا! همه ما با یکدیگر همسریم و آن سپاه با شیم که سپاه رفیق لنین، سپاه سردار بزرگ پرولتاریا را تشکیل میدهد و بقول رفیق استالین:

"هیج افتخاری بالاتر از تعلق به این سپاه نیست."  
رفقا! مادر راهیجا د حزب لنینیستها، حزب کمونیستها، حزب طبقه کارگر کام بر میداریم و با زین قول رفیق استالین:

"فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیما و مبارزه، فرزندان حرمانهای بی پایان و مبارزانی قهرمانان - اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند."

رفقای مجروح و آسیب دیده! ضمن ابراز تنفرو کینه عمیق از جنایتی که ارتجاع در آنروز مرتکب شده و هر روز هوسا عت در سرا سراسران با تکل مختلف مرتکب میشود، دست شما را بگرمی می فشاریم و در صف متحد طبقه کارگر، زیر پرچم کمونیسم لنینیسم و در جهت تحقق آرمان کمونیسم به پیش میرویم!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۲۸ خرداد ۱۳۶۰

### رفقای کمونیست! رفقای پیکارگر!

جنایت کم نظیر ارتجاع در روز ۳۱ فروردین، تظاهرات اعتراضی و موضعی شمارا با برتصاب نارنجک ساچمه ای بخون کشید، سه تن از شما یعنی رفقا ایرج ترابی، آذر مهرعلیان و مرگبان رضوانیان به شهادت رسیدند و شما که تعدادشان بدهها نفر می رسد انواع زخمها و آسیبها را دلورا نه متحمل شدید، آسیبی که آثارش بر سر چهره، چشمان، دند و پیا و سینه شما باقی است، رفقا!

در مصاف خونین و آشتی ناپذیر بین طبقه کارگر و رژیم سرمایه داری، بین توده های زحمتکش و میریالیسم و ارتجاع، بین کمونیستها و انقلابیون از یک طرف و دشمنان طبقه کارگر از طرف دیگر، بین پیکهای انقلاب و قداره بندان فدا انقلاب، و بین پیام آوران آگاه و نورانی و یکسوی و بیوهای جهل و استعمار از سوی دیگر و آشتی خبری نیست هر چه هست خیزش است و سرکوب! پیشرفت است و مانعیت! فداکاری است و فتنه گری و سراجا برای دسته اول پیروزی است و برای دسته دوم شکست و نابودی! ایست متعلق مبارزه طبقه کارگر و راهی که طی قرنهای تکامل تاریخی جوامع انسانی تا کنون پیچیده شده و با اجساد دیرگزان دهقانان، کارگران و کمونیستها و انقلابیون مغروش است راهی که چون رودی سرخ در پیوسته

### وظایف وکلای مبارز و انقلابی

#### در مقابل تخلیه کانون وکلا

"کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک توده ها" در رابطه با تخلیه کانون وکلا از محل کساح دادگستری اعلامیه ای منتشر کرده است که قسمتی از آن را در زیر می خوانید:  
شورای عالی قضائی در تصویب نامه آموخته ۶۰/۲/۲۴، تخلیه کانون وکلا از محل کساح دادگستری را تصویب نموده است... تصمیم به تخلیه کانون از محل فعلی آن که خود نمیتواند قدم عملی در جهت انحلال کامل آن با نداشتن حیه رژیم با اهداف مشخص سیاسی دنبال میشود آن اینکه دست رژیم در تدوین و تصویب بلامنازع یک

سری توانین بفاست ارتجاعی از جمله لایحه قرون وسطائی قصابی باز باشد.

و در اعلامیه پس از آن اشاره به اعتراضات وسیع وکلا درقبال این توطئه رژیم و توضیح "ماهیت لیبرالی و محافظه کارانه ای" که "در عملکرد و موضع گیریهای دوران تصدی هیئت مدیره کانون" بروز داده شده و آنها را "در نهایت به بند و بست با شورای عالی قضائی و پذیرش تخلیه" قانونی "کانون وکلا" کشانده است، وظایف وکلای مبارز و انقلابی چنین آورده شده است:

وکلا مبارز و انقلابی که... دفاع از حقوق صنفی را در ارتباط با لایحه کساح از حقوق سیاسی و تکالیف و وظایف سیاسی مشخص خود می دانند "باید در برابر این هجوم ارتجاعی

رژیم که هدف واقعی آن مسخ کامل حرفه وکالت در این زمان از یک سو و خلع سلاح وکلا از حربه انتقادات افشاگرانه شان... میباشد... قاطعانه ایستادگی نموده و با شکل و یکپارچگی خود حول خواسته های عاجل و مشخص از جمله خنثی نمودن توطئه تخلیه کانون وکلا، ارائه طرح تصفیه کانون از عناصر ارتجاعی و فرصت طلب و با فشاری بر لزوم استنخابات هیئت مدیره... کام عملی در جهت اثبات این امر که هنوز جامعه وکالت زنده و بیوا متشکل از عناصر مبارز و انقلابی بعنوان بخشی از دستگاه قضائی حضور داشته و در مقابل اهداف ارتجاعی رژیم با شناخت رسالت مشخص خود با ابداء روانه استوار میباشد بردارند.

## چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟

در شرایط اعتلائی کنونی، وظایف کمیونیستها که همانا افزایش آگاهی توده‌ها و سازماندهی و متشکل نمودن آنها می‌باشد، اهمیت و برجستگی بسیار می‌یابد. در شرایطی که پس از فروپاشی توده‌بخشهای عظیمی از توده‌ها نسبت به جناح حزبی رژیم، بعلافت ضعف آلترا تیسو کمیونیستی، لیبرالها توانسته‌اند توهّمات توده‌های بسیاری را نسبت بخود ادا من زندودر شرایطی که روزیونیستهای خاشن با آستان - بوسی بورژوازی ذهن توده‌ها را نسبت به کمیونیستها وایدئولوژی طبقه کارگر، مخدوش می‌نمایند، آری در چنین شرایطی است که می‌بایست با گامهای سریع و بلند درجهت آگاه نمودن هرچه بیشتر توده‌های انقلابی و به خصوص طبقه کارگر و متشکل نمودن آنها، تلاش نمائیم. اما آنچه که برای رسیدن به این هدف ضروری است، تبلیغ، ترویج و سازماندهی کارگران پیشرو می‌باشد. نشریه‌ای چون "پیکار" هدف دقیقا بدین منظور انتشار می‌یابد. ضمن آنکه استفاده‌ها سایر بخشهای توده‌های آگاه را از این نشریه نمی‌توان و نباید منفی نمود.

با توجه به آنکه توده‌های کارگر از طریق کارگران پیشرو هدایت و رهبری میشوند، اهمیت و جایگاه نشریه مرکزی بنحوبار زتری مشخص می‌شود. از اینروست که سازمان میبایست انرژی کافی را جهت هرچه پربارتر نمودن این ارگان اختصاص دهد. اما اشتباه است اگر تصور کنیم این انرژی محدود می‌شود به رفقای نویسنده و منتشر کننده پیکار. در این رابطه رفیق لنین می‌آموزد که:

"پیکاران وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دیپوروزنا مهنگار سیاسی که مرتباً به قلم - زدن می‌پردازند، با تعدی پنج هزار همکار بوجود آید که بهیچوجه نویسنده نباشند. بدین ترتیب از آنجا شیکه زنده بودن نشریه درگرو انکاس و واقعی خواستهای طبقه می‌باشد، تحقق این هدف منوط است به چگونگی ارتباط ارگان با توده‌ها. از اینروست که هر رفیق می‌تواند و بایست بعنوان همکار برای نویسندگان نشریه بفعالیت پرداخته و از طریق گزارش دهی منظم و فعال، ارگان مرکزی سازمان را تغذیه نماید. لذا با توجه به ضعفهایی که تا کنون در امر گزارش نویسی رفقا از یکسو و روشنی سیاست تبلیغی ما در رابطه با چگونگی درج اخبار جنبش توده‌های از سوی دیگر، وجود داشته است، تعیین و تدقیق این سیاست و چگونگی ارسال گزارشات از جانب رفقا، ضرورت می‌یابد.

در رابطه با تعیین سیاست اصولی برای درج اخبار و گزارشات در ارگان مرکزی آنچه که بسودا می‌بایست در نظر داشت اینست که نشریه تبلیغی -

سیاسی نمی‌تواند و نباید به انکاس ساده اخبار و گزارشات جنبش توده‌ای، بپردازد. نشریه‌ای مانند پیکار میبایست وظیفه سازماندهی و مبارزات کارگران و تبلیغ و ترویج حول آنها از کمال آموزش و خط دهی برای کارگران پیشرو، به پیش برد. در این رابطه است که حتی اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای نیز می‌بایست هدفمند، افشاگرانه و آگاهی دهنده باشند. بدین صورت که ولا صحت شعارهای سازمان (نظیر افزایش دستمزد، تشکیل شوراهای واقعی برای کارگران و...) را در عینیات جنبش نشان دهند. ثانیاً به افشای ماسک دولتی بورژوازی پرداخته و درستی تحلیل‌های سازمان را منعکس نمایند و ثالثاً به انتقال تجربیات مبارزاتی توده‌ها و جمع‌بندی از آنها برای درگیری هرچه بیشتر، بپردازند.

بنابراین محدود کردن نقش اخبار، صرفاً برای درج خبری قرار دادن خوانندگان آن، در جهت پاسخگویی به وظایف تبلیغی - سیاسی ارگان نیست. کاریکه حتی بخشا توسط مطبوعات بورژوازی انجام می‌گیرد. از این گذشته بسیاری از مطالب که جنبه محلی و محدود داشته و هیچگونه آموزش عمومی قابل توجهی را منتقل نمیکنند نباید در ارگان سراسری سازمان انکاس یا بدینگونه اخبار را میبایست در نشریات و او را ق منطقه‌ای منعکس نمود و البته از مطالب فوق نباید نتیجه عدم ضرورت ارسال اخبار و گزارشات محلی و جزئی را گرفت، چرا که اخبار و گزارشات ارسال رفقا، در واقع دو استفاده مهم دارند. آنها علاوه بر امکان درجشان در ارگان مرکزی، با انکاس عینیات جنبش در تحلیلها و جمع‌بندی های سازمان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا ارسال کلیه اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای برای تحریریه پیکار، ضروریست اما آنچه که میبایست در نظر گرفته شود، میزان توجه و کاری است که رفقای گزارشگر میبایست در رابطه با ارسال گزارشات مختلف صرف نمایند. برای درک بیشتر اهمیت ارسال گزارشات مختلف رفقا، موقعیت جنبش دهقان و میزان انکاس آنرا در پیکار، در نظر می‌گیریم: روشن است که صفحه دهقانی نشریه مدت‌هاست که خالی می‌باشد و این به معنای سکون جنبش دهقانی است و نه بمعنای عدم وجود رفقای سازمان در ارتباط با این جنبش می‌باشد، بلکه عدم برخورد فعال رفقا در ارسال گزارشات مربوط به این بخش از جنبش توده‌ای است. تنها کارگران پیشرو خواننده پیکار را در جریان مبارزات بخش عظیمی از توده‌های خلق، قرار نمیدهد، بلکه در تحلیل و تدوین شعارهای این جنبش نیز اختلال بوجود می‌آورد.

با توجه به مطالب فوق اخباری در ارگان

مرکزی سازمان میتواند انکاس یا بندکسه اولاً در رابطه با سطح جنبش توده‌ای دارای اهمیت باشد، ثانیاً هدف مشخصی را دنبال کرده و نتیجه‌گیریهای معینی را جهت درس‌گیری از جنبش توده‌ها و جهت اشبات صحت شعار - های سازمان، دنبال نماید. از اینها گذشته درج سایر اخبار - نه چندان مهم بصورت اخبار کوتاه برای درج خبری قرار دادن خوانندگان، لازم و مفید است.

حال، بعد از روشن شدن سیاست اصولی در رابطه با درج گزارشات رفقا در پیکار، لازمست که به خصوصیات اصلی یک گزارش خوب بپردازیم گزارشاتی که میبایست در خدمت سیاست مذکور بوده و توسط هزاران رفیق گزارشگر جهت تغذیه نشریه ارسال گردند:

### خصوصیات یک گزارش خوب

۱- قبل از هر چیزی یک گزارش خوب میبایست کامل باشد یعنی تمامی اطلاعات مربوط به واقعه گزارش شده (اقتضای محل، تاریخ، تعداد کسانیکه در مبارزه شرکت داشته‌اند، برخورد نیروهای مختلف نسبت به واقعه مزبور و...) با دقت و حوصله ذکر گردند، تا دیدکاملی را به خوانندگان گزارش جهت استفاده از آن برای درج در ارگان انتقال دهد. بارها دیده شده است که نقض گزارشات، علیرغم اهمیت مضمونشان موجب عدم انکاس آن گردیده است. در ضمن رفقا میبایست حتی امکان تحلیل خود یا جمعشان را از واقعه گزارش شده بطور جداگانه ضمیمه گزارش نمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

۲- اخبار و گزارشات ارسال میبایست سریع و بموقع ارسال گردند تا بتوان از آنها در جهت "معجّم" مربوطه استفاده نمود. باید توجه داشت که اگر چه ارگان مرکزی یک نشریه خبری صرف نیست ولی افشاگریها، گزارشات مبارزاتی توده‌ای و تحلیلها - بخش راجع به مسائل روز، احتیاج به درج خبری است. بخصوص که چون ملاحظا معاً انقلابی ما در هر روز و هر ساعتش آریست جلوه‌های گوناگون مبارزه طبقه‌ای است و اساساً میزان زنده بودن ارگان با زنده و ملموس بودن مطالب مندرج در آن، رابطه مستقیم دارد.

۳- آنچه که وظیفه اصلی گزارش شمرده میشود، انکاس واقعی وقایع آنطوریکه اتفاق افتاده‌اند، می‌باشد. با توجه به آنکه تبلیغات کمیونیستها بر پایه واقعیات عینی استوار است، لذا هرگونه انکاس غیر واقعی جریانات مختلف اجتماعی نه تنها موجب اعتبارشدن کمیونیستها در میان توده‌ها نمیکرد، بلکه درکی ذهنی را به خوانندگان نشریه القا میکند که در صورت تکرار مدام این روند، به جدائی از توده‌ها منجر خواهد شد.

غلو در حقایق و تغییر واقعیات بر طبق

بقیه در صفحه ۲۶

## دعوت آیت الله خمینی به اسلام، دعوت به زیرپرچم حزب جمهوری اسلامی است!

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش خطاب  
به لیبرالها میگوید:

"قا شماها دست بردارید از این سنگ -  
اندازی جلوی جرح اسلام، دست بردارید  
از این تضعیف مجلس وتضعیف روحا نیست  
وتضعیف ملت..."  
ودرجای دیگر به روشنی از قوه قضائیه،  
شورای نگهبان و دولت رجائی دفاع کرده و  
رقبای حکومتی اش را به سرافروزد و ردن در مقابل  
این ارگانها دعوت میکند (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۰)  
بر کسی پوشیده نیست که ارگانهای نامبرده  
تحت سیاست وسلطه حزب جمهوری اسلامی قرار  
دارند. موقعیکه آقای خمینی لیبرالهای خاشن  
را که بخاطر از دست دادن مواضع قدرت در مقابل  
حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و مخالفتهای  
ضدانقلابی خودشان را بر رقبایشان که از بیگ  
موضع طبقاتی مشترک صورت میگیرند در زیر  
پوشش فریبکارانه "آزادی" پنهان کرده اند،  
مورد ملامت قرار میدهند و آنها را به "اسلام میخواند"  
بطور آشکار و با ریزی از آنان میخواند که در زیر  
چتر حزب جمهوری اسلامی قرار گیرند و دم نزنند.  
حزب کارگران و زحمتکشان ایران!

امروز، بسیار روشن تر از پیش آیت الله  
خمینی بدفاع از سیاستهای حزب جمهوری  
اسلامی برخاسته و هر مخالفتی با پستیها،  
اردبیلیها، مهدوی کنیها، رجائیها و...  
بطور خلاصه هراعتراضی علیه حزب ارتجاعی  
جمهوری اسلامی را مخالفت با اسلام قلمداد میکند.  
خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی  
با سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی تودهها، با  
دعوت آنها به اسلام، آنها را به نوکری حزب جمهوری  
اسلامی دعوت مینماید و هر مخالفتی را بشدید  
ترین صورتی مورد سرکوب ضدانقلابی قرار میدهند.  
زحمتکشان ایران!

مدافعین راستین انقلاب و آزادی کمونیستها  
هستند. آنها علیرغم سرکوبها شکنجهها، ترورها و  
اعدامها از مومنان انقلابی کارگران و  
دهقانان دفاع کرده و برده از چهره فریبکارانه  
لیبرالها که نقاب دروغین "آزادیخواهی" بر  
صورت خود زده اند نبر میدارند. آنها برای آگاهی  
تودههای زحمتکش، برای کسب قدرت توسط  
زحمتکشان و به رهبری طبقه کارگر مبارزه میکنند.  
آنها با وحشیگریها و سرکوب آزادیهای دمکراتیک  
بوسیله حزب جمهوری اسلامی قاطعانه مبارزه  
کرده و در راه انقلاب و سوسیالیسم که تحقق آزادی  
واستقلال و نیز نابودی استثمار را نوید میدهند  
جانفشانی میکنند.

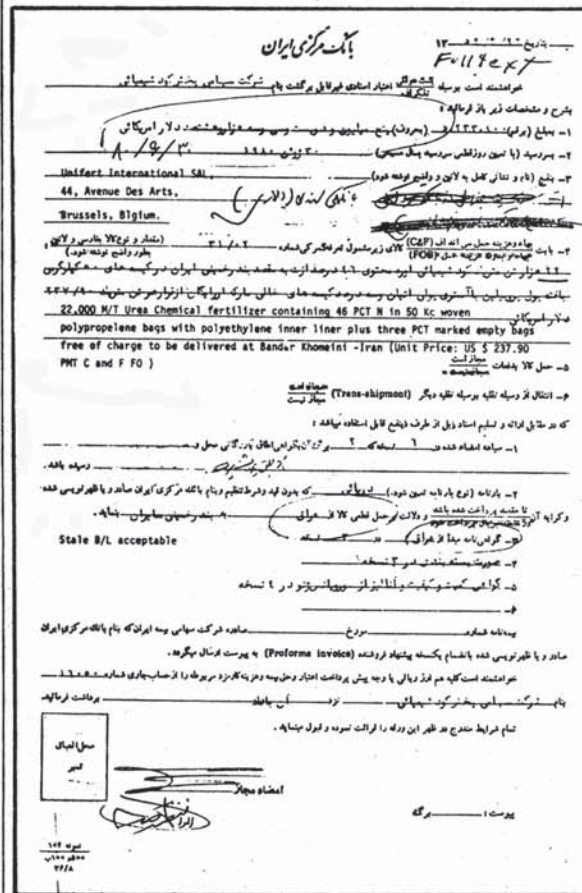
با قدمهای استوار در راه انقلاب سرخ  
پیمایش!

## برای سران جمهوری اسلامی رژیم عراق ازگی "کافر" شده است!؟

برای زحمتکشان وتوده -  
های آگاه ایران پوشیده  
نیست که دورژیم جمهوری  
اسلامی وبعث عراق سراپا  
یک کربا سند، ایدورژیم  
ضد خلقی هر قدمی که برمیدارند  
در جهت منافع بورژوازی دو  
کشور و امپریالیسم جهانی  
است و کلیه عملکردها و  
سیاستهایشان از جمله  
جنگ ارتجاعی کنونی که بر  
علیه خلقهای دو کشور به راه  
انداخته اند، بطور آشکار  
نا پذیر و در تضاد با منافع  
زحمتکشان ایران و عراق  
قرار دارند.

پس از آغاز جنگی که ایدو  
رژیم ارتجاعی بر راه انداخته اند،  
رژیم جمهوری اسلامی و به  
ویژه جناح مرتجع "حزب"  
برای کسب "پشتیبانی"  
تودهها و آسان کردن استفاده از  
زحمتکشان بعنوان گوشت  
دم توب سرما به داران گوشت  
تا با استفاده از اعتقادات  
مذهبی تودهها و جلوه دادن  
جنگ سرما به داران ایران و  
عراق به منافع جنگ "اسلام و  
کفر" تودهها را فدای منافع  
آزمندان طبقاتی خود نماید.

اما برای تودههای انقلابی و آگاه میهن  
ما روشن است که ما هیت ضد مردمی رژیم سدام  
حسین در اشرف جنگ تغییر نکرده و این رژیم از  
آغاز دشمن قسم خورده زحمتکشان و خلقهای  
عراق بوده و میباشد. و بخاطر ما هیت این رژیم و  
منافع طبقه سرما به داران دو کشور، دورژیم قبل از  
جنگ دارای روابط سیاسی واقتصادی بودند  
که البته روابط سیاسی علیرغم قطع شدن مانع  
از ادا مکارها و سفارتخانههای دو کشور نشده است  
و هم اکنون سفارت عراق با برافراشتن پرچم  
عراق در تهران مشغول کار است و این خود  
افشاگر تمامه ایدو دوهواری است که سردمداران  
جمهوری اسلامی در مورد دفاع از اسلام در مقابل  
کفر (کفاری!) که هنوز در کشور "اسلام" سفارت  
دارند، و آنهم کشور "اسلامی" در حال جنگ با آن  
کفر (!!) بر راه انداخته اند.  
سند زیر نشان دهنده ارتباط اقتصادی دو  
رژیم در سال گذشته و فقط دوماه قبل از شروع



جنگ است. بر طبق این سند در تاریخ ۹ تیر ۵۹  
(۳۰ ژوئن ۸۰) جمهوری اسلامی سفارش خرید  
کود شیمیائی بمیزان ۵/۲۳۳/۸۰۰ دلار (بیش از  
۴۰ میلیون تومان با ارز دولتی) از دولت  
عراق نموده است.  
آری! دورژیم سرما به داری وابسته ایران  
و عراق بخشی از اردوگاه ضدانقلاب جهانی  
میباشند و بنا بر منافع طبقاتی سردمداران دو  
رژیم "جنگ" و "صلح" شان با مقتضای شرائط و  
در خدمت تشبیت دورژیم و حفظ منافع مرتجعین  
حاکم هر دو کشور میباشد.  
رژیم جمهوری اسلامی که برای کشاندن  
تودههای متوجه به کشتارگاه و توجیه جنگ  
ارتجاعی که خود از بنیان آن میباشد، جنگ  
سرما به داران دو کشور را در زیر پرچم جنگ  
مذهبی بین "کفار بعثی" و "اسلام" جمهوری  
اسلامی قلمداد می نماید اما آنجا که ادا م  
بقیه در صفحه ۱۷

### بدفاع ازفتگران قهرمان جنگزده پیاخیزیم!

اخبار از جانب شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهراطلاعه ای خطاب به کارگران و زحمتکشان منتشر شده است. در قسمتهاش از این اعلامیه آمده است:

"... در تاریخ ۶/۳/۶۰ هنگامیکه مجمع عمومی کارکنان در باشگاه شماره ۱ صنعت نفت در خیابان خاکشناسی جهت رسیدگی به خواسته های جنگزدگان صنعت نفت و آزادی نمایندگان و کارکنان زندانی برگزار شد، با حمایت کامل سپاه پاسداران، عده ای حزب اللهی (با دخالت مستقیم عراقی که از طرف سازمان داد کفیل وزارت نفت و پرویز شهبازی که به ریاست ستاد کارکنان جنگزده در شیراز منصوب شده) با نگاه رابسته محاصره در آورده و سپس به مجمع عمومی حمله ور شده و کارکنان را با جا قوس - پنجه بکس - زنجیر و موکت بمرورد ضرب و شتم قرار دادند و پس از آن ۷ نفر از کارکنان را دستگیر و با خود به زندان بردند. کارگزارانی را زندانی نمودند که در اعتمالات با شکوه سال ۵۷ نقش قاطع و تعیین کننده ای در سرنگونی رژیم منگور پهلوی بعهده داشتند. در بین دستگیرشدگان کسانی وجود دارند که در جنگ کنونی ایران و عراق زخمی شده بودند و مدت کمی بود که سلامت خود را باز یافته بودند اما احتیاجاتشان حزب اللهی رژیم به این افراد نیز برنگرداند و آنان را با لگد و مشت زده و سپس دستگیر کردند و حتی کارکنان ستاد جنگزده از جمله رئیس امور اداری را مذبوب ساختند...."

ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهر مستقر در شیراز، سرکوب و اعراب کارکنان را به دلیل محکوم کرده و خواهان برآورده شدن فوری خواسته های ذیل میباشیم:

- ۱- ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه نمایندگان و کارکنان جنگزده زندانی صنعت نفت میباشیم.
- ۲- ما خواهان تحقق خواسته های ۹ ماده ای خود که قبلا اعلام کرده ایم میباشیم.
- ۳- ما خواهان مکان مشخصی جهت تشکیل مجمع عمومی در رابطه با خواسته های بحق کارکنان جنگزده میباشیم.
- ۴- ما خواهان امنیت جانی کلیه کارکنان صنعت نفت بوده و هرگونه تعرض و سرکوب را فشاء و رسوا خواهیم نمود.
- ۵- ما خواهان برسمیت شناختن شورا های کارکنان جنگزده که اذدل بوده های زحمتکش بیرون آمده اند، هستیم و هرگونه تشکیلات فرمایشی را مردود اعلام می کنیم.

## جنگ و آوارگان

کارگران و زحمتکشان مبارز!

متحدان و مصمم در مقابل توطئه های ضد - مردمی که بر علیه جنگزدگان و نفتگران انقلابی صورت میگیرد با بستیم و از کسانیکه قاطعانه از منافع ما دفاع میکنند حمایت و پشتیبانی بی دریغ نموده، صفوف خود را از فرصت طلبان و خیانتکاران جدا سازیم.

هرگونه تفرقه در بین ما بنفع سرمایه داران و ایادی او با شان و اتحاد و همبستگی آگاهانه ما مانع پیروزی است.

ما بسوی کلیه کارگران و زحمتکشان و شوراهای انقلابی در این شرایط دست یاری و کمک دراز نموده و خواهان حمایت و پشتیبانی هستیم.."

### ۶ میلیارد تومان برای ۱۸۰۰۰۰ آواره!

سوی، سخنگوی دولت با صلاح حامی مستضعفین اخبار بر سر جنگزدگان منت گذاشته و گفته است: "تقدیر دولت به جنگزدگان اهمیت داده است که چیزی بنام بنیاد امور جنگزدگان ایجاد کرده... ۶ میلیارد تومان بودجه جنگزدگان است!"

آری ۶ میلیارد تومان برای انبوهی از آوارگانی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جهت تحقق منافع خود، همه هستی آنها را بر باد داده است و این در شرایطی است که رژیم با فراهم کردن شرایط بهتر جهت استئمان کارگران و زحمتکشان، ۱۲۰ میلیارد تومان به سرمایه داران سرازیر کرده و با قرار دادن اسارت با ریاست امیربالیستها، میلیاردها تومان از عرق جبین کارگران و زحمتکشان را نصیب امیربالیستها نموده است که قرار داد ۱۲ میلیارد تومانی تالیوت انگلستان نمونه آن است و با زهم این بودجه دولت در حالی اعلام میشود که بودجه نظامی رژیم در سال جاری ۱۰۵۰ میلیارد ریال، یعنی ۲۲٪ کل بودجه، پیش بینی شده است.

بدین ترتیب میبینیم که رژیم برای تامین منافع خود مجبور به کاهش بودجه برای تامین رفاه زحمتکشان و از جمله آوارگان زحمتکش است اما میبینیم و اتفاقاً ۶ میلیارد تومان به هر

آواره جنگزده ای ققدر میرسد. اگر فرض کنیم که از این مبلغ، بولی صرف هزینه امورات اداری و خرج کارمندان نشود (که البته این فرض غیر ممکن است)، بایک حساب سرانگشتی میتوان فهمید که با در نظر گرفتن جمعیت تقریبی آوارگان (۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر)، به هر نفر ۲۷۷ تومان در ماه میرسد و این، همه "بذل و بخشش" رژیم جمهوری اسلامی است که از "برکت جنگ ارتجاعی کنونی نصیب بخشی از زحمتکشان آواره میهنمان شده است!"

با استفاده از فربا د آوارگان (۱۷) تشکیلات خوزستان

### جنگزدگان فریاد می کشیدند: مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه دار

روز سه شنبه ۱۹/۳/۶۰ در پی درگیری لفظی که بین یکی از پسران اردوگاه دانشگاه صنعتی و "ایروانی" یکی از مسئولین جدید خوابگاه شماره ۴ روی میدهد، پاسداران مسلح به بلوکها حمله کرده و با ایجاد جرح و جراحت، به سرکوبی جنگزدگان پرداخته و با ضرب و شتم، ۴ تن را دستگیر و روانه زندان میسازند. این امر مورد اعتراض عده ای از آوارگان زحمتکش قرار میگیرد. مزدوران رژیم برای مقابله با این مقاومت، سقف طبقه دوم را با تیراندازی هوایی خود سوراخ سوراخ کردند. آوارگان همه سراسیمه از اتاقها بیرون رخته و یکمصد فریاد می کردند: "مرگ بر پاسدار"، "مادری فریاد میزد: "بیا شنید ما شنیدن از روی من رد شوید من را بکشید، اما منی گذارم چه هایم را بپریژ. پاسداران بیستما به این زن را که روی زمین خاکی افتاده بود، با لگد برب کرده و پسرش را با خود بردند. آوارگان یکبار چه شعار میدادند: "آواره زندانی آزادی بگردد" و "پاسدار ارتجاع جنگ به شیرنگ تو"...

بعد از این جریان، پاسداران منجمتات ۷ خانوادها را به جنگ زدگان داده و از آنها میخواستند که با بیرون کردن آنها موافقت کنند، ولی آوارگان مقاومت و متحد خود طوماری تهیه کرده و در آن این جمله ضد خلقی رژیم به آوارگان را محکوم ساختند. در واقع، سیاست سرکوب آوارگان یکی از حلقه های زنجیر سرکوب برای توده ها است. خنثی شدن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت و گسترش مبارزات روز افزون ما را می طلبد که همدوش با مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای میهنمان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی متحدان با خاسته و با

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



### گسیل جنگ‌زدگان به جبهه توطئه دیگری علیه آوارگان

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی کدب‌رایی تا مین منافع آرمندان خود در جنگ ارتجاعی کنونی، فرزندان زحمتکش را به کوشش دم توب خود تبدیل ساخته، فقر و فلاکت، بیکاری و بی‌خانمانی توده‌های زحمتکش را افزایش داده و آوارگی را برای آنها به ارمغان آورده است. اینک درصداست آوارگان زحمتکش را نیز به جبهه‌های جنگ ارتجاعی گسیل دارد.

اخیرا بلندگوی شهرک علم‌الهدی شوشتری به صدا درآمده و اعلام کرد که "هر کسی که سنش از ۱۷ سال به بالا باشد میتواند برای رفتن به جبهه ثبت نام کند! تا بعد از دیدن یک دوره چند روزه به جبهه برود."

آری، رژیم جمهوری اسلامی از روشی ناتوان از حل معضلات بیکاری، بی‌مسکنی، بی‌بهداشتی و... آوارگان زحمتکش بوده و شا هدمبارزات او جگر برنده آوارگان جهت تحقق خواسته‌های فوق میباشد، و از سوی دیگر برای ادا ماه جنگ ارتجاعی خود به قربانیان بیشتری احتیاج دارد. از این جهت قصد دارد با گسیل عده‌ای از آوارگان زحمتکش به جبهه‌های جنگ، هم‌گریبان خود را در با سخگوشی به معضلات آوارگان خلاص سازد و با برآوردن آنها، مبارزات آوارگان را سرکوب نماید و هم‌گوشی دم توب منافع خود را بیشتر نماید. اما آوارگان آگاه که میدانند عامل اصلی همه مشکلاتشان همین رژیم جمهوری اسلامی است، هرگز تن به این خواست ارتجاعی رژیم نداده و با خودداری از رفتن به جبهه، مقاومت و مبارزه خود را ادا نموده و اگر چنانچه مجبور به رفتن شدند نیز سکرهای جبهه را به دستگرفتنی رژیم و مبارزه علیه آن تبدیل خواهند کرد.

با استفاده از قربانیان آوارگان (۱۷)  
تشکلات خوزستان  
سازمان سکاگردان آزادی طبقه کارگر

#### بقیه از صفحه ۱۵ برای...

حکومت ضد خلقی اش ایجاب نماید، قراردادهای چندده میلیون یومانی مارژم مرتجع عراق میبندد. به "حک" سن اسدورژم ارتجاعی ونه "طلح" آنها هیچکدام در خدمت منافع زحمتکشان ونوده‌های انقلابی ایران وعرا و فرآرندارند ودریسی‌ای زحمتکشان دوکشور تنها سگراه وجود دارد که آنها را دغلاب است کدستنها تاکنیک مبارزاتی اش در شرايط "حک" و "طلح" بین دورژم تفاوت میکند و الا در اما س کد ادا ماه مبارزه انقلابی علیه اسدورژم با تمام امکانات و توانا تنها مساعده هیچ تانبری ندارد.

#### معلمین جنگ زده!

برای یک مبارزه قاطع و برحق نخست باید صفوف خود را از جاسوسان و خائنین پاک کنیم و سپس متحدانه و مصمم برای خواسته‌های خود مبارزه را به پیش بریم. پس اخراج "اکثریتی" ها از تجمع معلمان با ایستی بعنوان یک مسئله اساسی مورد پیگیری همه معلمین مبارز قرار گیرد. چرا که حضور این خائنین بمثابه ستون پنجم سرما به آوارگان میتواند در ادا ماه مبارزه ما وقفه حاصل نماید.

تجمع معلمین را به کانونی افشاگرانه بر علیه رژیم و نوکران آن، اعماز انجمن اسلامی و "اکثریتی" و "توده‌ای" و... تبدیل کنیم.

نه نقل از: خبرنامه محلی شیراز (۷)  
با اندکی تلخیص و تغییر

### وضعیت آوارگان مستقر در اردوگاه "بهرام" زاغه

اردوگاه "بهرام" زاغه در ۴۵ کیلومتری بروجرد واقع است. ظرفیت این اردوگاه را ابتدا ۵ هزار نفر اعلام کرده بودند، ولی در اثر کمبود آوارگان، حدود ۸ هزار تن در آن جای داده شده اند. برای این جمعیت کثیر فقط یک پیزک وجود دارد و آنها بعضی اوقات آب آشامیدنی این اردوگاه هاوی کج است و برای آوارگان زحمتکش خطرات بسیاری در بر دارد. عمل رژیم برای جلوگیری از اعتراض آوارگان میگویند کلرد آ است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اربیکار بودن آوارگان استفاده کرده و در ازای روزی ۶۰ تومان، آنها را در جاده سازی اطراف و دیگر کارها، بکار گرفته و انبروی کار آنها سوده‌های بسیاری به جیب میرند. به آوارگان زحمتکش این اردوگاه مواد غذایی فاسد تحویل میدهند، بطوریکه بیکار آوارگان نا همدگوشنت گرم را می‌شوند و هنگا میکه به این امر اعتراض میکنند شهر دار میگوید "بنا همدان تا بعهده انقلاب است. ما این گوشتها را از خرم آباد آورده و فقط در طول مسیر در هوای آزاد قرار گرفته، تازه اشکالی ندارد، اگر چیزی باشد از هوا به گوشت رفتن!" آوارگان گوشتها را دور انداخته و تا کنون هم به آنها گوشت نداده اند. زحمتکشان آواره در میقیه مواد غذایی بوده که برای تهیه آن شا همدوقایع دردناک کدبی می باشند. از جمله روز ۴ خرداد دپرسج‌های کدبی ده طرف برای خرید مواد غذایی رفتند. به زیرجرخ‌های ترسناک و دردم جان بی سارد، چادرها فاقد برق میباشد، در حالیکه فقط مسجد دارای برق است و در واقع مسجد اردوگاه مجهزترین قسمت آن است.

این تنها گوشه‌ای از برقراری "عدالت اسلامی" در رژیم جمهوری اسلامی است!



گسترش نظرات و اعتراضات خود، خواسته‌ها و شعارهای واقعی خود را یکمدا فریاد کرده و خواستار آزادی فرزندان انقلابی دربندمان شویم.

نقل خلاصه از: اعلامیه آوارگان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - اسفهان ۶۰/۳/۲۳

### طومار "اکثریتی" ها، سند خیانتی دیگر!

... "اکثریتی" های "خائن مدتهاست که بر علیه "کمیته‌ها هنگی معلمان جنگ‌زده" گسه منتخب معلمین مبارز است، توطئه می کنند. آنها درصددند به هر طریق ممکن این کمیته‌ها را منحل ساخته و بجای آن یک "کمیته" با شرکت اعضای انجمن اسلامی، توده‌ها و خودشان تشکیل دهند تا بتوانند مبارزات برحق معلمان جنگ‌زده را منحرف کرده و بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی توطئه نمایند.

روز چهارشنبه ۲۰ خرداد معلمین جنگ‌زده جهت ادا ماه مبارزه خود برای کسب خواسته‌های برحقشان و دریافت حقوق عقب افتاده شان (سه ماه است که حقوق بایه و گروه معلمین جنگ‌زده شیراز قطع شده است) در اداره آموزش و پرورش جمع کرده بودند. "اکثریتی" های خائن در این تجمع تمام توان خود را برای خوش خدمتی به رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته بودند و میگفتند چون "کمیته‌ها هنگی معلمین" بنوا سیدکاری برای ما انجام دهد، با یدمحل بود و همچنین اعلام کردند که "کمیته‌ها هنگی" از نظر ما مشروعیت ندارد!

اکثریتی های خائن برای به تکسیت کنندن مبارزات معلمان و "کمیته‌ها هنگی" سعی در غلب کردن طوماری داشتند که در آن خواستار انحلال کمیته شده بود و در معلمان میخواستند که طومار را امضا کنند. اما معلمین که خود "کمیته‌ها هنگی" را انتخاب کرده بودند و طومار را امضا کردند و جندها خیر خود را و بارها خائنست و جاسوسی "اکثریتی" ها را مشاهده و لمس کرده بودند، تودهنی محکمی به آنها زدند. معلمین مبارز زمین افشای این نوکران سرما سیدداری گفتند "شما در تجمع روزشنبه ۲۳/۳/۶۰ که همگی معلمین جمع هستید، طومار ضد انقلابی نان را بنا و ریو و قرائت کنید تا همه معلمان با سخ مناسب به سند خیانتان بدهند." اما اکثریتی... ها که میدانستند حضور در تجمع روزشنبه برای شان جز سواشی و تنگ جیب دیگری در بر نخواهد داشت، سعی داشتند که در همان روز به هر طریق ممکن طومار را با مضای معلمین برسانند، لیکن در آخر جز تعدادی انگشت شمار "اکثریتی" کسی طومار را امضا نکرد.

## یکسال از شهادت کمونیست قهرمان، رفیق مهدی علوی شوشتری می گذرد!



سال گذشته، روز ششم تیر ماه، رهرو صیدق و وفا دارا، ارهائی زحمتکشان، کمونیست دلاور، رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری "بجرم"! عشق و اعتقاد به آرمان سرخ طبقه کارگر بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی همراه با بزرگ انقلابی دکتر نرسی سبساداراهواز تیرباران شد.

مهدی از مسئولین سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در راه آزادی بود که اول اردیبهشت ۵۹ - روز حماسه خونین مقاومت دانشجویان انقلابی - در جریان بورش ارتجاع به دانشگاهها دستگیر شد و پس از دو ماه مقاومت با بیداری کمونیستی در زندان جمهوری اسلامی، در حالیکه زندگی را دوست داشت تا "برای تقسیم کردن مشترک" زیبا شپهای آن میان زحمتکشان مبارزه کند و "بخاطر زندگی دیگران بمیرد" سرفرازانه از اعتقادات کمونیستی اش، از سازمان کمونیستی اش و از انقلاب و سوسیالیسم دفاع کرد و با مرگی سرخ به زندگی جاوید پیوست. زندگی کوتاه رفیق مهدی سرشار از عشق و حماسه و مبارزه بود. او در سال ۱۳۳۲ در اهواز بدنیا آمد و از طریق آنا رمدبهرنگی (نویسنده کمونیست شهید) بنحیره های یک زندگی آگاهانه و مبارزه جویانه بروی او گشوده میشوند. در ۱۵ سالگی در جریان تظاهرات و اعتصاب شرکت و احداث تویوسرانی بخاطر گرانای بلیط در اسفند ۴۸ فعالانه شرکت کرد. بخاطر مبارزاتش علیه رژیم وابسته ها و مضمحکه جشهای منحوس ۲۵۰۰ ساله، در سال ۵۰ همراه عده ای دیگر دستگیر و ۸ ماه در زندان بسر می برد. در سال ۵۲ بخاطر بخش اعلامیه بمناسبت اعتدال فزونی شهید گلرخی و دانشمندان دستگیر شد اما دانشمندی هشاری اش توانست دشمن را بفریب دهد و در نتیجه بیش از دو ماه در زندان نبود. در فروردین ۵۴ با

## چهارمین سالگرد شهادت کمونیست قهرمان، رفیق غلامحسین صاحب اختیاری



● تولد در سال ۱۳۳۱ در آباده  
● دانشجوی دانشگاه صنعتی ارسال ۴۹ شرکت در مبارزات انقلابی دانشجویان  
● اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم مبتنی به تنها علم رهایی بخش طبقه کارگر  
● پیوستن به بخش متشعب ارسال زمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۴  
● از فعالین شاخه مشهد سازمان  
● دستگیری در ۱۸ فروردین ۵۶ در فلک حرم مشهد.  
● ۷۲ روز مقاومت دلیرانه در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان رژیم شاه  
● شهادت در ۳۱ خرداد ۵۶ در زیر شکنجه در خیابان در زندان اوین  
● با دشمنان گرامی مبارزات اشهرشور را با روح مینهم!

## اولین سالگرد شهادت کمونیست پیکارگر، رفیق محمود مسعودی گرامی باد!

رفیق محمود مسعودی، مهندس مجتهد صنایع فولاد اهواز و هوادار سازمان ما، در اول تیر ماه سال ۵۹ همراه با سکا رگر زحمتکش دانشمند و نامداری اندکی در جاده پارس شهادت رسید. رفیق محمود کمونیست مبارزی بود که از محبوبیت زیادی در میان کارگران مجتهد فولاد اهواز برخوردار بود. علاقه کارگران به رفیق از عشق سرشار رفیق به آرمان و لای طبقه کارگر و دفاع از منافع زحمتکشان سرچشمه میگرفت. در اولین سالگرد شهادت رفیق محمود، خاطره آن کمونیست قهرمان را گرامی میداریم!

لورفتن یک محفل دانشجویی که رفیق مهدی با آن در ارتباط بود دستگیر شده و به سه سال زندان محکوم میشود که دو سال اول را در اهواز و سال سوم زندانش را در تهران میگذراند. یکسال پس از آزادی از زندان برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و توانست در رشته ریاضی پیروزی درخشانی بدست آورد. اما عشق به نوده های زحمتکش و شرکت فعال در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه او را به سوی مین و به آغوش زحمتکشان کشاند و مهدی پس از قیام بیرنگه بهمن به ایران بازگشت و در دانشگاه جندی شاپور اهواز به ادامه تحصیل پرداخت و در همان زمان بطور خستگی ناپذیر در مبارزات دانشجویان کمونیست شرکت نمود. خلافت، پشتکار انقلابی، اخلاق کمونیستی و وفاداری بی انتهای مهدی نسبت به آرمان و لای طبقه کارگر، رفیق را در هر چه مسئولین تشکیلات دانشجویان هوادار سازمان قرار داد. او در تمام فعالیت های دانشجویان کمونیست حاضر بود. مهدی در محله زیتون کارگری، دکهای داشت که نشریات سازمان و کتب کمونیستی و انقلابی را در اختیار زحمتکشان و فرزندان کارگران قرار میداد. او در کنار دیگر همزمانش در جریان سیل خوستان با تمام توان بسیاری آسیب دیدگان شتافت و در جریان همین کمک رسانی قایق او و یارانش در کارون واژگون شد و با شنا کردن، توانستند خود را از مرگ حتمی نجات بدهند.

مهدی در زمان انقلاب فرهنگی رژیم به اتهام بوج "سک پرانی"، دستگیر و پس از دو ماه تحمل شکنجه در حالیکه سرود عشق و آزادی طبقه کارگر را سرداده بود بدست با ساداران سرمایه تیرباران گردید. دفاعات رفیق مهدی، تیلوری از وفاداری او به مارکسیسم لنینیسم به مثابه تنها ایدئولوژی رهایی بخش طبقه کارگر و پرچم سرخ راهمای انقلابات پرولتاری و سوسیالیسم، سرشار از عشق به سازمان کمونیستی اش و وفاداری به آرمان سرخ طبقه کارگر و انقلاب زحمتکشان و حماسه های از عشق و کینه طبقاتی کمونیستها و گویای عمق پیوند آن با زحمتکشان و جلوه های از استقامت و مبارزه جوشی کمونیستی و قهرمانانه بود. او همچنانکه در زندانهای رژیم محمدرضا شاه سرفراز و با افتخار از انقلاب دفاع کرد، در زندان جمهوری اسلامی نیز به دفاع از اعتقادات و مبارزاتش برخاست و در این راه سرخ با مرگی سرخ به زندگی جاویدان پیوست. اولین سالگرد شهادت رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری را با درودی گرم بخاطر پرتکوه او و دیگر شهیدان راه رهایی زحمتکشان، گرامی میداریم.

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

## منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

بقیه از صفحه ۱

بنوع حاکمیت ارتجاع باشد "خلال" می شمارد و هر اقدامی که برخلاف مصالح و منافع سرمایه - داران باشد آنرا "حرام" می داند. "چماق تکفیر"، یکی از حربیه های مهمی است که رژیم کنونی آنرا بر سر هر نیروی انقلابی و کمونیستی، بر سر هر خلقی با فرد مبارزی که برخلاف منافع رژیم جمهوری اسلامی حرکت کند فرود می آورد. و بهمین ترتیب است که کمونیستها و مجاهدین "خونشان خلال" شمرده میشود و علیه خلق قهرمان کرد "حکم جهاد" داده میشود و احسانات مذهبی توده های نا آگاه و موردها جمع آلیزترین سو - استفاده های ارتجاعی قرار میگیرد و رژیم خیل جوانان زحمتکش و نا آگاه را از طریق ارگانهای سرکوب خویش، به قربانگاه و نوشیدن "شریبت شهادت" می کشاند، تا بدین وسیله درخت کهن و فرسوده ارتجاع از خون زحمتکشان "دا و طلب شهادت" سیراب گردد!

یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است. اما حاکمیت این رژیم بنحو تفکیکناپذیری با "اعتقادات توده ها" لایحه قصاص است. با "ولایت فقیه" و استفاده از مذهب بعنوان "چماق تکفیر و تحمیق" بیوند خورده است که تجسم آنرا در لایحه قصاص میتوان مشاهده کرد.

رژیم، هر چه توانسته است ارگانهای سرکوب و پابندهای حاکمیت طبقاتی خود را بیشتر تثبیت کند گامهای بیشتری در سلب دستاورد های قیام مسلحانه توده های بهمن ماه، در محدود کردن ونفی آزادیهای دمکراتیک، در سرکوب کارگران و زحمتکشان برداشته و با قانون اساسی و مصوبات و لوایح قانونی نظیر لایحه قصاص، زنجیرهای تازه ای بردست و پایی توده ها بافته است. رژیم در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، در انعقاد قرارداد دهکده های امپریالیستی و سازش با جبهه خواران بین المللی، در بازگذاشتن دست زمینداران و سرمایه داران داخلی برای بهره کشی بیشتر و در راه انداختن و ادامه جنگ ارتجاعی، و غیره، در همه این موارد و نظایر آن از اعمال مذهب و احسانات مذهبی توده های نا آگاه و بیشترین

سو استفاده را نموده است. وجود این عامل، به مبارزه کمونیستها و نیروهای انقلابی دمکرات و ویژگی خاصی میبخشد و ظرافت خاصی را می طلبد. برای مثال در افشای لایحه ارتجاعی قصاص و کوشش رژیم برای پیاده کردن یک سلسله قوانین قرون وسطائی، آیا میتوان به قوانین مذهبی که منشاء غیر قابل انکار لایحه قصاص است برخورد نکرد؟ آیا کافی است که تک تک مواد این لایحه را صرفاً از جنبه طبقاتی (منظور زیربنائی است) مورد بحث قرار داد و نتواند آنرا با رشد و تکامل تاریخ بشری و منافع کارگران و زحمتکشان بررسی کرد و اصلاً کاری به منشاء تاریخی و مذهبی آن نداشت؟ شاید اگر رژیم اینچنین صریح و سرسختانه از پیوند این قانون با مذهب استفاده نمیکرد و صورتی فوری به برخورد با

مذهب در این رابطه، وجود نداشت و مسأله بطور کامل به روال تاریخی اش واگذار میشد و لایحه - ها منظره که گفتیم - لاینفک بودن این قانون و منشاء مذهبی آن برخوردی ویژه و ظریف را الزامی میسازد. اما چرا ویژه و ظریف؟ منظور ما از برخورد "ویژه و ظریف" دقیقاً یک برخورد مارکسیستی است: از یکسو کمونیستها خود به مذهب اعتقاد ندارند و تحلیل شان بر اساس فلسفه علمی و ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی، این است که با رشد مناسبات تولیدی و شناخت

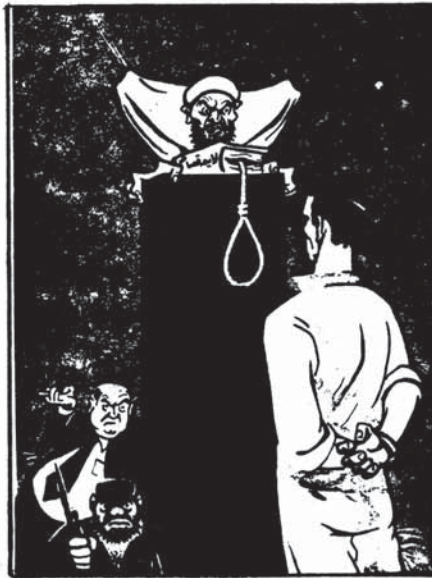
اقتصادی در جامعه است، کوتاه نظر - ری بورژوازی خواهد بود. هیچ تعداد جزوات و هیچ مقدار موعظه، پرولتاریا را روشن نخواهد کرد. اگر وی از طریق مبارزه خود علیه نیروهای سرمایه سرمایه داری روشن نشود. (رسانه "سوسیالیسم و مذهب" - تاکیدا زماست) بر همین اساس که کمونیستها: "مذهب را در ارتباط با دولت، بمنظور یک امر خصوصی می نگارند، لیکن

● یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است. ادامه حاکمیت این رژیم بنحو تفکیکناپذیری با "اعتقادات توده ها" لایحه قصاص است. "چماق تکفیر و تحمیق" بیوند خورده است که تجسم آنرا در لایحه قصاص میتوان مشاهده کرد.

بهیچوجه در ارتباط با خود، یعنی ما را کمیسر یا حزب کارگران. (رسانه لنین درباره "روش حزب کارگران نسبت به مذهب"، تاکیدا زماست) برخورد ویژه و ظریف اینجاست که از یکطرف نباید مذهب توده ها را اعلان جنگ داد و آنرا اساساً با بدیهه پروریه تاریخی اش واگذار کرد و هرگز نباید با برخوردی روشنفکرانه و بورژوازی در باره مباحث مبارزه با ایده آلیسم مذهبی بین توده های کارگران تفرقه انداخت، زیرا این همان است که سرمایه داران میخواهند. در همین رابطه لنین می آموزد:

"(انگلس) بلانکیستها را بخاطر نفهمیدن این مطلب محکوم کرد که فقط مبارزه توده های طبقه کارگر، درگیر کردن وسیعترین اقشار پرولتاریا در تمام اشکال آگاهانه و انقلابی عمل اجتماعی، خواهد توانست توده های تحت ستم را از زیر یوغ مذهب و اقطاعرها سازد. حال آنکه اعلان جنگ علیه مذهب به مثابه یک هدف سیاسی حزب کارگران صرفاً یک ژست آتاریستی است" (لنین - همانجا، تاکیدا زماست) و عبارت دیگر بار بقول لنین:

"اتحاد در مبارزه انقلابی طبقه تحت ستم، برای ایجاد بهشت بر روی زمین، برای ما مهمترین اتحاد عقیده پرولتاریا در مورد بهشت برین در آسمانهاست." (مذهب و سوسیالیسم) اما از طرف دیگر، ما در عین حال که وظیفه ترویجی خود را در بیان نقطه نظرات مارکسیستی پیرامون مذهب فراموش نکرده ایم، از نظر تبلیغی با این مسأله مواجهم که در شرایط کنونی جامعه ما، بورژوازی حاکم با ویژگی مذهبی خود در قالب ولایت فقیه، تمام اقدامات



هر چه بیشتر جهان و پیشرفت علم و سراجا مالفا' جامعه طبقاتی، عقاید مذهبی که خود مولود مناسبات تاریخی کهن است بتدریج از بین خواهد رفت. مارکسیستها این عقیده خود را پنهان نمی کنند و ریشه های تاریخی و اقتصادی پیدایش و دوام مذهب در جوامع بشری را در شرایط ترویجی خود، برای کارگران و زحمتکشان توضیح میدهند و از سوی دیگر، بقول رفیق لنین: "این احقانه خواهد بود که فکر کنیم که در جامعه ای که بر پایه ستم و خرافت نمودن بی پایان توده های کارگر بنا شده است تعصبات مذهبی را میتوان با شیوه های ترویجی خالص از میان برداشت. فراموش کردن اینکه یوغ مذهب که بر بیشتر ستمگینی میکند، صرفاً نتیجه و انعکاس یوغ

ارتجاعی خود را از کمال اعتقادات مذهبی بر توده‌ها تحمیل میکند و به فرامین و احکام ضد انقلابی خود لباس "مقدس" می‌پوشاند و مبارزه کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و

و تهدید به نابودی "قرارداد" او برای لسوت کردن ما هیت انقلابی جنبش توده‌ها و بسیج طرفداران خود علیه این جنبش (ضمن انتساب کل این حرکت به جبهه ملی) به این حربه متوسل شد که "به اسلام سب و توهین شده است".

"وی با دیدک ما تریا لیست دیا لکتیسی... با شد... یک ما رکسیست با بدیتوا ندا و ضاع مشخص را بطور کلی مورد سنجش قرار دهد. وی با بیدهمیشه قادیبه تشخیص مرزین آنا رشیسم واپورتونیسیم بوده (این مرز، نسبی، متحرک و دائمی تغییر مییابد، لیکن وجود دارد)، در انقلابیگری تجربی، قافیله - با فانه و در واقع بی نتیجه آنا رشیست و با درحماقت و فرصت طلبی خرده بورژوازی و با روشنفکر لیبرالی که از مبارزه علیه مذهب طفره رفته، وظایف خود را فراموش نموده، خود را با اعتقاد به خدایه سازش رسانده و جهتگیری خود را نه بر مبنای مبارزه طبقاتی بلکه بر پایه حسگری های خرد و پست فطرتا نه ما سندن: نرنجانندن، نرمانندن و نترسانیدن پایه گذاری نموده... در نفلظت"

(لنین: روش حزب کارگران نسبت به مذهب). این است موضعی مارکسیستی لنینیستی که را همنمای ما در بر خورده مساله مذهب است. مساله ای که در شرایط خاص کنونی جامعه ما بر خورده می باشد. آیا رشیست و عملیات بورژوازی را در اینجا دقت فرقه بین کارگران و صف نیروهای انقلابی پیدا کرده اند و به پورتونیسیم و حساب گریهای کاسیکارانه فرو افتند.

آنها به بحث و در شمار آینه دهنه دنبال خواهیم کرد و به بر خورده ما هدین به لایحه قصاص خواهیم پرداخت.

● آیا وقتی حیات یک رژیم تا این اندازه با توهنات مذهبی توده‌ها گره خورده است آیا زمانیکه لایحه‌ای مانند قصاص - که ماجنیه‌هایی از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره‌های گذشته پیکار افشا کرده ایم - بوسیله دگنگ مذهب به توده‌ها حاقنه میشود، میتوان طوری برخورد کرد که جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشاء غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی نماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی اپورتونیسیم نیست؟

آیا وقتی حیات یک رژیم تا این اندازه با توهنات مذهبی توده‌ها گره خورده است آیا زمانیکه لایحه‌ای مانند قصاص - که ماجنیه‌هایی از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره‌های گذشته پیکار افشا کرده ایم - بوسیله دگنگ مذهب به توده‌ها حاقنه میشود، میتوان طوری برخورد کرد که جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشاء غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی نماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی اپورتونیسیم نیست؟ آیا میتوان به پانگه نرمدن برخی نیروهای انقلابی و کارگرناسی که هنوز برخی عقاید مذهبی را با خود حمل میکنند، از افشای گوشه‌هایی از حقیقت خودداری کرد؟ یک مارکسیست، البته ماتریالیست است لیکن، بقول لنین:

انقلابی را با چماق تکفیر و در یورش طیبی وار می‌خواهد سرکوب کند، اینجاست که عامل مذهب، در شرایط مشخص جامعه و در پیوندی که با طبقه حاکم بعنوان "حکومتی الهی" دارد خود به مثابه نیروی مادی در جهت جلوگیری از پیشرفت انقلاب خود نشانی میکند. آیا مثلا در رابطه با تصویب و اجرای لایحه قصاص میتوان این عامل را نادیده گرفت؟ در هفته گذشته، آیت الله خمینی برای مقابله با تزلزلی که از گران رژیم را فرا گرفته و برای مقابله با تظاهراتی که بوسیله لیبرالها اعلام شده بود (دوشنبه ۲۵ خرداد) با توسل به حربه تکفیر و ارتداد، توده‌های ناکار را به دفاع از رژیم واداشت و در حالیکه راه بازگشت و "توبه" را برای لیبرالها باز می‌گذاشت، کمونیستها و ما هدین را آماج حملات

## چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!

آیت الله خمینی در سخنرانی روز ۲۴ خرداد، به فرماندهان ارتش دستور داد که:

وظیفه هر نظامی و پادگان این است که امور سیاسی بر او حکومت نکند

نه سران ارتش امر میکنند نه اینکه باید در ارتش مسائل سیاسی طرح نشود

بیرهیزند و سیاست را مانند "مواد مخدر" تحریم کنند تا بتوانند چماق خوبی برای سرکوب کمونیستها و انقلابیون باشند.

آقای خمینی در موضعگیری اخیر خود از تحریک ارتشیان بنبغ فدا انقلابیون سلطنت - طلب و لیبرالها بویژه بدینی صدور میترسد ولی هیچ شکی نمیتوان داشت که آیت الله از آگاهی سیاسی بر سنبل انقلابی ارتش و حرکت آنان بسوی نیروهای کمونیستی و انقلابی بی‌ارتب استن از بقود سلطنت طلبان خائنین و لیبرالها هراس دارد، زیرا تا امروز بسیاری از سران خائنین ارتش وابسته به رژیم گذشته و یا لیبرالها در قدرت سهیم بوده، هستند و کلی چنانگانها افشا کرده ایم از کوچکترین نشریه انقلابی درون ارتش مثل جن ازیم الله ترسیده اند.

سر بازان و درجه داران انقلابی ارتش با پید آگاهی سیاسی هر چه بیشتری پیدا کنند، آنها با بدینبغ کارگران و زحمتکشان وارد عمل شده، با ایجاد دشواریهای انقلابی - سربازان، طاعت کور کورا نه از فدا انقلاب حاکمرا که یک اندیشه طبقاتی و ارتجاعی است بدور می‌اندازند و آماده باشند همان نقش شرافتمندانه ای را ایفا کنند که در قیام پرشکوه بهمین درکنار خلقهای قهرمان ایران انجام دادند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۳/۲۶

اکثریت بر سنبل ارتش، سربازان، درجه داران، با وجود آنکه در یک سیستم مداخله فعالیت میکنند ولی خود از زمین زحمتکشان برخاسته اند. همینها هستند که با دخالت خود در سیاست و حمایت از انقلاب توده‌ها ستون فقرات قدرت رژیم ما را در هم شکستند و بویژه همافران قهرمان طبیعه قیام شکوهمند بهمین راه را هم آوردند.

آیت الله خمینی که خود در هنگام اوج مبارزات توده‌ها علیه رژیم شاه، ارتشیان را به فرار از سربازخانه‌ها و در واقع دخالت در سیاست فراموشی خواند امروز از آنها میخواهد که چشم و گوش بسته، اطاعت کور کورا نه از ما فوق رانجب - العین خود فرار دهند و بصورت یک ابزار سرکوب در دست رژیم بویژه حزب درآیند.

آیت الله خمینی از سربازان و درجه داران انقلابی و زحمتکش میخواهد که از آگاهی سیاسی

چرا از سوی آیت الله خمینی چنین دستوری صادر میشود؟

میدانیم که ارتش مهمترین ابزار سرکوب در دست هر دولت طبقاتی است.

دولت خود نماینده طبقه حاکم است و رژیم جمهوری اسلامی نماینده طبقه سرمایه دار میباشد. بنا بر این ارتش وسیله ای است در دست دولت سرمایه داران تا سیاستهای این طبقه حاکم را به پیش ببرد. اینکه میگویند ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند فریبی بیش نیست. ارتش بخواهد یا نخواهد، بنبغ سیاست یک طبقه که همان طبقه مسلط است عمل میکند. آیت الله خمینی در واقع از ارتشیان میخواهد فقط بنبغ طبقه حاکم، بنبغ حزب جمهوری اسلامی که در رأس رژیم قرار دارد و همان حزب آیت الله خمینی است وارد شوند.



بقیه از صفحه ۱۲ بوجه...

مصرف طرح‌های میگردد که از رژیم مزدورانه بجا مانده است. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هیچ قدمی در راه قطع وابستگی به امپریالیسم برنداشته است و نمی‌تواند برادر بودجه فعلی نیز نتایج دکننده این مطلب است. این مسئله، یک بار دیگر درستی پیش‌بینی کمونیست‌ها را در این باره ثابت میکند، زیرا با توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی انتظار دیگری نمی‌شد داشت. بسیاری از پروژه‌های رژیم گذشته نیز تا تمام و متوقف مانده و رژیم با دریا تمام بهره برداری از آنها نگردیده است. حجم کم اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاریهای دولت در مورد زیربنای صنعتی نسبت به هزینه‌های جاری، عدم تغییر کیفی در سیاست‌های اقتصادی و توسعه مصرف این اعتبارات، شکاف میان نیازهای تولید و تقاضای کالاها در بازار که با تزیین بی حساب پول به اقتصاد توسط دولت افزایش می‌یابد و قدرت تولیدی را افزایش نداد و تورم را که در سال گذشته حدود ۳۰ درصد بوده است بالا خواهد برد. سیاست نفت‌فروشی و واردات وسیع کالا و تشدید وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم تنها راهی است که دولت در مقابل خود قرار داده و در بودجه خود نیز منعکس کرده است ولی ظرفیت واردات نیز محدود بوده و محدودیت امکانات بندری، تخلیه و انبارسازی، توسعه پیش از حد آن را غیرممکن میسازد. تلافی کالاها نیز قیمت آنها را گرانتر میکند. از سوی دیگر تولید و مصرف در صنعت با در نظر گرفتن شرایط موجود با زارفت و نیز امکانات رژیم زلحفاظ فنی و غیره به میزان پیش‌بینی شده نرسیده و درآمدهای ارزی کافی نیز برای انجام واردات به میزانی که برای مقابله با کمبودها و قحطی کالاها کافی باشد، حتی اگر رژیم این سیاست را نصب العین خود قرار داده باشد، بدست نخواهد آمد. این امر در شرایط تقاضای تولید داخلی، توقف فعالیت نازل صنایع و بحران صنایع وابسته که به واردات مواد موافقات و لوازم متکی هستند، کمبود، گران‌تر و قحطی کالاها ابعاد جدیدی خواهد بخشید و فشار بر توده‌های مردم افزایش خواهد یافت.

دولت از یک سو برای حفظ اعتبار سیستم بانکی و نجات آن از ورشکستگی و تا مین منابع ارزی برای پشتوانه اسکناس‌های منتشره و همچنین واردات کالا و خریدهای کلان اسلحه برای ادامه جنگ ارتجاعی، در آمدن نفت به میزان بیما بقیه ۲۲۱۱/۶ میلیارد ریال را در بودجه خود گنجانیده و از سوی دیگر اعلام نموده است که: «بعثت فروش نفت این مقدار است اگر منابع تا مین اعتبارات طبق پیش‌بینی نبود برای تا مین کسری احتمالی بودجه از طریق استقرار از سیستم بانکی و از طریق مکانیسم صرفه‌جویی اقدام خواهد نمود». مثلاً و سازمان برنام‌ه و بودجه: کمیته ۱۳۶۰/۲/۱۶.

بعبارت دیگر در صورت عدم توفیق رژیم به

مصرفت به میزان پیش‌بینی شده، دولت برای تا مین مخارج خود هر چه بیشتر به ارجح دیپلوم و تزیین آن در اقتصاد بحران زده کشور اقدام می‌نماید. این امر دستمزدهای واقعی کارگران و قدرت خرید توده‌ها را بیشتر کرده و فقر و فلاکت توده‌ها را افزایش بیشتری خواهد داد. در صورت عدم تا مین ارزگانی دولت بسیاری از مخارج خود را از طریق ارجح دیپلوم عملاً بندوش توده‌ها منتقل کرده و از خود صرف هزینه‌هایی که برای اوجیاتی است یعنی خریدهای کلان اسلحه و تجهیزات و وسایل "ضروری" خواهد نمود. مناقشه جناح‌های بورژوازی پرسرلایحه بودجه: جناح بنی صدر با فاهای بورژوازی ارتجاعی بورژوازی بیرون مجلس لایحه بودجه را که توسط جناح مسلط حزبی و کابینه راجائی تنظیم و به مجلس آورده شده است زیر انتقادات و حملات شدید قرار دادند. تفاطمیان این نیروها بر سر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی و نیز وحدت آنان در مقابل کارگران و توده‌های خلق از خلال این مشاجرات نیز خود را نشان میدهد. بنی صدر در خلال انتقادات خود با ردیگر نارضایتی خود را از پیش‌روی جناح رقیب در جهت تحکیم مواضع و اعمال سلطه خود که بودجه دولت نیز به وسیله‌ای برای این منظور تبدیل شده است با گنجانیدن تبصره‌های متعدد در لایحه بودجه که اختیارات وسیعی برای هیئت وزیران و مقامات محلی در مصرف بودجه منظور می‌نماید خصوصیت برنام‌ه‌های بودجه را نفی کرده و آن را به آلت پیشبرد مواضع و تحکیم مواضع خود بدل نماید. این تبصره‌ها به‌ویژه امکان میدهد بطور خودسرانه، بدون لزوم ادای توضیحات به مجلس و نیروهای رقیب جابجائی‌های کلان در ارقام اعتبارات مختلف بودجه بعمل آورده و گذشته از آن مبالغ کلانی را نیز تحت عنوان عملیات اضطراری بدون اینکه شامل کنترل قانون محاسبات عمومی گردد و راه‌سند را الزامی نماید، در جهت منافع ویژه خود مصرف نماید.

در این لایحه حتی بسیاری از اعتبارات مجلس در زمینه نظارت بر عملکرد بودجه و ضوابط خرج آن بطوریکه به دولت تفویض شده است. نحوه و ضوابط مخارج بسیاری از آنها ده‌ها و سالیانه‌ای وابسته به جناح مسلط تابع نظر مجلس و تحت کنترل قانون محاسبات عمومی نبوده و تا به سه تصویب نامه‌های هیئت وزیران است. اعتبار زیاد بصورت معاف از نظارت قانون محاسبات عمومی به نخست‌وزیر داده شده و نیز وزیران و مقامات محلی میتوانند در مصرف زیاده‌ای از اعتبارات جاری و عمرانی را بدون کنترل قانون محاسبات عمومی و تحت عنوان "عملیات اضطراری" مصرف نمایند. اینها در واقع اعتبارات سری هستند. ولی دولت در بودجه اعتبارات سری بطور رسمی منظور نکرده و به فریبکاری توسل جسته است. این اعتبارات را میتوان به

مقصودی به مصرف رساند. طبق تبصره ۹، بیست درصد از اعتبارات عمرانی دستگاه‌های اجرائی با تصویب وزیر مربوطه میتوانند به اجرای عملیات اضطراری اختصاص یابند. این مبلغ به ۲۲۱/۸ میلیارد ریال میرسد. طبق تبصره ۱۸ استانداران معادل ۲۵ درصد اعتبار عمرانی استان را می‌توانند به عملیات اضطراری اختصاص دهند. در تبصره ۴۱ نیز ۵۰۰ میلیون ریال بودجه سری برای نخست‌وزیر تعیین شده. تغییر در ادن برنام‌ه‌ها و تغییر اعتبارات طرح‌های مختلف توسط وزراء و مقامات محلی با دامنه وسیعی مجاز دانسته شده و عملاً مصرف بودجه متفاوت از برنام‌ه‌های خواهد بود که پیش‌بینی شده است. این تبصره‌ها دست جناح مسلط را در مصرف خودسرانه بخش مهمی از اعتبارات بازمیگذارد و از سوی دیگر به امکان میدهد قسمت مهمی از اعتبارات را تحت عنوان عملیات اضطراری و بدون از کنترل قانون محاسبات عمومی به جیب خود سرازیر کرده و در جهت تا مین مالی و تجهیز خود مصرف نماید.

اختلاف منافع و تفاوت در سیاست‌های دو جناح در مقابله با بحران اقتصادی - اجتماعی موجود نیز در مناقشات حول بودجه متمرکزگشت. جناح مسلط حاکمیت که در مقابل به بحران اقتصادی - اجتماعی موجود توان در مانده گشته است (مثل تمام جناح‌های بورژوازی دیگر) در تداوم جنگ ارتجاعی برای جلوگیری از فروپاشی بیشتر توده‌ها، قریب آنها و موجه جلوه دادن فقر و فلاکت و استفاده از شرایط جنگی در زمینه تشدید اختناق و سرکوب ایدئولوژی بستم‌ویرانی تا مین منابع مالی برای خریدهای کلان اسلحه و نیز نجات موقتگی از ورشکستگی و تشبیت و حفظ موجودیت و تسلط خود به نفت‌فروشی بی حساب روی آورده است. این جناح برای حفظ تسلط خود بویژه در شرایط جنگی و تشدید تفاذهای طبقاتی مجبور به افزایش دخالت‌های خود در تولید و توزیع و اعمال نوعی کنترل ارتجاعی و بوروکراتیک در جهت حفظ سیستمی با شد. جناح بنی صدر در مقابل به حریف در جهت تضعیف او و تحکیم موقعیت خویش، تکیه اصلی را بر افشاء تا توانی وی در مقابل به بحران اقتصادی موجود کرده و مدوام تولید و روی آوردن بیشتر به سیاست نفت‌فروشی گذاشته بود.

این جناح دخالت‌های بوروکراتیک در اقتصاد و نیز اعمال پاره‌ای معادله‌ها از سرمایه - داران در جهت منافع خود توسط جناح رقیب را محکوم کرده، برای بازسازی سرمایه‌داری وابسته و مقابله با بحران خواهان جلب اعتماد بیشتر سرمایه‌داران، به مقابله با کارگران و جلوگیری از افزایش دستمزدها و حقوق‌ها و کاستن از هزینه‌های جاری دولت و انداختن بیشتر بار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان میباید. و بحران موجود را زیرکانه فقط بیای حریف

بقیه در صفحه ۲۹

# معرفی کتاب

## (ب) - نشریات تبلیغی

لنین در این مقالات اشاره میکند که عالیترین شکل نشریات تبلیغی یک روزنامه سراسری است. روزنامه‌ای که در عین دامن زدن به تبلیغات واحد مستمر، سازمانده جنبش طبقه و توده‌های زحمتکش نیز می باشد. این روزنامه از طریق فرموله کردن مسائل اساسی جامعه و مشخص کردن خطوط کار رین تمام فعالین مناطق و نواحی دور افتاده را مرکز ارتباط برقرار کرده و رهبری کل جنبش را زیر پوشش خود می گیرد. لنین ضمن بازنگار فسی ضرورت ایجاد یک نشریه مرکزی و سراسری به جمع آوری کمک مالی از خود کارگران جهت توده‌ای شدن و استمرار و ثبات نشریه، اشاره میکند. و در ارتباط با کمک مالی کارگران مینویسد:

"نشریاتی که برپا به سکه‌های پنج کوپکی که از محافل کارگری کوچک کارخانه جمع شده اند، ایجاد شده یا تدجیز بسیار قابل اعتماد و محکمتر و جدیدتری است (هم از نظر مالی و مهمتر از همه از نقطه نظر بیشتر جنبش دموکراتیک کارگران) تا نشریه‌ای که با دهها و صدها روبل اهداشی روشن فکران هوادار ایجاد شده باشد."

لنین میزان کمک مالی کارگران به نشریه را یکی از ملاکهای درجه و عمق نفوذ و توده‌ای شدن یک نشریه میدانند. و مطرح میکنند که:

"اهمیت چنین کمکهای بیش از همه بر اساس منظم بودن آنها در هر روز پرداخت، بدون وقفه بودن و تعداد هر چه بیشتر کارگران شگه در این کمکهای منظم شرکت میکنند، می باشد."

بر اساس چنین دیدگاهی بود که لنین مطرح ساخت، می بایست شعار "هر کارگر روزی

اجرا کتاب "نشریات و تشکیلات کارگری" منتشر شده است. این کتاب حاوی مقالات ارزنده‌ای از لنین در ارتباط با سازماندهی حزبی است. لنین در این مقالات بحث و درخشانی نشان میدهد که چگونه با تشکیلات محلی و مطبوعات محلی نمیتوان به پیشواز جنبش خروشنده پرولتاریا رفت. و اینجاست برجسته‌ای تفاوت میان کار محلی و کار حزبی را بر شمرده و نشان میدهد که چگونه اشکال عقب مانده سازماندهی با سخگوی جنبش اعتلائی طبقه کارگر نبوده و ابزارهای لازم را برای هدایت و رهبری پرولتری مهیا نمیشوند. لنین در این مقالات به دو **هرم اساسی** هدایت و رهبری پرولتری اشاره کرده و در ارتباط با مادیت بخشیدن آنها در شرایط روسیه رهنمودهای ارائه میدهد. این اهرمها عبارتند از:

## (الف) - تشکیلات

در این مقالات بحث بر سر اهمیت تشکیلات برای پرولتاریا نیست بلکه بحث بر سر بهبود سازماندهی و یکا رگیری اشکال جدید است. در اولین مقاله این کتاب لنین مختصا ت جنبش کارگری روسیه را در سال ۱۸۹۹، چنین ترسیم میکند:

"بدون بهبود در تشکیلات هرگونه پیشرفت جنبش کارگری ما، بطور عام و ابجا د حزبی فعال با ارگانی با عملکردهای صحیح بطور خاص **غیر ممکن** است"

این گفته لنین سهیوجه بمعنای برتر دانستن تشکیلات نسبت به ایدئولوژی نیست. چرا که لنین در این کتاب در واقع رهنمودهایی در ارتباط با رشد کیفی و بهبود تشکیلات ارائه داده است. او مکررا مطرح می سازد که برای رهبری یک مبارزه منظم بر علیه حکومت، یک سازمان انقلابی می بایست انضباط و فنون کار را به بالاترین درجه تکامل برساند. بسا عزیمت از دیدگاه فوق لنین مطرح می سازد که تنها با سازماندهی حزبی میتوان اجرای منظم "اصول تقسیم کار" و "اصل صرفه جویی نیروها" را ممکن ساخت. لذا جهت تحقق پذیری اصل تقسیم کار حزبی مطرح میسازد:

"ضروری است که تک تک اعضای حزب و بسا گروههای عضود را راه امور مختلف حزب تخصیص یابند. عده‌ای در امر چاپ نشریات، عده دیگری در امر وارد کردن آنها از مرز، گروه سوم برای توزیع آنها در داخل روسیه و..."

سین در مقایسه با کار محلی مینویسد: "ما می دانیم که چنین تخصیص نیاز به خودداری به مراتب بیشتر، نیاز به قابلیت‌های به مراتب بیشتر برای تمرکز در کارهای روزمره کوچک و کم اهمیت که به چشم نمی آیند و نیاز به مراتب بیشتری به قهرمانی واقعی تا کار محلی دارد."

یک کوپک به نشریه کارگران کمک کند تا تبلیغ کرد. لنین مصرا نه مطرح میکند: "با بداین را بصورت سنت در آورده که هر کارگری در هر روز پرداخت حقوق، یک کوپک به نشریه کارگران کمک کند. بگذارید اشتراک نشریه رواج یابد و بگذارید آنها که میتوانند بیشتر اعانه بدهند اشتراک را بکنند همچنان که در گذشته این کار را کرده اند."

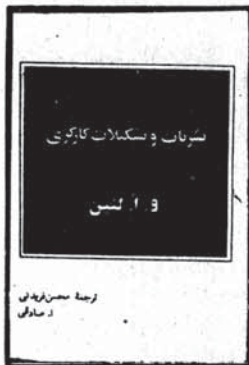
لنین سپس به مسئله ارتباط یک نشریه مرکزی و نشریات محلی و نحوه همکاری آنها در زمینه تبلیغات میپردازد و بوسیله شخصی به سه نکته در این رابطه اشاره میکند:

۱- نشریات محلی حزب می بایست **برخی** مقالات و مطالب نشریه مرکزی را دوباره چاپ کنند.

۲- بیشتر شعارها و مقالات ارگان (نشریه) مرکزی را بزبان قابل فهم برای عامه در بولتن های محلی تعبیر و تفسیر کنند و بطور مشخص با شرایط محلی و اوضاع توده‌های آن منطقه، تطبیق دهند.

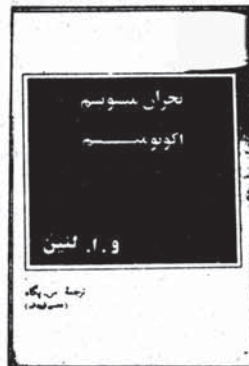
۳- نشریات محلی در شنا سازی ارگان (نشریه) مرکزی به توده‌ها بکوشند.

بلا تک مطالعه این کتاب در ارتقاء درک و آشنا شی با رهبری پرولتری موثر خواهد افتاد. و ما مطالعه آنرا به کلبه رفقا بویژه رفقای تشکیلاتی و هوادار توصیه میکنیم.



## کتابهای جدید

دو اثر از لنین را که اخیرا به چاپ رسیده است، برای مطالعه رفقا و توده‌های انقلابی معرفی می نمائیم. ما خواهیم کوشید معرفی کتاب‌های جدید را همچنان ادامه دهیم.



**امپریالیسم آمریکا نوکران  
خود را مسلح می کند!**

امپریالیسم جنایتکار آمریکا یک لحظه از مسلح کردن رژیمهای مزدور و ارتجاعی غافل نمیشود. امپریالیستهای آمریکائی با فروش اسلحه نه تنها مبالغ هنگفتی از ثروت خلقها را به بیغما می برند، بلکه بعلاوه رژیمهای ارتجاعی را مسلح میکنند تا انقلاب را وحشیانه سرکوب کنند. رژیم پاکستان که رژیم جمهوری اسلامی آنرا بیغما به یک "رژیم اسلامی و مترقی" جا میزند در واقع یکی از حکومتهای مرتجعسی است که مورد حمایت نظامی گسترده ای نکی هاست. جندی بیش امپریالیسم آمریکا مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار کمک نظامی - اقتصادی به رژیم پاکستان داد. اما علاوه بر این وام، قرار است طرف پنج سال آینده آمریکا دو میلیارد و پانصد میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی در اختیار رژیم مزدور پاکستان قرار دهد. بر اساس همین قرارداد پنج ساله اخیرا دولت پاکستان توافق نموده ۱۵ هواپیمای بمب افکن "اف - ۱۶" به پاکستان تحویل دهد. این هواپیمایها که توسط کمپانی "جنرال داینامیک کورپوریشن" ساخته میشود هر کدام ۱۴/۵۰ میلیون دلار قیمت دارد. در واقع پس از سقوط رژیم شاه خائن آمریکا بیش از پیش به تسلیح رژیمهای وابسته بخود بخصوص عربستان سعودی و پاکستان پرداخته تا بدین ترتیب بتواند خلا ناشی از حضور رژیم شاه را پر کند و پرواضح است که این کمپانی نه تنها فدا انقلاب را در برابر آمریکا رگمیران و زحمتکش را مسلح میکند، بلکه بعلاوه این امکان را بوجود می آورد تا آمریکا از طریق رژیمهای دست نشانده خود در منطقه کمربند حفاظی در مقابل سوسال امپریالیسم شوروی را مستحکم سازد.

بعلاوه هما نظور که میدانیم پس از کودتای امپریالیستی شوروی در افغانستان امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا به تسلیح سازمانهای فدا تقیابی اسلامی در این کشور پرداخته تا بدین ترتیب بتوانند بیغما بله با روسها بپردازند. فعالیت این سازمانها که ما هیتا متنا دبا مبارزات نوده های زحمتکش افغان علیه رژیم وابسته "مببرک کارمل" می باشد در جهت منافع امپریالیستهای قرار داده همین خاطر کشورهای سرمایه داری غرب از طریق رژیم وابسته پاکستان مزدوران افغانی را مسلح مینمایند. در سال ۱۹۸۱ این کشورها مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار در اختیار پاکستان قرار دادند تا سازمانهای اسلامی فدا تقیابی افغانستان به فعالیت خود ادامه دهند. بعلاوه موسسات بین المللی امپریالیستی غرب قول داده اند تا برای سال مالی آینده مبلغ یک میلیارد و یکصد و هفتاد میلیون دلار به پاکستان بدهند.



**اخبار  
ومسائل  
جهانی**

این مبلغ که نهمصد میلیون دلار بیش از کمک سال جاری است، برای حمایت از مزدوران افغانی میباشد.

بدین ترتیب درمی یابیم که چگونه امپریالیسم آمریکا ونیز سا برا میریالیستهای غربی رژیم سرسپرده ضیا الحق را مسلح مینماید و چگونه رژیم پاکستان با تمام قدرت بهاریان جهانی خود خدمت میکند. این واقعیت یکبار دیگر نشان میدهد که زیر حجاب اسلامی، رژیمهای ارتجاعی بزرگترین خدمتها را به امپریالیستها میکنند. خدمتها که جز خیانت همه جانبه نسبت به منافع خلق معنای دیگری ندارد.

**بحران اقتصادی  
در شوروی  
سوسیال امپریالیستی!**

سخنرانی برژنف مرتد در کنفرانس ۲۶ حزب رویزیونیست شوروی علیرغم تمام عوام فریبیها، یکبار دیگر نشان داد که جامعه سرمایه داری شوروی دچار بحران اقتصادی می باشد. یک اقتصاد سوسیالیستی هرگز مواجه با بحران نمیباشد. زمانی که بر اقتصاد دود حاکم است، زمانی که بر اقتصاد دینا نون هرج و مرج و آنارشی غلبه دارد، زمانی که هدف اقتصاد دهنه تا منین منافع کارگران و سایر زحمتکشان، بلکه تا منین سود هر چه بیشتر بورژوازی می باشد، آری در چنین هنگامی اقتصاد نمیتواند بدون بحران باشد. اقتصاد شوروی از آنجا که یک اقتصاد سرمایه داری امپریالیستی میباشد دستخوش بحران بوده و ما میتوانیم نشانکات این بحران را در تشدید استعمار طبقه کارگر، در رشد بیکاری، در بحران کشاورزی و در کاهش آهنگ تولید در این کشور مشاهده نمائیم. نمونه زیر یکی از دهها مواردی است که بروشنی واقعیت بحران در شوروی سوسیال امپریالیستی را ثابت میکند.

برژنف خیا ننگا در نطق خود بر نامه اقتصاد دی پیش بینی شده را به این ترتیب

اعلام نمود:

بیش بینیهای اقتصادی

الف - سهم برداشت شده از درآمد ملی برای مصرف انباشت	۹۰ - ۱۹۸۰	۴۰ درصد
ب - سرمایه گذاری	۹۰ - ۱۹۸۰	۴۰ درصد
ج - محصول ناخالصی (درآمد ملی)	۸۵ - ۱۹۸۰	۲۰ - ۱۸ درصد
د - تولید صنعتی	۸۵ - ۱۹۸۰	۲۸ - ۲۶ درصد

رویزیونیستهای شوروی در پایان هر برنامه اقتصادی، بر نامه محدودی ارائه میکنند اما هرگز برنامه ها نمیتوانند به هدف پیش بینی شده خود دست یابند. گذشته از این امر، اگر ما مقایسه ای میان ارقام فوق و ارقام سالهای گذشته بکنیم بوضوح مشخص میشود که اقتصاد شوروی دستخوش بحران است.

اگرنگاهی به کتاب حاوی سخنرانی برژنف بیا نداء زیم متوجه میشویم که:

- بندالف در دهه ۸۰ - ۷۰ ارزش ۵۵ درصد بر خوردار ر بوده، در حالی که برای دوره ۹۰ - ۸۰ به میزان ۳۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- بندب در دهه ۸۰ - ۷۰ ارزش ۶۶ درصد بر خوردار بوده، حال آنکه برای دوره ۹۰ - ۸۰ به میزان ۴۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- بندج در بر نامه پنجاهم نسبت به بر نامه نهم ارزش ۲۹ درصد بر خوردار ر بوده، در حالی که برای بر نامه یازدهم (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۰ - ۱۸ درصد پیش بینی شده است.
- بندد در بر نامه پنجاهم نسبت به بر نامه نهم ارزش ۳۳ درصد بر خوردار ر بوده، حال آنکه برای بر نامه یازدهم (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۸ - ۲۶ درصد پیش بینی شده است.

این واقعیتها نشان میدهد که چگونه اقتصاد بحران زده شوروی در موقعیت رکود به سر برده و فدا در نیست آهنگ رشدیهای قبیل خود را بحران نمایند. این واقعیتها یکبار دیگر مشت محکمی بر دهان رویزیونیستهای خائن توده ای و اکثریتی کوبیده و تبلیغات عوام فریبانه آنها را رسوا می سازد. این واقعیتها یکبار دیگر نشان میدهد که در شوروی سرمایه لیسم بلکه سرمایه داری امپریالیستی حاکم است.





# نظاہرات عظیم ۱۰۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!



در میدان فردوسی، توده‌های مبارز ما شین پا سداران را به آتش کشیدند.

وتفنگ وحشیانه به  
کشتار مردم اقدام کرده  
عده‌ای را بشها دترسانده  
وصدها نفر را زخمی و  
دستگیر نمودند.  
میدان فردوسی از خون  
شهیدان گلگون شد و لکه  
ننگ دیگری بر دامن  
رژیم جمهوری اسلامی  
نشست. با این حمله  
وحشیانه

نظاہرات از یک خملت کاملاً انقلابی برخوردار نبود و فاقد مضمون دمکراتیک و تیسیم‌پیکر بود. مجاهدین حتی میکوشیدند تا جمعیت را وادار به گفتن "درود بر بنی مدر" بکنند، اما عده معدودی این شعار را سرداده و خیلی فوری نیز قطع میگردد. در واقع توده‌های مبارز تمایلی به بیان این شعار نداشتند و ما هیت انقلابی آنها بطور غریزی این شعار را آشکارا لیبیرالسی را پس میزد. اما بهرحال مسئله‌ای که بسیار مهم است اینست که کمونیستها میبایست هر چه بیشتر در اینگونه نظاہرات شرکت کرده و سطح شعارها را بسوی دمکراتیک و انقلابی ارتقا بخشند. کمونیستها با بدبخت لیبیرالهای خائن را که میکوشند بر جنبش سوار شوند آفشاء کرده و به توده‌ها نشان دهند که لیبیرالها نیز مانند حزبی‌ها دشمن زحمتکشان می باشند و بهیچوجه نمی توانند مدافع آزادی بیسرای توده‌های زحمتکش باشند. بعلاوه کمونیستها با بدنا پیگیری شدید مجاهدین را بر ملا ساخته و به کارگران و سایر زحمتکشان نشان دهند که فقط به آتکاء یک مبارزه انقلابی علیه کل بورژوازی است که میتوان به دمکراسی واقعی دست یافت. نظاہرات دیروز و گسترده‌گی آن بنا نگرا این مسئله بود که حرکت اعتلائی جنبش با زهم به مسیر فزاینده خود ادامه داده و علیرغم سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به سردمداری حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد. کارگران و سایر توده‌های مبارز در تجربه خود به آتکاء فعلی آگاه - گران کمونیستهای راستین، عوام فریبیهای لیبیرالها را رسوا خواهند ساخت و بسوی انقلاب به پیش خواهند رفت.

بکبار دیگر توده‌های مبارز در تجربه خود دیدند که رژیم جمهوری اسلامی فقط به آتکاء گلوله و فریب مردم می شواند پا برجا بماند، بکبار دیگر در تجربه خود فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار خلق هیچ دست کمی از رژیم جنایت پیشه پهلوی ندارد، بکبار دیگر فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه داران است.  
پس از خون کشیده شدن نظاہرات عظیم، نظاہرکنندگان به بخشهای مختلف تقسیم شده و دوباره با روحیه‌ای رزمنده به نظاہرات دست زدند. در خیابان طالقانی یک ما شین جهاد را مورد حمله انقلابی قرار دادند و به یک مینی-بوس حامل فالانژها شدت با سنگ و چوب حمله کرده و تمام شیشه‌های آنرا می شکنند و بسپس به آسپس راه بسندان در وسط خیابان می پردازند و با سنگ و چوب به طرف سفارت امبریا لیسیم آمریکا حمله می برند.  
این نظاہرات عظیم بنا نگریه نمایش گذاردن خشم و نفرت توده‌های مبارزی بود که از جنایات و ستمگریهای رژیم حاکم و حزب جمهوری به ستوه آمده‌اند. اما مسئله مهمی که باید بدان توجه شود این است که مجاهدین می کوشیدند تا شعارهای لیبیرالی را در میان مردم نفوذ دهند. شعارهای نظاہرات از جمله عبارت بود از: "حزب چماق بدستان با یسد بره کورستان"، "مرگ بر بهشتی"، "نصر من الله وفتحاً قریب مرگ بر این جزئیک مردم فریب" "بهشتی، رجائی خلق آمده کجا شی؟"، "زندانی سیاسی، آزادی بدگردد"، "مرگ بر استبداد، سلام بر آزادی ..."  
هما نظور که می بینیم شعارهای مسلط بر

شنبه ۳۰ خرداد تهران شاهد نظاہرات عظیم مردم بود، نظاہراتی که بیش از صد هزار نفر در آن شرکت نمودند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بخود لرزانده. توده‌های که دو سال تمام دروغ و فریب رژیم حاکم را دیده‌اند، توده‌های که دو سال سرکوب و خفقان را تجربه کرده‌اند، توده‌های که طی دو سال اخیر جز فقر بیشتر، بیکاری بیشتر، تورم و گرانی بیشتر چیز دیگری ندیده‌اند، مشتاقانه به صف نظاہرات عظیم می پیوستند. توده‌ها در نظاہرات شرکت کردند تا نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، سردمداران آن و حزب منافور جمهوری اسلامی به نمایش بگذارند. صف انبوه نظاہرات ساعت ۴ بعد از ظهر از چاه راه مصدق بسمت بالا آمد و سپس به خیابان طالقانی (تخت جمشید) پیچید. در طول نظاہرات مردم کوچ و خیابان به جمعیت نظاہرکننده می پیوستند. مردم از پنجره‌های خانه‌های خود برای نظاہرکنندگان کف میزدند و مشت‌های گره کرده خود را بالا می گرفتند. آنها به هیجان آمده بودند. در مسیر خیابان طالقانی چند موتور متعلق به پاسداران به آتش کشیده شدند و چندین نفر از پاسداران که در لباس شخصی قصد حمله داشتند شیدا مورد ضرب و شتم توده‌های مبارز قرار گرفتند.  
نظاہرکنندگان هر جا که عکس سردمداران رژیم و از جمله خمینی را می دیدند پا ره میکردند و با آگریه شیشه‌دارات دولتی بود با سنگ مورد هدف قرار میدادند.  
صف نظاہرات از خیابان بهار بسمت جنوب آمده و سپس در خیابان انقلاب بسوی میدان فردوسی حرکت نمود. تمام عرض خیابان و تمام طول خیابان از خود و پیچ شمیران تا میدان فردوسی مملو از جمعیت نظاہرکننده بود. در مسیر خیابان انقلاب چند موتور دیگر از پاسداران جنا پتکار و حزب اللهی‌ها به آتش کشیده شدند. در طول نظاہرات تا میدان فردوسی آذسته‌های فالانژها سداران ژ-۳ بدست خیری نبود، آنها از وحشت در مقابل توده‌های عظیم خلق پنهان شده بودند. هنگامی که صف نظاہرات به میدان فردوسی رسید پاسداران جنا پتکار که در قسمت جنوبی میدان و روی پشت با مها مستقر شده بودند اقدام به شلیک هوائی نمودند. جمعیت فریاد می زد: "بچه‌ها مقاومت مقاومت" و با "شوپ، تاک، مسلسل، دیگران شندارد!" و با "رهبران ما را مسلح کنید!" بدنبال این شلیک هوائی جمعیت به طرف یک ما شین متعلق به پاسداران که در میدان مستقر بود حمله کرده آتکاء با با زوان بیرون خود بلیتند کرده و سرتیون گردن و بسپس با کولت مولوتف به آتش کشیدند و موتور دیگری را نیز آتش زدند. در این هنگام پاسداران جنا پتکار روغن آتکاء به سمت صف نظاہرات شلیک کردند. آنان با مسلسل

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



## بخشش از دسترنج زحمتکشان برای که؟

**خبر**  
۶۰/۳/۱۶

### ۱۰۸ دستگاه اتوبوس واحد بطور

### رایگان در اختیار نهادهای انقلابی

### شیراز قرار گرفت

شهرداری شیراز به استغافه  
از تبریز بطور رایگان  
۱۰۸ دستگاه اتوبوس  
یک روزه در اختیار نهادهای انقلابی  
شیراز قرار دادند. این دستگاهها  
سپاه پاسداران شیراز  
کمیته فرهنگی  
آنها را ستاد مرکزی  
جمهوری شیراز قرار دادند.  
ما هست.

مختلف بدنبال خود میکشاند، مشا هده نما شیم...  
طبق خبر روزنامه "عبر" (شیراز) شهرداری  
شیراز ۱۰۸ دستگاه اتوبوس در اختیار نهادهای  
انقلابی در واقع ارگانهای سرکوب و تحمیق  
توده ها و به رایگان قرار داده است. شهرداری  
شیراز که در قبضه مرتجعین حزب جمهوری اسلامی  
است ۱۰۸ دستگاه اتوبوس را که از دسترنج و خون  
زحمتکشان تهیه شده اند به رایگان در اختیار:  
■ ستاد بسیج سپاه پاسداران "قرار  
میدهد تا در اسرع وقت اوباشان مسلح را جهت  
سرکوب توده های انقلابی و کمونیست بفرستد؛  
■ "بنیاد شهید" قرار میدهد تا از کیسه  
زحمتکشان برای عوام فریبی و تبلیغات  
ارتجاعی استفاده نماید؛

■ "بنیاد فرهنگی مجد آتشی ها"، "ستاد  
برگزاری مراسم دعای کمیل" و "ستاد برگزاری  
نماز جمعه" قرار میدهد تا برای تحمیق توده ها و  
تاشید زورگی گرفتن از آنان جهت قطعنامه های  
ارتجاعی و از جمله به رخ رقیب لیبرال کشیدن  
تعداد آنها و... سودجوید.

کارگران و زحمتکشان ایران!  
در مقابل غارت دسترنج و ادا ما استعمار  
خود بدست مزدوران سردمداران رژیم جمهوری  
اسلامی و بیوزنه جناح حزب جمهوری اسلامی  
و سو استفاده ها، سوطشه ها و تیرنگهای  
رژیم در سرکوب، تحمیق و فریب توده ها، مبارزات  
خود را گسترش داده و با درهم شکستن تشبثات  
جناح حزب، عوام فریبی ها و فریب دهای دروغین  
آزادی خواهی لیبرالهای ضد انقلابی را نیز  
افشا و طرد نما بیم.

به پیش برای مبارزه در راه پیروزی  
انقلاب و سوسیالیسم!

روشنائی صبح از منزل بیرون آید تا بتوانند  
خود را بموقع سرکار برسانند تا با قطع دستمزد،  
کسر حقوق و انواع تضییقات دیگر کار فرما  
روبروشوند.

روژیم جمهوری اسلامی بنا بر اینست  
نخواستند و نمیخواهد که کوچکترین قدمی در  
جهت حل این مشکل زحمتکشان بردارد و چنین  
انتظاری نیز از او نمیرود.

اما سردمداران مرتجع رژیم جمهوری  
اسلامی برای نیل به هدف و مقاصد خود موافقت  
خود صدها هزاران اتوبوس آماده میکنند. کافی  
است که بهنگام برگزاری برنامه های حزب  
جمهوری اسلامی نگاه به اطراف محل برنامه  
ببیند از کم تا صاف طولانی اتوبوسها و کامیونها  
را که برای ایجاد سیاهی لشکر با تهدید و آغساب  
و نیز سو استفاده از معتقدات مذهبی و توهمات  
توده ها، مردم نا آگاه را از روستاها و محلات

زحمتکشان میهن ماها نظوریکه از همه  
نیا زهای حداقل زندگی بی بهره هستند،  
هما نظوریکه از گرانای، قحطی، بی مسکنی، نبود  
بهداشت و... کارمندان رژیم سرمایه داری  
میباشند درنج می برند، برای رفت و آمد و حمل و  
نقل روزانه خود نیز با مشکلات فراوانی روبرو  
هستند.

توده های زحمتکش، زنان پیروز، مردانیکه  
کمرشان در زیر ستون استوار خمش شده است، کودکان  
بیمار با بد در زیر برف زمستان و آفتاب سوزان  
تا بستان ساعتهای در انتظار اتوبوس صف بکشند و  
چه پیشما هستند زحمتکشان در بیماری که در اثر  
دسترس نداشتن به وسیله نقلیه قبل از رسیدن  
به دکتر و بیمارستان میمیرند، کارگران زحمتکش  
با پدیداری رسیدن به محل کار خود بدون دریافت  
دیناری بخاطر ساعتها وقتیه که در راه رسیدن به  
کارخانه و کارگاه تلف میکنند با بد قبل از

## نمونه دیگری از حقوقهای کلان مرتجعین "مکتبی"!

جمهوری اسلامی و جبا ولهای نظیر آنرا با رها  
افشاء کرده ایم.

دربزرگندگی را که میبینید مربوط به ریخته  
شدن ۱۴ هزار هفتصد و پنجاه و پنج تومان  
(۱۴۷۵۵۹ ریال) بابت حقوق خردادما "حسین  
محمدی تربیتی" رئیس کل سازمان قند و شکر از  
زعماي حزب جمهوری اسلامی به حساب وی و آنهم  
یکهفته قبل از پایان خردادما میباشد. (البته  
این مقدار ریس از کسر چند هزار تومان بابت  
مالیات برداشت شده است و اصل حقوق ایسن  
مکتبی مرتجع ۲۰ هزار تومان میباشد.)

آری! مرتجعینی چون تربیتی "حزبی" که  
چندی پیش در یک معامله خرید شکر با همدستی  
شرکای حزبی اش ۱۶۰ میلیون دلار از دسترنج  
شما زحمتکشان را بالا کشیدند، حقوقهای کلان  
می گیرند و با وقاحت تمام زحمتکشان ما را به  
قناعت و بردباری، تولید بالا و مزد کم و...  
دعوت میکنند، این منطقی همه سرمایه داران است.

کارگران و زحمتکشان ایران!

در حالیکه سردمداران "مکتبی" رژیم  
جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای عادلانه  
و بحق شما برای گرفتن بخشی از دستمزدتان  
(عمدی، بیاداش، سود ویژه و...) پاسخی جز  
اخراج، زندان و گلوله پاسداران به شما  
نمیدهند و در شرایطی که کارکنان جنگزده هنوز  
نتوانسته اند حقوقهای عقب مانده ماها را گذشته  
و حتی بخشی از آنرا از حقوق سر ما به داران بیرون  
بکشند.

در حالیکه سران جمهوری اسلامی فریبکارانه  
توده های زحمتکش را به قناعت و مسختن بسا  
"نان و پنیر" و... دعوت کرده و ادعا میکنند که  
حداکثر حقوق **وزرا** فقط ۷ هزار تومان است  
مقامات مرتجع و حزبی رژیم جمهوری اسلامی  
حقوقهای کلان ۲۰ هزار تومانی و... دریافت میکنند.  
ما در گذشته حقوق بیست و چند هزار تومان  
غرضی مرتجع استاندار غوزستان و از سران حزب

شماره ۳۵۵  
تاریخ: ۱۳۰۷/۲/۲۲  
روزنامه: پیکار  
سازمان: حزب کمونیست ایران  
آدرس: بانک طبرستان شعبه آرک  
از: اداره کل امروالی قند و شکر  
چک شماره: ۱۱۰۲۴۸-۱۱۰۲۴۸-۶۰/۳/۲۴  
جهت: واریز به نام و حساب شماره: ۱۴۷۵۵۹ ریال  
شماره: ۴۰۲۸۴ آن شعبه پایتختین یکماهه خردادما  
سازمان: آقایان حسین محمدی تربیتی رئیس کل سازمان قند و شکر  
شکرا بفرستند شماره: ۳۶۵-۶۰/۳/۲۴  
گواهی باین اداره داده فرمایند  
مظہری  
معاون اداره کل امروالی  
گیرنده مرتجع

مرگ خوبست اما برای همایه!  
زحمتکشان ما تنها با اتحاد و همبستگی  
طبقا تی و ادا ما مبارزه است که میتواند خندق خود  
را از گلولوی سرمایه داران بیرون بکشند!  
مبارزات خود را بر علیه رژیم جمهوری  
اسلامی تا پیروزی نهائی ادا ما دهیم!

## بنفیه از صفحه ۲ سرمقاله...

در این شرایط است و اگر این درست است که لیبرالها، علیرغم وحدت طبقاتی با حزب، در بستری مبارزه توده‌ها و برپا به تضاد ضد-انقلابی شان بطور عمده نقشی در سرکوب و عربان رژیم نداشته (نه اینکه خواهان سرکوب نیست!) و عملاً در صحنه سیاسی کشور بی‌عوا مغربمی و فریفتن توده‌ها مشغول بوده و می‌کوشند، منافع مستتر در ضدیتش با حزب را، منافع نهفته در مبارزه توده‌ها با روند سرکوب و اختناق حزب جا بزنند، و در این راه موفق شده‌اند با برانگیختن توهم توده‌ها نقش مهمی در مخدوش کردن مرزوموکراسی انقلابی و لیبرالیسم ضد انقلابی و ارتجاعی خود داشته‌اند، آری اگر اینها واقعیت‌های عینی کنونی هستند، بنا بر این تاکتیک پرولتاریا باید بر چسبان مبنای استوار باشد که اولاً در برابر تعرض بالفعل حزب در هجوم به انقلاب و دست‌آورد های دموکراتیک آن، مقابله نماید و آن را به گامی در جهت تکامل مبارزه خویش بر علیه کل نظام تبدیل سازد، و ثانیاً عوام مغربمی لیبرالها را در بستری مبارزه افشا نموده و نفوذ ضد انقلابی آن را در میان توده‌ها، در بستری مبارزه و تجربه آتی توده‌ها از یکسو و تجربه گذشته آنها از سوی دیگر از میان ببرد، و ثالثاً با درهم شکستن این توهمات، در بستری تجربه توده‌ها آنها را به دموکراسی انقلابی و نیروهای انقلابی مدافع آن نزدیک سازد و ایده سرنوشتی کل رژیم طبقاتی حاضر را در ذهنیت آنان پرورش دهد.

تحقق اهداف فوق نیازمند ریش گرفتن تاکتیک ذیل است: اولاً باید برای خارج کردن مبارزه توده‌ها و جنبش انقلابی از زیر ضربه ضد انقلابی بورژوازی، که اکنون توسط جناح معینی از آن یعنی حزب، سازمان داده می‌شود، و گام استثنائی خود را در جهت تشدید سرکوب و خفقان و تشدید هجوم به آزادی‌های دموکراتیک یافته است، متمرکز کرده و با تمرکز نقل مبارزه در این بستری بر این نیرو اردوی انقلاب را به جلوسوی داد.

ثانیاً باید وسیعاً بر علیه بورژوازی لیبرال و عوام مغربمی‌های آن در همسویی ظاهری با انقلاب و دلسوزی ریاکارانه به حال انقلاب و "آزادیها" به افشگری پرداخت و نفوذ آن را در جنبش مورد ضربه قرار داد. افشگری بر علیه لیبرالها با چنین مضمونی درست به معنای وارد آوردن ضربه به آن از همان دری است که وارد شده است! در غیر این صورت بی‌گمان، ضربه ما جز تیریه تاریکی انداختن، و خارج کردن لیبرالیسم ضد انقلابی از جهت اصلی ضربه‌ای که متناسب با کارکردش با بدسیر آن وارد آید، نخواهد بود.

طرح شعار اساسی دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در شرایط کنونی، و به پیش کشیدن مطالبات مشخص یا مضمون دموکراتیک و انقلابی، تنها اهرمی است که می‌تواند هم‌اکنون را در برابر تعرض حزب به آزادی‌های دموکراتیک بسج و گردآوری نموده و مبارزه آنها را در جهت مقابله با این تعرض بطور یکپارچه به حرکت اندازد، و هم‌عوا مغربمی لیبرالها و ضدیت واقعی آنها را با دموکراسی انقلابی در بستری مبارزه خنثی نماید.

مطالبات دموکراتیکی همچون ایجاد شوراها و واقعی، دفاع از آزادی مطبوعاتی و اجتماعات، و مطالبات مشخص در رابطه با جنبش خلق کرد (متناسب با همین شعار اساسی دفاع از آزادی‌های دموکراتیک) که خواست‌ها و مطالبات عینی و ملموس توده‌ها هستند، صرف نظر از اینکه بطور آشکار و بی‌مطالبات لیبرالی مرزبندی می‌کنند؛ آنها را در برابر خواست‌هایی قرار میدهند که توده‌ها خواهان آنند و به مبارزه برای تحقق آن تمایل ملموس نشان می‌دهند، اما لیبرالها به حکم ماهیت طبقاتی و مضمون حرکت و تضاد خویش، از پاسخ گویی و همراهی با آن عاجز و ناتوانند و هیچگاه خواهان تحقق آن نیستند (هرچند که ممکن است در شرایطی بحکم اجبار، و برای حفظ موقعیت و نفوذ خود، عوام مغربمی‌ها به اجزائی از این مطالبات تن در دهند بدون آنکه خود خواهان آن باشند تجربه بسیار این عقب نشینی‌ها را نشان داده است.) این مطالبات به توده‌ها اجازه می‌دهد که به تجربه خود، سیما و واقعی لیبرالها را بازشناسند و بتدریج از آنها فاصله بگیرند.

طرح این مطالبات به معنای آنست که ما ایده سرنوشتی را بطور غیر مستقیم به میان توده‌ها می‌بریم. وقتی که ما در کنار تبلیغ ایده جمهوری دموکراتیک خلق (که خود به معنای بردن غیر مستقیم ایده سرنوشتی به میان توده‌هاست)، این مطالبات را که خود بخشی از مطالبات حداقل پرولتاریاست به پیش می‌کشیم، و توده‌ها را به حول آن بسج می‌نمائیم؛ این امر به معنای آنست که بدون جدا شدن از بستر مبارزات توده‌ها - چیزی که برای ما حائز اهمیت فراوان است - آنها را بطور غیر مستقیم و بانگیکه بر تجربه خودشان به سمت ایده سرنوشتی سوق داده ایم. ما با طرح این مطالبات لیبرالها را در پیش توده‌ها بطور آشکار به محاکمه میکشیم و محبت واقعی حرکت، تضاد و همسویی آنان را بر ملا می‌بازیم. طبیعی است که تجربه گذشته توده‌ها پس از قیام یعنی در زمانیکه لیبرالها با حزب مشترکاً بالفعل به سرکوب انقلاب دست می‌زدیدند، در اینجا به کمک ما می‌آید و ذهن توده‌ها را در بستر کارآکا هکرا نده

ما به سمت ماهیت واقعی لیبرالها و مطالبات آنها، معطوف می‌گرداند.

البته روشن است که طرح این مطالبات به معنای آن نیست که در چهار چوب قانونیست رژیم جمهوری اسلامی، اساساً قابل تحقق است؛ هرچند که ممکن است، فشار نیروی جنبش در جریان توسعه و گسترش آن برخی از آنها را از چنگال بورژوازی حاکم بیرون کند و تحقق آن را تحمیل نماید. طرح این شعارها و مطالبات، صرف نظر از تحقق برخی از آنها و با عدم تحقق آن، اساساً هدف تکامل مبارزه توده‌ها و وسوسه دادن آنها در مسیر انقلاب را دنبال می‌کند. این مطالبات، با توجه به زمینه عینی پذیرش توده‌ای آنها در شرایط حاضر، بهترین بستری است که می‌تواند این جنبش و مبارزه توده‌ها را تکامل و ارتقاء دهد.

بدین ترتیب، شعار دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی در شرایط حاضر بهترین اهرمی است که در این شرایط توسعه و گسترش انقلاب را تضمین و تأمین خواهد نمود و ما را در بردن ایده سرنوشتی به میان توده‌ها، متکی به تجربه خودشان به بهترین نحوی یاری خواهد نمود. ما در شمارهای بعدی در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی را به اهرمی در جهت گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

## بنفیه از صفحه ۱

دولت ارتجاعی رجائی در جلسه دوشنبه ۶۰/۳/۲۵ تصویب نموده است که:

- مبلغ سی میلیون ریال وام جهت تأمین مخارج پلیس قضائی

- مبلغ دویست میلیون ریال وام جهت تأمین هزینه‌های اضطراری در استان کردستان

بپردازد ("صبح آزادگان" - ۲۶ خرداد ۶۰)

کیست که نداند "پلیس قضائی" ابزار سرکوب دیگری است در دست شورا عالی قضائی به سردمداری بهشتی مرتجع و کیست که نداند تا مین هزینه‌های اضطراری در کردستان، جز تا مین بخشی از هزینه‌های سرکوب و کشتار خلق قهرمان کرد هیچ مفهوم دیگری ندارد.

کارگران و زحمتکشان ایران:

تنها با تشدید و گسترش مبارزه انقلابی علیه سرمایه‌داری وابسته ایران و اتحاد و همبستگی انقلابی میتوان با توطئه‌ها و یورشهای و حشانه رژیم جمهوری اسلامی به سردمداری حزب جمهوری، علیه انقلاب و خلقهای زحمتکش مقابله کرد. با ادا ما مبارزه واقعی را گامهای سرکوبگر رژیم توطئه‌های خائسانه سردمداران جمهوری اسلامی را بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی درهم شکنیم!

**کارگران! در صف مقدم مبارزه برای دفاع از آزادی‌های دموکراتیک و ایجاد شوراهای واقعی به پیش!**



بقیه از صفحه ۴ کارگران ۴۰۰

و کارمندان ، بلکه با فریب و خیرنگ و با زور مسلسل و گلوله با ساداران سرمایه عملی شده است . دولت و هیئت مدیره اش برای بالا بردن تولید همواره مبارزات با حق ماکارگران شرافت - مند را با گلوله و گازاکت آو رپا بیخ گفته ، دست به اخراج وسیع کارگران آگاه و مبارز زده ، ساعت کارمان را از ۴۰ به ۴۸ ساعت افزایش داده ، در بعضی از شرکتها ی گروه اضافی کاری اجباری را برقرار کرده و خالام خیال خام گرفتن پنجنشینه ها یمان را در سر می پروا راند!

اما ما دما به مبارزات قدرتمند و متحدان ما کارگران زحمتکش منت محکمی خواهد بود بیداران این دروغویان!

مرگ بردشمانا طبقه کارگر!

پیروز باد ما مبارزات طبقه کارگر!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

### “جلوگیری از اخراج کارگران کروب: عوامفریبی رژیم جهت پوشاندن قراردادهای امپریالیستی!

رژیم جمهوری اسلامی در جهت وابستگی هر چه عمیقتر و سریع ترش به امپریالیستها با در جای پای رژیم شاهش گذاشته و با بستن قراردادهای جدید با امپریالیستها و حبسای قراردادهای اسارت با گذشته ، خدمت خودیسه امپریالیستها و خیانت آشکار خود را به کارگران و زحمتکشان ، بوضوح نشان میدهد . هم اکنون قراردادهای چون قرارداد دیا “تالیسوت” انگلستان و “کروب” آلمان و قراردادهای چند میلیونی اسلحه با امپریالیستها ی رنگارنگ ، بوجی فریادهای دروغین “فدا امپریالیستی” را با نشانیات رسانده و به یمن همین قراردادهای سنگین رژیم ضد خلقی با تکیه بر امپریالیستها ، مبارزات کارگران و توده های زحمتکش را تا جا شیکسه بنوا ندمر کوب کرده و دستا وردهای مبارزاتی آنان را بس میگیرد . رژیم برای منتقل کردن با بحران اقتصادی و سیاسی خود بدو شرکت کارگران که ناشی از بحران جهانی امپریالیسم است ، دست به اخراجهای دسته جمعی کارگران میزند و با زینا بر همین مایهت سرمایه داران شاه ، چهره دروغین دفاع از کارگران را به خود میکشد . سند زیر نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه اخیرا در یکجا حدود ۱۰/۰۰۰ کارگر صنایع فولاد ا هوارا اخراج کرده است چگونه با عوامفریبی به اخراج ۵ هزار از کارگران

انصارا امپریالیستی “کروب” که از آنها سدازان آن نیز میباشند ، اعتراض میکند :

**نمایندگان ایران مانع اخراج ۵ هزار کارگر از کارخانجات فولاد کروب آلمان گردید**

رادو کین - سواد استانبول وزیر معادن ایران در ملاقات وزیر معادن آلمان در برلین اعلام کرد که دولت آلمان با امپریالیسم کروب برای غلبه بر اقتصاد آلمان همکاری نخواهد کرد .

وزیر معادن آلمان در ملاقات با نمایندگان ایران در برلین اعلام کرد که دولت آلمان با امپریالیسم کروب برای غلبه بر اقتصاد آلمان همکاری نخواهد کرد .

وزیر معادن آلمان در ملاقات با نمایندگان ایران در برلین اعلام کرد که دولت آلمان با امپریالیسم کروب برای غلبه بر اقتصاد آلمان همکاری نخواهد کرد .

کیهان یکشنبه ۲۶ خرداد ۶۰  
احمدزاده مرتجع نماینده رژیم در مخالفت با طرح اخراج ۵ هزار کارگر کروب میگوید که “طبق عقیده واید شولوزی ماسرو نشانیاتنا مهمتر از امور و مصالح اقتصادی است .” احمدزاده چه کسی را میخواهد و میتواند فریب بدهد؟ آیا با اخراج ۱۰/۰۰۰ تن از کارگران که در شرایط جنگ ارتجاعی و تورم کمتر شکن سیستم سرمایه - داری با فقر و فلاکت روز افزون دست بگریبان هستند ، به نفع آنها نبود؟

آیا اید شولوزی سرمایه داران نه رژیم جمهوری اسلامی مصلحتی جز اخراج برای کارگران میبیند؟ سببید چگونه غرضی مرتجع استاندار خوزستان اخراج کارگران را مری موجه جلوه میدهد :

... استان خوزستان گفت : بخاطر وابستگی این صنعت به آمریکا و عدم اجرای قرارداد توسط آمریکا شایه پس از شکست سیاسی شان در ایران ، آنها دیگر نخواهند این صنعت گسترش پیدا کند . لذا دولت سعی میکند کارگران این صنعت را به کارهای دیگری بگمارد . . . . استاندار خوزستان در پاسخ این سؤال که آیا قصد گشایش مجدد کارخانجات صنایع فولاد را دارد یا خیر گفت : در مورد صنایع فولاد چون هنوز به تولید نرسیده ایم معلوم نیست میتوانیم یا ظرف دیگر قرارداد که متجاسرانه به قرارداد نگاه میکنند عمل کنیم و بعد است که آمریکا با ما دوست خودشان ، حاضر باشد قرارداد را به اجرا بگذارد .

اطلاعات ۶۰/۳/۲۵  
وقا حتم حدی دارد . رژیم از یکطرف بخشی از صنایع “کروب” امپریالیسم آلمان را به خاطر جلوگیری از ورشکسته شدن آن میبرد ، و از طرف دیگر گشایش صنایع فولاد را به یانه همدستی آلمان با آمریکا و اینکه بعید است مجددا با ایران قرارداد ببندد ، عملا منتفی اعلام میکند . از یکطرف کارگران صنایع فولاد ا هوارا اخراج میکنند و از طرف دیگر برای کارگران آلمان نی دل سوزانده و درصدد جلوگیری از اخراج آنها بر می آید !! اما حنا ی رژیم دیگر رنگی ندارد . بیولتاریای آگاه ایران به همراه بیولتاریای آلمان و جهان ، تنها راه نجات خود را در سرنگونی سیستم جهانی سرمایه - داری دیده و تشکیلات خود را جهت پیشبرد این مبارزه مقدس و انقلابی سازمان میدهد .

بقیه از صفحه ۲۲ بودجه ۴۰۰

خود میگذارد و فریبکارانه خود را طرفدار مکرسی و حقوق مردم جامیزند ، بنی صدر در نقد بودجه دولت میگوید : “ما در کبریتولید و روابط تولید هستیم ، ما تکلیف روابط با نونی را در بخش های مختلف فعالیت های اقتصادی روشن نکرده ایم . ما مشکل روابط اجتماعی داریم ، ” عدم امنیت قضائی و فقدان روابط حقوقی مشخص میان اجزای تولید و ما حان عوامل تولید ما را به توسعه واردات و اذرا خواهد کرد . سرمایه هاراکد خواهد ماند و سرمایه را کدراه فرار میجوید و جلوگیری از انهم عملا غیر ممکن است . ” (انقلاب اسلامی ۱۳۶۰/۲/۱۶)

منظور بنی صدر از “مشکل روابط اجتماعی” و “درگیری روابط تولید” و “عدم امنیت قضائی” چیست ؟ طبعا اونگران امنیت قضائی برای توده های مردم نیست ، و در واقع خواهان تامین اطمینان و آزادی هر چه بیشتر برای سرمایه داران وابسته ، راه اندازی هر چه سریعتر چرخهای اقتصادی با سرکوب کارگران و بقول خودش حل “درگیری روابط تولید” است . و خواهان تضمین بیشتر “امنیت قضائی” برای “ما حسان و ما شل تولید” یعنی سرمایه داران است . ولی جناحهای رقیب رژیم ، علیرغم اختلافات خود در زمینه سیاست های اقتصادی و اجتماعی ، دستاویز از جنگ ارتجاعی ، تقویت ارتش و نهادهای سرکوب ، بازسازی سیستم و مقابله با بحران موجود از طریق افزایش فشار بر توده های خلق وحدت دارند .

حالا از آنچه که تا کنون گفتیم جمع بندی مختصری بعمل آوریم :

- ۱- بودجه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی آن ، بودجه ای است که در جهت تحکیم سرمایه داری وابسته ، دفاع از منافع سرمایه داران ، انتقال بیش از پیش با بحران بدو شرکت کارگران و زحمتکشان و تشدید فقر و فلاکت آنها حرکت میکند .
- ۲- با اختصاص یافتن بیش از یک کل بودجه برای تقویت و تحکیم ارگانهای سرکوب ، قصد رژیم جمهوری اسلامی برای نفی هرگونه آزادی و سرکوبشده مبارزات کارگران و زحمتکشان بر ملا میشود .
- ۳- ضمن مبارزه جناحهای مختلف بورژوازی (لیبرالها و حزبیها) بر سر بودجه اشبات میکند که اختلاف و مبارزه میان این جناحها بر سر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان نیست ، بلکه اختلاف بر سر تامین هر چه بیشتر و بهر منافع این با آن جناح از بورژوازی ضمن در نظر داشتن منافع کل طبقه بورژوازی است .
- ۴- ترکیب درآمدهای بودجه و چگونگی مصرف آن ، یکبار دیگر ما هیئت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی وضیعت نام و نام آن را با کارگران و زحمتکشان نشان میدهد .
- ۵- بودجه رژیم جمهوری اسلامی و هدفهای این رژیم با هم اشبات میکند که بدون نا بودی سرمایه داری و استقرار روسیالیسم ، راهائی کارگران و زحمتکشان از قید استعمار وستم و فقر و فلاکت امکان پذیر نیست .

(پایان)



بقیه از صفحه ۴ وضعیت ...

ب - کارگران دائم (آتشکار)  
محاسبه بر مبنای تولید ۴۵۰ تن در هفته (بکسر آتش<sup>۳</sup>)

بلکه اتفاقی زندگی کارگران را "سلولهای انفرادی" مینامند. و با درجاساتی که در وزارت کار جهت رسیدگی به وضع کوره پزخانه ها در اسفند ماه سال گذشته تشکیل گردید، تصمیمات زیر گرفته میشود:

- ۱- گاز سوز کردن کلیه کوره های زیر نظر اتحادیه صنایع فخر ادا کثرتا با این سال ۱۳۶۰.
- ۲- رعایت اصول بهداشتی و رفاهی

نوع کار	تعداد لازم	تقریب درآمد هفتگی بکمکی + مزایا	نوع کاری که انجام میدهند
۱ چرخ کش	۵	۱۴۲۹۰ ریال	خشتهای زده شده را بسویله فرکان ازمحوطه کوره به قمبرهای کوره حمل مینمایند.
۲ کوره چین و کمکی کوره چین	۱	گوره چین ۱۹۱۰۰ کمکی کوره چین ۱۶۱۰۰	خشتهای آورده شده توسط چرخ کش را با نظم خاصی در قمبرهای کوره میچینند.
۳ کوره سوز	۲ (استاد و کمکی)	استاد کوره سوز ۱۷۹۰۰ ریال کمک کوره سوز ۱۰۰۰۰ ریال	مسئولیت تنظیم سوخت کوره را برعهده دارد
۴ اجرا رکن	۳ یا بیشتر	۱۱۵۰۰ ریال	مسئولیت تیار کردن اجرا را پس از بخت پسه کامیون دارد که توسط دستیاران انجام میگردد.
۵ پای چرخ کش	۶۲۰۰ ریال	مسئولیت هموار کردن راه بین محوطه کوره و قمبرهای کوره را برای چرخ کشها برعهده داشته و علاوه بر آن وظایفی مانند تهیه غذا، چای، نان، آب، گوشت و سایر نیازها را بر عهده دارد.	
۶ زغال کش	۹۷۲۵ ریال	مسئولیت مخلوط نمودن مواد سوخت را برعهده داشته و موظف است سوخت را پس از تهیه توسط چرخ دستی نزد کوره سوز در روی قمبرها بیاورد.	
۷ عمله اربابی (کارگران متفرقه)		دستمزد بصورت روزمزدی و با توافق طرفین تعیین میگردد	برای کار فرما (آرباب) کار کرده و کارهای متفرقه را انجام میدهند.

نمایندگان کارگران توافق شد که با زمان - های کارگری و کار فرما شی وزارت کار به امر انتخاب نمایندگان کارگران در هر منطقه کمک و نظارت نمایندگان در آنها بت شورا شی از جمع کارگران هر منطقه با تمام مناطق نیز بوجود آید. و با ... اگر در حل مسائل تسریع نشود اعتماد کارگران کوره پزخانه ها شروع خواهد شد. اما کارگران مبارز کوره پزخانه ها علیه رژیم عملکردها و توطئه های ضد کارگری رژیم مبارزات خود را جهت افزایش دستمزد، بدست آوردن امکانات رفاهی و ... به پیش میبرند. این مبارزات که اتفاق خونین خود را در اعتبار ۴۰ هزار نفری کارگران کوره پزخانه ها در ۱۳۳۸ در رژیم شاه شاهن، نشان داد، اینک ادامه راه خود را در اعتبارات پرداخته شده سال ۵۸ و اخیراً در اعتبار کارگران کوره پزخانه های "خاکسوز آباد" پیروجردها، کرمانشاه و ... در رژیم جمهوری اسلامی می بینیم.

در تاریخ ۶۰/۲/۱۸ کارگران کوره پزخانه های "خاکسوز آباد" تصمیم میگیرند جهت برآورد شده خواسته های نیاز تاریخ شنبه ۶۰/۲/۱۹ اعتماد بنمایند:

- ۱- با توجه به چندین بار بردن قیمت مواد مصرفی مثل گوشت، تخم مرغ، روغن و نان و ... دستمزد هر هزاری خشت هم باید به همان نسبت اضافه گردد.

- ۲- وسایل بهداشتی چون: ساختن حمام ساختن توالت.
- ۳- آتشا میدنی کافی تهیه و در دسترس کارگران گذاشته شود.
- ۴- داشتن بیخ و بیخال برای هر خانواده.
- ۵- دادن کفش دستکش به قالب کفشها و قالب دارها.
- ۶- استادکاران زهرتومان خشت ده ناشی و نه یک ریال، حق استادکاری بیشتر بریندارد.
- ۷- کارگران کوره پزخانه ها باید بیمه شوند.
- ۸- تا مین خانه های مسکونی برای کارگران.

کارگران اعتمادی در روز ۶۰/۲/۱۹ با پیوستن عده ای دیگر کارگران که مشغول کار بودند، در جاده تهران - خاکسوز آباد، دست به تظاهرات میزنند.

کارگران شعار میدادند: "درود بر کارگر، مرگ بر سرمایه دار"، "کارگران به ما ملحق شوید، شهید را حق شوید"، "خشت هزاره ۱۵ تومان یا بدگردد" و ...

کارگران در بین راه با تعیین شعارها و تدوین خواسته ها و با محکم تر کردن صفوفشان جهت جلب دیگر کارگران به کوره پزخانه های دیگر میروند.

این اعتماد در کنار سایر اعتماداتی که در کوره پزخانه های پیروجردها، کرمانشاه و ... بوقوع پیوسته و خواسته های کارگران مطرح کرده اند، نشانگر ادامه وضعیت مشقت بار زندگی کارگران کوره پزخانه ها در رژیم جمهوری اسلامی و عوام مغربیان نبودن تبلیغات رژیم مبنی بر "رسیدگی به مشکلات کارگران" میباشد.

- ۱- نارسا شیبها در کلیه کوره ها.
- ۲- تهیه آتشا میدنی بهداشتی و تصفیه شده برای کلیه کوره ها و وسیله مالکین کوره.
- ۳- بیمه کردن کلیه کارگران
- ۴- اتمام کار ساختن درمانگاه
- ۵- خاکسوز آباد تا مین کار در پرسنلی و وسایل مورد نیاز آن وسیله وزارت بازرگانی.
- ۶- اتمام کار ساختن ع شرکت تعاونی صرف کارگران کوره پزخانه ها
- ۷- ...

جالب اینجاست که برای برآورده شدن موضوعات بالا حداکثر یک ماه یعنی تا پایان فروردین ۶۰ به کار فرمایان "مهلت" داده میشود، اما نه تنها بر کارگران کوره پزخانه ها بلکه بر همه زحمتکشان ما پوشیده نیست که چگونه فقر و فلاکت آنها در رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه یافته و نه تنها خواسته های انقلابیشان برآورده نشده بلکه زورگویی سرمایه داران حاکم بر آنان چندین بار برگشته است.

هدف دیگر رژیم از سرگزازی این جلسات برنامهریزی برای جلوگیری از تشکیل شدن شوراهای واقعی کارگران کوره پزخانه ها و ایجاد شوراهای فرمایشی جهت به شکست کشاندن مبارزات خود بخودی آنان است. مسئولان رژیم در جلسه ای که در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ در وزارت کار برگزار شد مطرح میکنند که: "در خصوص انتخاب

ج: انبار رزن - که در دگر و گره فوق جای نمیگیرد انبار رزن موظف است که خشته را در محوطه کوره به ترتیب خاص چیده و روی آنان را با خاک بیوشاند. تا از باران در امان باشند.

### سیاستهای عوام مغربیان رژیم در مورد کوره پزخانه ها

از آنجا که شرایط سخت و طاقت فرسا و استثمار وحشیانه کارگران کوره پزخانه ها، آنان را به اعتماد و گرفتن حق خود از حلقوم رژیم سرمایه داری، میکشاند، که سال گذشته شاهد اعتمادات وسیع آنان بودیم - رژیم با گذاشتن جلساتی با شرکت عوامل و دست اندرکارانش و دادن طرحهایی جهت "بهبود" وضع کارگران کوره پزخانه ها، چهره به اصطلاح دفاع از آنان در برابر کار فرمایان را به خود میگیرد. وضعیت اسفناک روز زندگی کارگران کوره پزخانه ها به حدی است که رژیم در تحقیقات خودناچاراً از اعتراف بد آنها شده است. برای مثال هنگامیکه عوامل رژیم از کوره پزخانه های واقع در "خاکسوز آباد" دیدن کرده اند، نه تنها شرایط کار را "اسفناک" توصیف میکنند ■ یعنی کوره در ۲۴ ساعت یکبار روشن شود.

بقیه از صفحه ۲۲ فراخوان...

روی دیوارها را گرفتن در دست در معرض دید عابریین، دیوار نویسی کوتاه شده اخبار و افشاگریها، تکثیر این مندرجات بصورت اعلامیه ها و تراکتها و پخش وسیع آنها، بویژه در کارخانه ها، نقل و شفا می آنها در هر نقطه و فرصت ممکن... هستند.

۴- اگر چه برای فروش خبرنا مه های مرکزی و محلی ممکن است بهائی تعیین شود، اما اساسا هدف پخش هر چه وسیعتر و توده ای تر آن مدنظر است. از همین جهت در پخش آن، مسئله فروش در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد.

۵- کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای مربوط به خبرنا مه را به هیئت تحریریه بیکار - بخش خبرنا مه بیکار - ارسال دارید.

۶- ارگانهای محلی سازمان باید یک نسخه از کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای خود را قبل از انتشار در خبرنا مه محلی، دراولین فرست مکن، برای خبرنا مه مرکزی بفرستند.

۷- هما نظور که میداند ضمن ثابت بودن مضمون و ماهیت افشاگری ما در قبال حزبی-ها و لیبرالها، شکل این افشاگری در مورد لیبرالها تا حدی متفاوت بوده و می بایست با طرح و پیشبردشها را که عوا مغربیهی و خیانت پستی لیبرالها را در جریان مبارزات روزمره توده ها بنمایش میگذارد آنها را افشا نمود.

در همین رابطه رفقا باید در تجربیات و گزارشات خود، میزان تاثیر گذاری شاعرها و افشاگری های ما در قبال لیبرالها را بر ذهنیات، روحیات و حرکات توده ها، -نوع عکس العمل های مثبت و منفی توده ها در قبال این شاعرها، را دقیقاً و موبه مو ذکر نمایند.

۸- رفقا باید تجربیات مبارزات توده ای را با کلیه نمودها و علائم مثبت و منفی آنها برای برخورد آموزشی در خبرنا مه در جهت ارتقاء جنبه های مثبت این مبارزات و تمحیح نکات منفی آنها، بطور کامل و دقیق برای ارسال دارند.

۹- در اخبار، گزارشات و افشاگریهای خود، میزان و ترکیب طبقاتی شرکت کنندگان در هر حرکت را ذکر کنید. البته این مسئله فقط به حرکات دمکراتیکی که توده ها صورت میدهند محدود نمیشود و در مورد توده های شرکت کننده در راهیما می ها و اجتماعاتی هم که حزب سراه می اندازد صادق است.

۱۰- در مواجهه با اشکال مختلف مبارزاتی که در جهت کسب آزادیهای دمکراتیک و برضد خلفان حاکم صورت میگیرد، عماد زنگیریهای خیابانی، اعتصابات، کم کاریها، راهیما می-ها، اجتماعات، اظهارنارضایتی ها و... معمولاً بخشهای مختلف مردم، عکس العملها و اشکالات نظری و عملی گوناگونی از خود بروز می دهند. نوع این عکس العملها و

یادداشتها...

سیاسی خارج شود و محدود آرزوهای مطرح شود، بلکه حتی بزم خویش توانسته است خود را "زادبخواه" و "مخالف استبداد حاکم" جلوه دهد و بر بستر تلاش برای تحقق چنین اهداف و فدا نقلایی ای، "جبهه ملی" دست به عسارت - بردازی زده و مردم را به قیام نیز دعوت مینماید!! اما تلاش جبهه ملی و حرکت وی برای برگزاری راهیما می اعتراضی بی شک نمیتواند نبه نیابت از سوی کل لیبرالهای ایران، چه آن تا نکه فراری و مخفی اندوچه آن تا نکه بدلیسل محظورات و حضورشان در مجلس و... در شرایط کنونی قادر نیستند که دست به حرکت اعتراضی زنند صورت بگیرد. از این رو سیاست این اعتراضی عوا مغربیهی به دوش جبهه می افتد و سایر لیبرالها نیز بصورت کتبی و شفاهی و بطور مستقیم و غیر مستقیم آن حمایت میکنند تا آنجا که حتی زمزمه حمایت عملی نهضت آزادی و رئیس جمهور نیز از اظهارات "جبهه" بگوش میرسد.

اما اگر آن تا بدلیل محظورات مستقیم به حمایت از این حرکت فدا نقلایی و عوا مغربیهی لیبرالها نمی پردازند، اما سلطنت طلبی نسبی چون "ارتشها شیبخش ایران" یا "با صدور اطلاعیه ای از راهیما می" مترقی! "جبهه ملی بر علیه" استبداد و خلفان "حمایت میکنند.

رادیوهای "صدای آزاد" و "آرادیوی ایران" و امثالهم نیز به حمایت فعال از نظرات "جبهه" می پردازند و آن تا حمایت میکنند. دارودسته های رویزیونیستی نظیر نجران نیز دعوت جبهه را لبیک گفته، توده ها را بر زیر پرچم بورژوازی لیبرال فدا نقلایی در مخالفت با "انحصار طلبی" و "استبداد" حزبی فرا میخوانند.

در سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی و نوکران رویزیونیست شان نظیر اکثریت و حزب توده به آرایش قوا می پردازند و در صدر می آید که راهیما می را با شدت هر چه بیشتر سرکوب نمایند. اعلامیه "تحریم" رویزیونیستهای اکثریت که در حقیقت اطلاعیه تهدید جبهه ملی و

اشکالات را که از سطوح مختلف آگاهیهای سیاسی توده ها و توان ذهنی مبارزاتی شان ناشی میشود، بطور کامل و دقیق در گزارشاتشان منعکس نمائید و در این رابطه بویژه تشریح وضعیت کارگران، مسائل مطروحه و نوع عکس-العملهای آنان در قبال مسئله سرکوب و اختناق و... از اولیوی خاص برخوردار است...

۱۱- تجربیات افشاگریها و تبلیغات خود را که در اشکال مختلف صورت میدهند و همچنین اشکال نویسی از این افشاگریها و تبلیغات را که در جریان مبارزاتی کشف میکنید برای انتقال و وسیعتر و توده ای تر کردن آنها از طریق خبرنا مه، برای ما ارسال دارید.

بسیج نیروهای خود علیه آن است جلسهای از در بوزگی رویزیونیستها در دفاع از رژیم حاکم است. حزبیها نه تنها با بسیج نیروهای خود مانع از اجرای نظرات می گردند، بلکه با حملات تبلیغاتی خود لیبرالهای شریک خود نظیر بنی صدور با زرگان را "تطهیر" میکنند.

خمینی در سخنرانی خود جبهه ملی را "مرتد" میخواند و خواهان روشن شدن موضع بنی صدور با زرگان در مقابل نظرات "جبهه ملی" است با زرگان به سباق همیشه خود فوراً "جا" زده و با صدور اطلاعیه ای حمایت خود را از نظرات تکذیب میکند. اما بنی صدور در مقابل مسئله سکوت میکند و معنی این سکوت چیزی جز حمایت تلویحی از این نظرات و تشدید موضعگیری در مقابل خمینی نیست. اما این موضعگیری بنی صدور و حزب دیگری به دست خمینی و حزب جمهوری میدهند تا حملاتشان را علیه وی تشدید نمایند.

امروزه اگر چه کاریک توری از نقش لیبرالها در قدرت بظاهرا باقی مانده است، اما در واقع آنان کاملاً از قدرت رانده شده اند و این خود زمینه اتحادیست را در دستهای مختلف لیبرالها را نزدیک خواهد نمود. و متحد شدن جبهه لیبرالها را که حتی حمایت سلطنت - طلبان را نیز با خود به همراه دارند، زنگ خطر بیشتری را برای جنبش خلق به صدا در می آورد.

کمونیهستها و نیروهای انقلابی با بدبکوشند با افشای بی امان ماهیت فدا نقلایی و ارتجاعی بورژوازی لیبرال، به هر رنگ و لباس و با حزب و جبهه ای که در آیند، ماسک آزادیخواهی آنان را در برده و با توضیح ماهیت واقعی آنان، مانع از آن شوند که لیبرالها بتوانند سوار بر جنبش شده و آنرا در جهت منافع خود سوق دهند.

آلترنا تیبو کمونیستی تنها میتواند بهر بستر مبارزه علیه رژیم، افشای بی امان لیبرالها، زدودن و جدا کردن صف خرده بورژوازی دمکرات از بورژوازی لیبرال و کشتن آن بسوی خود شکل گیرد. این وظیفه ای است تاریخی که امروز بیش از پیش برجستگی می یابد.

۱۲- در ارسال کلیه اخبار، گزارشات، افشاگریها، تجربیات مبارزاتی توده ای و... ضمن رعایت کامل دقیق بودن، هر چه گاملتر بودن، انطباق با واقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و... میزان موشق بودن، نیمه موشق بودن یا تا به بودن آن را حتما ذکر کنید.

۱۳- تنها زمانی میشود که این شریبه به اهداف خود برسد که هر قیفی مانند یک خبرنگار رمذی شریبه بوده و در ارسال سریع و بموقع و فعال و خبرگزارش از یک سو و پخش و تکثیر شریبه به هر نحو ممکن از سوی دیگر، ما را یاری رسانند.

با درودهای کمونیستی!

۱۲- در ارسال کلیه اخبار، گزارشات، افشاگریها، تجربیات مبارزاتی توده ای و... ضمن رعایت کامل دقیق بودن، هر چه گاملتر بودن، انطباق با واقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و... میزان موشق بودن، نیمه موشق بودن یا تا به بودن آن را حتما ذکر کنید.

۱۳- تنها زمانی میشود که این شریبه به اهداف خود برسد که هر قیفی مانند یک خبرنگار رمذی شریبه بوده و در ارسال سریع و بموقع و فعال و خبرگزارش از یک سو و پخش و تکثیر شریبه به هر نحو ممکن از سوی دیگر، ما را یاری رسانند.

با درودهای کمونیستی!

۱۲- در ارسال کلیه اخبار، گزارشات، افشاگریها، تجربیات مبارزاتی توده ای و... ضمن رعایت کامل دقیق بودن، هر چه گاملتر بودن، انطباق با واقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و... میزان موشق بودن، نیمه موشق بودن یا تا به بودن آن را حتما ذکر کنید.

۱۳- تنها زمانی میشود که این شریبه به اهداف خود برسد که هر قیفی مانند یک خبرنگار رمذی شریبه بوده و در ارسال سریع و بموقع و فعال و خبرگزارش از یک سو و پخش و تکثیر شریبه به هر نحو ممکن از سوی دیگر، ما را یاری رسانند.

با درودهای کمونیستی!

۱۲- در ارسال کلیه اخبار، گزارشات، افشاگریها، تجربیات مبارزاتی توده ای و... ضمن رعایت کامل دقیق بودن، هر چه گاملتر بودن، انطباق با واقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و... میزان موشق بودن، نیمه موشق بودن یا تا به بودن آن را حتما ذکر کنید.

۱۳- تنها زمانی میشود که این شریبه به اهداف خود برسد که هر قیفی مانند یک خبرنگار رمذی شریبه بوده و در ارسال سریع و بموقع و فعال و خبرگزارش از یک سو و پخش و تکثیر شریبه به هر نحو ممکن از سوی دیگر، ما را یاری رسانند.

با درودهای کمونیستی!

مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک از مبارزه ضد امپریالیستی جدا نیست!

## فراخوان درباره خبرنامه

رفقا!

برای مقابله با یورش حزب جمهوری اسلامی و تسکین جوخقان و سائورودرهمین رابطه ضرورت انعکاس اخبار روگزارشات مبارزات دمکراتیک و مدارتجاری توده‌های سازمان و ضرورت ارائه طرح و گسترش آلترا تریستی و پرولتری بر بستر مبارزه در راه آزادی‌های دمکراتیک و تعمیم به انتشار خبرنامه پیکار گرفته ایم. در این رابطه رهنمودهای را لازم به تذکر می‌دائیم که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مضمون این خبرنامه صرفاً جنبه دمکراتیک و ضد خنثا قی دارد. با این ترتیب کلیه اخبار روگزارشات مبارزات دمکراتیک و ضد خنثا قی توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در هر شکلی که صورت می‌گیرد و افشاگری‌های مربوط به عملکردهای ضد دمکراتیک رژیم و بویژه حزب جمهوری اسلامی، در این خبرنامه منعکس می‌شود. سایر اخبار روگزارشات و افشاگری‌های که خارج از این مضمون قرار دارند، مثلاً اعتماد کارگران در کارخانه که با خواستهای افزایش دستمزد و... همراه باشد، مضمونی سوسیالیستی داشته و در جای خود این تشریح قرار نمی‌گیرد. این قبیل اخبار کم‌کم در جای ویژه خود در پیکار و نشریات فابریک و محلی قرار دارند. در عین حال انعکاس اخبار مبارزات سیاسی کارگران بر علیه انجمنهای اسلامی و در راه تسکین جوخقان در کارخانه‌ها و بدست آوردن آزادی‌های دمکراتیک نظیر حقوق ایجا دشواری واقعی، مقابله با سرکوب رژیم، اخراج پاسداران از کارخانه‌ها و... در همین تشریح منعکس می‌گردد.

۲- علاوه بر خبرنامه مرکزی که در تهران منتشر می‌شود، کلیه ارگانهای سازمانی در نقاط مختلف کشور باید به انتشار خبرنامه‌های محلی با مضمون ذکر شده در بالا اقدام کنند. در این خبرنامه‌ها علاوه بر اخبار روگزارشات و افشاگری‌های دمکراتیک و ضد خنثا قی محلی، آن بخش از مندرجات خبرنامه مرکزی نیز که مربوط به وقایع و مسائل سازمانی کشور و بخصوص تهران است، درج می‌گردد.

۳- علاوه بر خبرنامه پیکار که شکل محوری انعکاس مسائل سازمانی است، کلیه بخشهای سازمان و رفقای هوادار موظف به انتشار مندرجات خبرنامه مرکزی و خبرنامه محلی در اشکال مختلف بزرگ نویسی برای جیب‌اندن بقیه در صفحه ۴۱

## یادداشت‌های سیاسی هفتگی

می‌خورد، همان مخالفت‌های "قانونی" بی‌قانونی‌های حزب جمهوری و "هرج و مرج" و "آشوب" بود.

اما گذشت زمان و روند تصفیه لیبرال‌ها از سوی حزب جمهوری در حاکمیت از یکسو و تشدید نا رضایتی و مبارزات توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، "جبهه ملی" را نیز همچون سایر لیبرال‌ها به رجزخوانی و تشدید مخالفت‌های خود با حزبها از یکسو و تشدید عوام‌فریبی و گرفتارنشدن "آزادخواهی" در سینه توده‌ها از سوی دیگر واداشت. "جبهه ملی" که خود طرفدار بیرونی قرض‌مناسبات با امپریالیست‌های غربی و بویژه آمریکا است تا گمان "فدائ" امپریالیست "آزاد" داده و به آزادی‌گروگان‌ها و نگرافتن پول‌های بلوکه شده توسط آمریکا اعتراض نموده و این سازش مفتضح در پیستی زست "فدائ" امپریالیستی "حزب جمهوری" می‌خواند. به قرار دادتالیوت اعتراض کرده و آنرا نشان می‌دهد و ابستگی می‌خواند! به کشتار دانشجویان در سال ۵۹ اعتراض کرده و به حمایت ظاهری از مبارزات دانشجویان و اعتراض علیه حزب جمهوری بر می‌خیزد! به لایحه بودجه، لایحه قضا و فقدان آزادی مطبوعات و... اعتراض کرده و آنرا نشان می‌دهد تا کمیت استبداد می‌خواند! و جالب تر از همه آنکه این دارودسته فدا نقلی سورژوازی، برای فریب کارگران، شعار کارگران و زحمتکشان جهان متحد شوید را بمناسبت اول ماه مه سرمی‌دهد!!

آری این "چرخش‌های" "جبهه ملی" که همزمان با چرخش لیبرال‌های درون حکومت همراه است، و گرفتن زست "آزادخواهی" و ضد امپریالیستی "برای آنست که اینها ریتوانند بر خلاف دفعه گذشته از جنبش عقب‌نمانده بالعکس تا آنجا که میتوانند بر آن مبارزه، بر آن سوار شده و جنبش توده‌های رادرجت منافع ضد انقلابی خود منحرف نماید. از اینروست که این لیبرال‌های "قانون پرست" دست به "قانون-شکنی" زده و در چنین شرایط جوخقانی تعمیم می‌گیرند که میتینگ را بر علیه جناح حزبی و در جهت بدست گرفتن رهبری جنبش برپا دارند و اگر معلوم است که امکان برگزاری چنین تظاهراتی نیست چه جای "جبهه" بود خویش را برده است و به تنها توانسته است از استروای بقیه در صفحه ۳۱

## مسئله جبهه به اصطلاح ملی: نمونه‌ای از تلاش‌های عوام‌فریبانه لیبرال‌ها

دوشنبه پیش بدعوت "جبهه ملی" قرار بود میتینگ و تظاهراتی برپا شود، که همانطور که از پیش روشن بود برگزار نشد. چه، دارودسته‌های مسلح حزب جمهوری اسلامی اینک صرفاً به تهاجم علیه انقلاب بسته نکرده، بلکه مخالفت‌های فدا نقلی لیبرال‌ها را علیه خود نیز نمیتوانند تحمل کنند. توقیف روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزبان، غیرقانونی نمودن دفترها هنگی رئیس جمهور با مردم و حملات مسلحانه به این دفتر، خودشمه کوچکی از این واقعیت بود.

این امر که این تظاهرات در شرایط کنونی هیچگونه امکان برپائی "موفقیت آمیز" خود را نمیتوانست داشته باشد چیزی نیست که تعجب انگیز باشد. اما آنچه که ظاهراً تعجب انگیز است و با عدم توجه قرار گیرد، علت برپائی چنین تظاهراتی از سوی "جبهه" و تشکیلات "اصطلاح" ملی "وصف بندی خمینی و حزب جمهوری اسلامی" و سایر نیروهای سیاسی در مقابل این رویداد بود.

دارودسته "جبهه ملی" که بدلیل کسوف رسوائی سلطنت طلبی اش از یکسو که در شعار معروف "شاه با بد سلطنت کننده حکومت" جلوه گر می‌گشت و از سوی دیگر به دلیل نزدیکی بسیاری از سران آن همچون بختیار، مدنی و... با امپریالیسم آمریکا و اصولاً مناسبات "جبهه ملی" با امپریالیست‌ها که در جریبان می‌رزات میلیونی توده‌ها نیز منزوی گشته بود، بعداً زقیام نیز همواره به یک جریان ورشکسته سیاسی مورد نفرت توده‌های زحمتکش بود.

"جبهه ملی" اگر چه بعداً زمدت کوتاه‌هسی با حاکمیت نوین بدلیل هژمونی خمینی و حزب، با آن از در مخالفت درآمد، اما هرگز هیچگونه حرکت و اعتراضی علیه حاکمیت صورت نداد که سهل است، در مواردی، به یاری مستقیم رژیم جمهوری اسلامی نیز درآمد. تلاش‌های سنجایی در جریان جنگ ارتجاعی و گمیل ایل سنجایی‌ها به جبهه‌های جنگ ارتجاعی خود جلوه‌ای از این واقعیت است.

در عین حال آنچه بمناسبت حد اکثر مخالفت‌های عسلی جبهه ملی با جناح مسلط حزب به چشم

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست